



جمهوری اسلامی ایران
Islamic Republic of Iran
سازمان ملی استاندارد ایران

Iranian National Standardization Organization



استاندارد ملی ایران
۱۵۵۳۸-۱
چاپ اول

۱۳۹۸

INSO
15538-1
1st Edition
2019

Identical with ISO
6707-1:2017

مهندسی عمران و کارهای ساختمانی -
واژه‌نامه - قسمت ۱: اصطلاحات عمومی

**Buildings and civil engineering works –
Vocabulary – Part 1: General terms**

ICS: 01.040.93;93.010;01.040.91;91.010.01

استاندارد ملی ایران شماره ۱-۱۵۵۳۸ (چاپ اول): سال ۱۳۹۸

سازمان ملی استاندارد ایران

تهران، ضلع جنوب غربی میدان ونک، خیابان ولیعصر، پلاک ۲۵۹۲

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۱۳۹ تهران-ایران

تلفن: ۵-۸۸۸۷۹۴۶۱

دورنگار: ۸۸۸۸۷۰۸۰ و ۸۸۸۸۷۱۰۳

کرج، شهر صنعتی، میدان استاندارد

صندوق پستی: ۳۱۵۸۵-۱۶۳ کرج-ایران

تلفن: ۸-۳۲۸۰۶۰۳۱-۰۲۶

دورنگار: ۸۱۱۴-۳۲۸۰۸۱۱۴-۰۲۶

رایانامه: standard@isiri.org.ir

وبگاه: <http://www.isiri.gov.ir>

Iranian National Standardization Organization (INSO)

No. 2592 Valiasr Ave., South western corner of Vanak Sq., Tehran, Iran

P. O. Box: 14155-6139, Tehran, Iran

Tel: + 98 (21) 88879461-5

Fax: + 98 (21) 88887080, 88887103

Standard Square, Karaj, Iran

P.O. Box: 31585-163, Karaj, Iran

Tel: + 98 (26) 32806031-8

Fax: + 98 (26) 32808114

Email: standard@isiri.org.ir

Website: <http://www.isiri.gov.ir>

به نام خدا

آشنایی با سازمان ملی استاندارد ایران

سازمان ملی استاندارد ایران به موجب بند یک ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱ تنها مرجع رسمی کشور است که وظیفه تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) ایران را به عهده دارد.

تدوین استاندارد در حوزه‌های مختلف در کمیسیون‌های فنی مرکب از کارشناسان سازمان، صاحب‌نظران مراکز و مؤسسات علمی، پژوهشی، تولیدی و اقتصادی آگاه و مرتبط انجام می‌شود و کوششی همگام با مصالح ملی و با توجه به شرایط تولیدی، فناوری و تجاری است که از مشارکت آگاهانه و منصفانه صاحبان حق و نفع، شامل تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، صادرکنندگان و واردکنندگان، مراکز علمی و تخصصی، نهادها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی حاصل می‌شود. پیش‌نویس استانداردهای ملی ایران برای نظرخواهی به مراجع ذی‌نفع و اعضای کمیسیون‌های مربوط ارسال می‌شود و پس از دریافت نظرها و پیشنهادهای در کمیته ملی مرتبط با آن رشته طرح و در صورت تصویب، به عنوان استاندارد ملی (رسمی) ایران چاپ و منتشر می‌شود.

پیش‌نویس استانداردهایی که مؤسسات و سازمان‌های علاقه‌مند و ذی‌صلاح نیز با رعایت ضوابط تعیین شده تهیه می‌کنند در کمیته ملی طرح، بررسی و در صورت تصویب، به عنوان استاندارد ملی ایران چاپ و منتشر می‌شود. بدین ترتیب، استانداردهایی ملی تلقی می‌شود که بر اساس مقررات استاندارد ملی ایران شماره ۵ تدوین و در کمیته ملی استاندارد مربوط که در سازمان ملی استاندارد ایران تشکیل می‌شود به تصویب رسیده باشد.

سازمان ملی استاندارد ایران از اعضای اصلی سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO)^۱، کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک (IEC)^۲ و سازمان بین‌المللی اندازه‌شناسی قانونی (OIML)^۳ است و به عنوان تنها رابط^۴ کمیسیون کدکس غذایی (CAC)^۵ در کشور فعالیت می‌کند. در تدوین استانداردهای ملی ایران ضمن توجه به شرایط کلی و نیازمندی‌های خاص کشور، از آخرین پیشرفت‌های علمی، فنی و صنعتی جهان و استانداردهای بین‌المللی بهره‌گیری می‌شود.

سازمان ملی استاندارد ایران می‌تواند با رعایت موازین پیش‌بینی شده در قانون، برای حمایت از مصرف‌کنندگان، حفظ سلامت و ایمنی فردی و عمومی، حصول اطمینان از کیفیت محصولات و ملاحظات زیست‌محیطی و اقتصادی، اجرای بعضی از استانداردهای ملی ایران را برای محصولات تولیدی داخل کشور و/یا اقلام وارداتی، با تصویب شورای عالی استاندارد، اجباری کند. سازمان می‌تواند به منظور حفظ بازارهای بین‌المللی برای محصولات کشور، اجرای استانداردهای کالاهای صادراتی و درجه‌بندی آن را اجباری کند. همچنین برای اطمینان بخشیدن به استفاده‌کنندگان از خدمات سازمان‌ها و مؤسسات فعال در زمینه مشاوره، آموزش، بازرسی، ممیزی و صدور گواهی سیستم‌های مدیریت کیفیت و مدیریت زیست‌محیطی، آزمایشگاه‌ها و مراکز واسنجی (کالیبراسیون) وسایل سنجش، سازمان ملی استاندارد این‌گونه سازمان‌ها و مؤسسات را بر اساس ضوابط نظام تأیید صلاحیت ایران ارزیابی می‌کند و در صورت احراز شرایط لازم، گواهینامه تأیید صلاحیت به آن‌ها اعطا و بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌کند. ترویج دستگاه بین‌المللی یکاها، واسنجی وسایل سنجش، تعیین عیار فلزات گرانبها و انجام تحقیقات کاربردی برای ارتقای سطح استانداردهای ملی ایران از دیگر وظایف این سازمان است.

1- International Organization for Standardization

2- International Electrotechnical Commission

3- International Organization for Legal Metrology (Organisation Internationale de Metrologie Legals)

4- Contact point

5- Codex Alimentarius Commission

کمیسیون فنی تدوین استاندارد

«مهندسی عمران و کارهای ساختمانی - واژه‌نامه - قسمت ۱: اصطلاحات عمومی»

رئیس:

سازمان نظام مهندسی ساختمان فارس

همت، حجت
(کارشناسی ارشد مهندسی عمران)

دبیر:

سازمان ملی استاندارد ایران

محرری، حسن
(کارشناسی ارشد معماری)

اعضا: (اسامی به ترتیب حروف الفبا)

اداره کل راه و شهرسازی فارس

تلاشان، محمدحسین
(کارشناسی ارشد مهندسی عمران)

اداره کل استاندارد فارس

خضراء، بابک
(کارشناسی مهندسی عمران)

شرکت طراحی مهندسی عمران صنعت راسخ

صحرانورد، اعظم
(کارشناسی مهندسی عمران)

پژوهشگاه استاندارد

قشقایی، محمد مهدی
(کارشناسی ارشد مهندسی عمران)

شرکت باریت و بنتونیت فردوس

محرری، رضا
(کارشناسی مهندسی عمران)

دانشگاه صنعتی شیراز

هادیان‌فرد، محمدعلی
(دکتری مهندسی عمران)

ویراستار:

سازمان ملی استاندارد ایران

عباسی رزگله، محمدحسین
(کارشناسی ارشد مهندسی عمران)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
و	پیش‌گفتار
ز	مقدمه
۱	۱ هدف و دامنه کاربرد
۱	۲ مراجع الزامی
۱	۳ اصطلاحات و تعاریف
۱	۱-۳ اصطلاحات مربوط به مهندسی عمران و انواع ساختمان‌ها
۳۳	۲-۳ اصطلاحات مربوط به فضاها
۴۸	۳-۳ اصطلاحات مربوط به اجزای ساختمان و کارهای مهندسی عمران
۱۳۷	۴-۳ اصطلاحات مربوط به مواد و مصالح
۱۶۰	۵-۳ اصطلاحات مربوط به بهره‌برداری، مستندسازی و تجهیزات
۱۷۹	۶-۳ اصطلاحات مربوط به دست‌اندرکاران پروژه‌ها و کاربران
۱۸۱	۷-۳ اصطلاحات مربوط به خصوصیات و عملکرد
۲۱۹	۸-۳ اصطلاحات مربوط به برنامه‌ریزی محیطی و فیزیکی
۲۲۶	پیوست الف (آگاهی‌دهنده) فهرست الفبایی مترادف‌های آمریکایی
۲۳۱	کتاب‌نامه

پیش‌گفتار

استاندارد «مهندسی عمران و کارهای ساختمانی- واژه‌نامه- قسمت ۱: اصطلاحات عمومی» که پیش‌نویس آن در کمیسیون‌های مربوط بر مبنای پذیرش استانداردهای بین‌المللی/منطقه‌ای به‌عنوان استاندارد ملی ایران به روش اشاره شده در مورد الف، بند ۷، استاندارد ملی ایران شماره ۵ تهیه و تدوین شده، در هشتصد و پنجاهمین اجلاس کمیته ملی استاندارد مهندسی ساختمان و مصالح و فرآورده‌های ساختمانی مورخ ۹۸/۰۷/۱۴ تصویب شد. اینک این استاندارد به استناد بند یک ماده ۳ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، مصوب بهمن ماه ۱۳۷۱، به‌عنوان استاندارد ملی ایران منتشر می‌شود. استانداردهای ملی ایران بر اساس استاندارد ملی ایران شماره ۵ (استانداردهای ملی ایران- ساختار و شیوه نگارش) تدوین می‌شوند. برای حفظ همگامی و هماهنگی با تحولات و پیشرفت‌های ملی و جهانی در زمینه صنایع، علوم و خدمات، استانداردهای ملی ایران در صورت لزوم تجدیدنظر خواهند شد و هر پیشنهادی که برای اصلاح یا تکمیل این استانداردها ارائه شود، در هنگام تجدیدنظر در کمیسیون فنی مربوط، مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابراین، باید همواره از آخرین تجدیدنظر استانداردهای ملی ایران استفاده کرد. این استاندارد ملی بر مبنای پذیرش استاندارد بین‌المللی زیر به روش «معادل یکسان» تهیه و تدوین شده و شامل ترجمه تخصصی کامل متن آن به زبان فارسی می‌باشد و معادل یکسان استاندارد بین‌المللی مزبور است:

ISO 6707-1: 2017, Buildings and civil engineering works –Vocabulary–Part 1: Sustainability terms

مقدمه

هم‌زمان با رشد تعداد پروژه‌های بین‌المللی ساخت‌وساز و توسعه تجارت بین‌المللی تولیدات ساخت‌وساز، نیاز به وجود یک زبان مشترک توافقی نیز رو به افزایش است. اولین قدم در این راستا، تدوین این قسمت از استاندارد و سایر قسمت‌های آن است. این استاندارد که یک قسمت از مجموعه استانداردهای ملی ایران به شماره ۱۵۵۳۸ است در ادامه قسمت‌های ۲ و ۳، اصطلاحات ترجیحی و مفاهیم کلی مربوط به مهندسی عمران و کارهای عمومی ساختمان‌ها و دیگر انواع کارهای ساخت‌وساز را ارائه می‌کند. لذا با توجه به اهمیت ارتباطات در اجرای مفهوم کلی اصطلاحات مربوط به ساختمان‌ها و آثار مهندسی عمران، علاقه‌مندی به فهم مشترک و استانداردسازی که عامل تشویق استفاده از کلمات صحیح است، به حذف موانع بزرگ در ارتباطات موثر فنی کمک می‌کند. استفاده از این مجموعه استاندارد، هماهنگی و پایه‌ای برای اصطلاحات تخصصی در تدوین سایر استانداردها است.

در این استانداردها اصطلاحات به گونه‌ای گروه‌بندی شده‌اند که امکان مقایسه مفاهیم وابسته مهیا باشد. جایی که برای اصطلاحات بیش از یک معنی ترجیحی مطرح شود هر کدام به طور جداگانه با یک یادآوری و با ذکر منبع آن مشخص شده است. در جایی که اصطلاحات دارای معادل در سایر کشورهای انگلیسی زبان باشند اصطلاح معادل با قید علامت نام آن کشور در زیر اصطلاح اصلی نوشته شده است. برای اصطلاحات متعلق به منطقه خاص جغرافیایی، اصطلاح بین‌المللی آن مورد قبول است. چنانچه اصطلاح معادلی عنوان نشده باشد یعنی اصطلاح هم‌معنی آن، مورد پذیرش قرار گرفته است و برای این موارد نیز علامت نام کشور مشخص شده است.

سایر قسمت‌های این مجموعه عبارتند از:

- قسمت ۲: اصطلاحات پیمان و تعاملات

- قسمت ۳: اصطلاحات پایداری

مهندسی عمران و کارهای ساختمانی - واژه‌نامه - قسمت ۱: اصطلاحات عمومی

۱ هدف و دامنه کاربرد

هدف از تدوین این استاندارد، ارائه اصطلاحات و تعاریف مفاهیم عمومی جهت پایه‌ریزی واژه‌نامه کاربردی برای ساختمان‌ها و آثار مهندسی عمران است که شامل موارد زیر است:

الف- مفاهیم بنیادی که می‌تواند نقطه شروع سایر موارد ویژه‌تر، تعاریف و غیره باشد؛

ب- مفاهیم ویژه‌تر که در سطوح مختلف ساختمان و به صورت مکرر در استانداردهای ساختمان، آیین‌نامه‌ها و قراردادهای به کار می‌روند.

۲ مراجع الزامی

در این استاندارد مراجع الزامی وجود ندارد.

۳ اصطلاحات و تعاریف

پایگاه‌های داده‌های پایه واژه‌شناسی ISO و IEC، مورد استفاده برای استانداردسازی به نشانی‌های زیر هستند:

- دانش‌نامه الکترونیکی کمیسیون بین‌المللی الکتروتکنیک به نشانی: <http://www.electropedia.org>

- پایگاه جستجوی سازمان بین‌المللی استاندارد به نشانی: <http://www.iso.org/obp>

۱-۳ اصطلاحات مربوط به انواع ساختمان‌ها و آثار مهندسی عمران^۱

۱-۱-۳ اصطلاحات پایه^۲

۱-۱-۱-۳

آثار ساخت‌وساز

construction works

US: construction

هر چیز ساخته شده یا نتایج عملیات ساخت است.

1- Terms relating to types of buildings and civil engineering works

2- Base terms

یادآوری - در آمریکا برای واژه construction معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۵-۶ و ۳-۱-۵-۱ مراجعه شود).

۳-۱-۱-۲

آثار مهندسی عمران

civil engineering works

US: civil engineering project

آثار ساخت و سازی (۳-۱-۱-۱) که دربرگیرنده یک سازه (۳-۱-۱-۴) باشد مانند یک سد (۳-۱-۲-۲۲)، پل (۳-۱-۳-۱۹)، جاده (۳-۱-۳-۱)، راه آهن (۳-۱-۳-۳)، باند فرودگاه، صنایع همگانی، خطوط لوله (۳-۱-۲-۳۰) یا سامانه دفع فاضلاب (۳-۳-۴-۴۰) یا نتایج عملیاتی نظیر لایروبی، عملیات خاکی (۳-۱-۵-۶) و فرآیندهای فنی خاک (۳-۲-۵-۳) بااستثنای ساختمان (۳-۱-۱-۳) و کارهای وابسته به محوطه کار (۳-۱-۱-۶) آن ساختمان است.

یادآوری - کارهای وابسته به محوطه کار فقط در معادل آمریکایی شامل می شود.

۳-۱-۱-۳

ساختمان

building

آثار ساخت و سازی (۳-۱-۱-۱) که برای تامین محافظت نسبی یا کامل ساکنین یا محتویات آن، به عنوان یکی از اهداف اصلی؛ به طور معمول تمام یا قسمتی محصور و طراحی و در یک جای ثابت مستقر شده باشد. یادآوری - برای واژه building معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۵-۴ مراجعه شود).

۳-۱-۱-۴

سازه

structure

آثار ساخت و سازی (۳-۱-۱-۱) که دارای یک چارچوب قاب بندی (۳-۱-۳-۲) شده باشد.

یادآوری - برای واژه structure معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۲ مراجعه شود).

۵-۱-۱-۳

آثار محوطه‌سازی

external works

US: sitework

آثار ساخت‌وساز (۱-۱-۱-۳) یا منظرسازی روی زمین (۱-۸-۳)، مشابه یا وابسته به آثار مهندسی عمران (۲-۱-۱-۳) یا ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

۶-۱-۱-۳

محوطه کار

site

مساحتی از زمین محدوده (۱-۸-۳) یا آب که عملیات ساخت (۱-۱-۵-۳) یا سایر کارهای توسعه روی آن انجام شود.

کارهای مهندسی عمران^۱ ۲-۱-۳

۱-۲-۱-۳

آثار عملیات خاکی

earthworks

نتیجه حاصل از تغییرات بر روی عوارض موجود زمین است.

۲-۲-۱-۳

خاک‌برداری

excavation

نتیجه حاصل از حفاری، برداشت و خارج کردن خاک، خاکریز (۹-۴-۴-۳) یا سایر مواد (۲-۱-۴-۳) از روی زمین کف (۱-۲-۴-۳) است.

۳-۲-۱-۳

خاکریزی

embankment

نیمرخه از آثار عملیات خاکی (۱-۲-۱-۳) است که اغلب توسط برش (۵-۲-۱-۳) یا انباشتن (۹-۴-۴-۳) در جایی که سطح تمام شده زمین (۶۸-۲-۷-۳) بالاتر یا پایین‌تر از سطح اصلی زمین (۶۷-۲-۷-۳) می‌باشد، شکل داده می‌شود و معمولاً طول (۱۰-۲-۷-۳) آن به مراتب از پهنای (۸-۲-۷-۳) آن تجاوز می‌کند.

۴-۲-۱-۳

خاکریز

bund

US: berm

خاکریزی (۳-۲-۱-۳) کم ارتفاع است.

۵-۲-۱-۳

برش

cut

مصالح (۲-۱-۴-۳) خاک برداری شده به صورت توده است. یادآوری - برای واژه cut معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۶-۲-۱-۳ مراجعه شود).

۶-۲-۱-۳

بریدگی

cut

فضای خالی ناشی از خاک برداری (۲-۲-۱-۳) توده مصالح (۲-۱-۴-۳) است. یادآوری - برای واژه cut معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۵-۲-۱-۳ مراجعه شود).

۷-۲-۱-۳

برش و انباشت

cut and fill

روشی در عملیات خاکی (۳-۵-۱-۶) برای کاهش یا افزایش تغییرات در تراز زمین (۳-۷-۲-۶۷) با استفاده از مصالح (۳-۴-۱-۲) خاک برداری شده از زمین کف (۳-۴-۲-۱) بالاتر برای بالا بردن تراز (۳-۷-۲-۳۹) زمین پایین تر یا برعکس می باشد.

۸-۲-۱-۳

تونل دسترسی

adit

تونل (۳-۱-۳-۱۸) حفر شده با تراز تقریبی جهت انجام کارهای زیر کف است.

۹-۲-۱-۳

زمین کف سازی شده

made ground

US: fill

زمین کف (۳-۴-۲-۱) شکل داده شده با استفاده از مصالحی (۳-۴-۱-۲) است که جهت پر کردن فرورفتگی های موضعی یا جهت بالا بردن تراز (۳-۷-۲-۳۹) یک محوطه (۳-۱-۱-۶) می باشد. یادآوری - در آمریکا برای واژه fill معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۴-۹ مراجعه شود).

۱۰-۲-۱-۳

دیوار خاکریز

خاکریز نگهدارنده

bund wall

US: retaining earthworks

دیواری (۳-۳-۲-۴۶) که به شکل یک حصار دورتادور یک مخزن ذخیره است و جهت محافظت محتویات در حوادث منجر به شکست مخزن استفاده می شود.

۱۱-۲-۱-۳

توده خاک

dumpling

US: mound

جرم زیادی از زمین کف (۱-۲-۴-۳) که قرار است خاکبرداری شود اما به صورت یک تکیه‌گاه در ضمن کار ساخت (۱-۱-۵-۳)، به طور موقت رها شده است.

۱۲-۲-۱-۳

ترانشه

trench

خاکبرداری (۲-۲-۱-۳) باریک روباز، افقی یا کمی مایل، در طول زیاد و معمولا با کناره‌های قائم است.

۱۳-۲-۱-۳

شفت

shaft

خاکبرداری (۲-۲-۱-۳) قائم یا به صورت سرایشی مایل، به طور معمول با سطح مقطع محدود به نسبت عمق (۷-۲-۷-۳) است.

۱۴-۲-۱-۳

محل قرضه

borrow pit

سطح پشته خاک (۶-۱-۵-۳)، واقع شده برای ارائه مصالح (۱-۱-۴-۳) جهت عملیات خاکی (۱-۲-۱-۳) است.

۱۵-۲-۱-۳

گمانه

borehole

روزنه معمولاً قائم، که جهت تعیین مشخصات زمین کف (۱-۲-۴-۳)، استخراج آب یا سایر مایعات یا گاز و یا جهت اندازه‌گیری (۲۲-۱-۵-۳) تراز (۳۹-۲-۷-۳) آب زمین، تراشیده می‌شود.

۱۶-۲-۱-۳

دیوار نگهبان

retaining wall

دیواری (۴۶-۲-۳-۳) که برای زمین کف (۱-۲-۴-۳) یا مقابله با فشار ناشی از جرم سایر مصالح (۲-۱-۴-۳)، تکیه‌گاه جانبی ایجاد می‌کند.

۱۷-۲-۱-۳

دیوار پوششی

diaphragm wall

دیوار (۴۶-۲-۳-۳) بتنی (۱۵-۴-۴-۳) ساخته شده در یک ترانشه (۱۲-۲-۱-۳) که به طور موقت با دوغاب بنتونیت (۱۸-۲-۱-۳) اندود شده است.

یادآوری ۱- برای واژه diaphragm wall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه diaphragm wall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۳-۳ و ۳-۱-۳-۳ مراجعه شود).

۱۸-۲-۱-۳

بنتونیت

bentonite

خاک رس به شکل خاکستر آتشفشانی هوازده که با جذب آب، متورم می‌شود.

۱۹-۲-۱-۳

برج آب

water tower

کارهای مهندسی عمران (۳-۱-۱-۳) شامل یک مخزن آب بزرگ که روی تراز زمین کف (۳-۷-۲-۶۷)، بالا آمده است.

۲۰-۲-۱-۳

سیلو

silos

سازه‌ای (۳-۱-۱-۴) برای ذخیره یک حجم زیاد از مصالح پراکنده است.

۲۱-۲-۱-۳

موج شکن

Breakwater

GB: mole

سازه طویل (۳-۱-۱-۴) در بدنه آب، که برای محافظت یک بندر (۳-۱-۳-۶۴) یا ساحل در برابر امواج طراحی می‌شود.

۲۲-۲-۱-۳

سد

dam

دیواره (۳-۲-۳-۹) ساخته شده جهت حفظ آب از یک ذخیره آب (۳-۱-۲-۳۶) و یا کاهش یا جلوگیری از طغیان آب، برای بالا بردن تراز (۳-۷-۲-۳۹) آب است.

۲۳-۲-۱-۳

سیل بند

flood bank

GB: dyke, dike, levee

خاکریزی (۳-۲-۱-۳) که برای حفظ یا کنترل تراز (۳-۲-۷-۳) سیلاب ساخته شده است.

۲۴-۲-۱-۳

بند موقت

cofferdam

سازه (۴-۱-۱-۳) معمولاً موقت، که جهت پشتیبانی کافی زمین کف (۱-۲-۴-۳) مجاور یا مانع آب یا خاک (۲-۲-۴-۳) ساخته می‌شود تا امکان کار کردن همراه با ارتقاء ایمنی؛ بدون نیاز به تلمبه‌زنی زیاد برای انتقال آب، فراهم شود.

۲۵-۲-۱-۳

نهر

swale

سطحی با شیب کم که جهت نگهداری آب و دیگر مایعات ساخته می‌شود و غالباً گودی باتلاقی است که به طور کامل پوشش گیاهی دارد یا با شن، سنگ (۴-۲-۴-۳) یا بتن (۱۵-۴-۴-۳) فرش شده است. یادآوری - برای واژه swale معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۸-۸ مراجعه شود).

۲۶-۲-۱-۳

آبیاری

irrigation

توزیع مصنوعی آب به زمین محدوده (۱-۸-۳) که به طور معمول برای رویاندن محصولات گیاهی است.

۲۷-۲-۱-۳

بند

weir

سازه‌ای (۴-۱-۱-۳) که آب بتواند روی آن جریان یابد و جهت کنترل تراز (۳-۲-۷-۳) آب بالادست در یک آبرو (۸-۸-۳) یا کانال (۱۶-۴-۳-۳) دیگر و/یا برای اندازه‌گیری جریان (۴۱-۳-۷-۳) استفاده می‌شود.

۲۸-۲-۱-۳

دریچه تنظیم آب

penstock

US: lock gate

GB: sluice gate

دریچه معمولاً مثلثی شکل که در امتداد قائم بین غلافها جابجا می شود.

۲۹-۲-۱-۳

سرریز

spillway

GB: waste weir

راه عبوری برای تخلیه آب اضافی از یک مخزن (۳-۱-۲-۳) آب یا کانال (۳-۳-۴-۱۶) است.

۳۰-۲-۱-۳

خط لوله

pipeline

خط پیوسته طولانی از لولهها (۳-۳-۴-۱۷)، شامل تجهیزات فرعی که جهت انتقال مایعات یا گازها استفاده می شود.

۳۱-۲-۱-۳

آب گذر

aqueduct

معبر (۳-۳-۴-۱۴) آبی دارای سازه (۳-۳-۱-۲) تکیه گاهی، برای هدایت آب در عرض زیاد است.

۳۲-۲-۱-۳

زهکش

water supply adit

تونل (۳-۱-۲-۸) عبوری از یک شفت (۳-۱-۲-۱۳) که جهت ایجاد دسترسی یا زهکشی کارهای زیرزمینی است.

۳۳-۲-۱-۳

مجرای آب

culvert

زهکش (۳-۳-۴-۳۸) عرضی یا سازه (۳-۱-۱-۴) عبور آب، به شکل یک لوله (۳-۳-۴-۱۷) بزرگ یا کانال (۳-۳-۴-۱۶) بسته؛ زیر یک جاده (۳-۱-۳-۱)، راه آهن (۳-۳-۱-۳) یا کانال (۳-۱-۳-۶۱) یا در امتداد یک خاکریزی (۳-۲-۱-۳) است.

۳۴-۲-۱-۳

فرازبند

headworks

کارهای وابسته و مرتبط به یک پروژه مهندسی آب (۳-۱-۵-۱۱)، در انتهای بالادست رودخانه است.

۳۵-۲-۱-۳

مجرای بالارو

rising main

خط اصلی آب یا قسمت با هوای کنترل شده یک زهکش (۳-۳-۴-۳۸) یا مجرای فاضلاب (۳-۳-۴-۴۱) که مایع از میان آن به یک تراز (۳-۳-۷-۲-۳۹) بالاتر تلمبه می‌شود.

۳-۱-۲-۳۶

مخزن

reservoir

استخر، دریاچه یا بندر (۳-۱-۳-۶۴) پدیدار شده طبیعی یا مصنوع دست بشر که جهت ذخیره، تنظیم و کنترل آب و دیگر مایعات یا گازها می باشد.

۳-۱-۳ کارهای مهندسی عمران - حمل و نقل^۱

۳-۱-۳-۱

جاده

road

راه اصلی برای وسایط نقلیه است.

۳-۱-۳-۲

خروجی

exit

نقطه‌ای که برای خارج شدن از جاده (۳-۱-۳-۱) طراحی شده است. یادآوری - برای واژه exit معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۱۸ مراجعه شود).

۳-۱-۳-۳

راه آهن

railway

US: railroad

سامانه حمل و نقل ملی یا منطقه‌ای برای هدایت عبور وسایط نقلیه چرخ‌دار روی ریل است.

۴-۳-۱-۳

قطار خیابانی

tramway

US: streetcar

سامانه حمل و نقل محلی برای هدایت عبور وسایط نقلیه چرخ دار روی ریل است.

۵-۳-۱-۳

قطار هوایی

aerial ropeway

US: cableway, lift

سامانه حمل و نقل محلی برای هدایت عبور اتاقک‌ها یا بارگنج‌هایی^۱ که روی کابل‌های (۳-۴-۴-۵۴) مستقر بر روی تکیه‌گاه‌های میانی حمل می‌شوند.

۶-۳-۱-۳

راه آهن زیرزمینی

underground railway

US: subway

راه آهنی (۳-۳-۴) که بیشتر در زیر تراز زمین کف (۱۰-۲-۳۳) به کار گرفته می‌شود.

۷-۳-۱-۳

راه آهن انتقال انبوه

mass transit railway

راه آهن (۳-۳-۴) برای جابجایی سریع مسافر با تراکم بار زیاد در سطوح شهری است.

۸-۳-۱-۳

قطار تک ریل

monorail

راه آهنی (۳-۳-۱-۳) که یک ریل رونده با تکیه‌گاه تیر (۳-۳-۱-۱) دارد.

۹-۳-۱-۳

خط آهن

track

هم‌گذاری (۳-۳-۵-۳) ریل‌ها، بست‌ها (۳-۳-۵-۸۴) و تکیه‌گاه برای عبور وسایط نقلیه است.

۱۰-۳-۱-۳

تراورس

sleeper

US: tie

عضو تامین‌کننده تکیه‌گاه قائم و جانبی ریل‌های راه‌آهن (۳-۳-۱-۳) یا قطار خیابانی (۳-۳-۱-۴) است. یادآوری - در آمریکا برای واژه tie معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۲۲ مراجعه شود).

۱۱-۳-۱-۳

محدوده فرودگاهی

airfield

سطحی شامل ساختمان‌ها (۳-۱-۱-۳)، تاسیسات (۳-۳-۴-۳) و تجهیزات که برای ورود، خروج و حرکت هواپیما تعبیه شده است.

۱۲-۳-۱-۳

فرودگاه

airport

سطحی شامل محدوده فرودگاهی (۳-۳-۱-۱۱) و ملزومات اداره امور بار و مسافران است.

۱۳-۳-۱-۳

صداگیر

noise barrier

سازه‌ای (۳-۱-۱-۴) که امکان تغییر و جذب صدا را فراهم می‌کند.
یادآوری - در آمریکا برای واژه noise barrier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۱۴ مراجعه شود).

۱۴-۳-۱-۳

صداگیر خاکی

noise bund

US: noise barrier, sound barrier

صداگیری (۳-۱-۳-۱۳) که به شکل خاکریز (۳-۲-۱-۳) است.
یادآوری - در آمریکا برای واژه noise barrier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۱۳ مراجعه شود).

۱۵-۳-۱-۳

بستر راه

subgrade

قسمت بالایی خاک (۳-۲-۴-۲) به صورت طبیعی یا ساخته شده که بارهای (۳-۷-۳-۱۹) انتقالی توسط سازه (۳-۱-۳-۲) لایه بالایی یک جاده (۳-۱-۳-۱)، راه یا رویه سخت مشابه را تحمل می‌کند.

۱۶-۳-۱-۳

رویه راه

road formation

US: grade

شکل نهایی رویه بستر راه (۳-۱-۳-۱۵) پس از اتمام عملیات خاکی (۳-۱-۵-۶) است.
یادآوری - در آمریکا برای واژه grade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۷-۲-۶۷ مراجعه شود).

۱۷-۳-۱-۳

کفراه

pavement

جاده (۱-۳-۱-۳)، باند فرودگاه یا بنای (۶-۵-۳-۳) مشابه روی بستر راه (۱۵-۳-۱-۳) است.

۱۸-۳-۱-۳

تونل

tunnel

راه محصور شده زیرزمینی افقی یا شیب‌دار است که مقداری طول (۱۰-۲-۷-۳) دارد.

۱۹-۳-۱-۳

پل

bridge

کارهای مهندسی عمران (۲-۱-۱-۳) برای تهیه راه عبور پیاده‌ها، حیوانات، سواره‌ها و خدمات (۱-۴-۳-۳)؛ روی مانع یا بین دونقطه هم‌ارتفاع (۳۶-۲-۷-۳) روی زمین کف (۱-۲-۴-۳) است. یادآوری - در آمریکا برای واژه bridge معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۰-۳-۵-۳ مراجعه شود).

۲۰-۳-۱-۳

پل قوسی

arch bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که در سازه (۲-۱-۳-۳) اصلی خود یک یا چند قوس (۷-۱-۳-۳) دارد.

۲۱-۳-۱-۳

پل کمانی

bow string bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که در سازه (۲-۱-۳-۳) اصلی خود یک قوس (۷-۱-۳-۳) کششی (۲۲-۱-۳-۳) دارد.

۲۲-۳-۱-۳

پل طره‌ای

cantilever bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که اعضای (۳-۱-۳-۳) سازه‌ای اصلی آن طره (۳-۱-۳-۳) باشند.

۲۳-۳-۱-۳

پل کابلی

cable stayed bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که اعضای سازه‌ای اصلی آن تیرهای عرشه‌ای (۳۵-۱-۳-۳) هستند که توسط یک یا چند کابل شیب‌دار به بالا یا بدنه یک تکیه‌گاه برجی متصل شده‌اند.

۲۴-۳-۱-۳

پل معلق

suspension bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که اعضای (۳-۱-۳-۳) سازه‌ای اصلی آن کابل‌های (۵۴-۴-۴-۳) زنجیره‌ای هستند که عرشه (۳۵-۱-۳-۳) از آنها آویزان شده است.

۲۵-۳-۱-۳

پل شناور

floating bridge

پلی (۱۹-۳-۱-۳) که متکی بر آب باشد.

۲۶-۳-۱-۳

پل متحرک

movable bridge

پل (۱۹-۳-۱-۳) روی یک آبراهه که عرشه (۳۵-۱-۳-۳) آن بتواند جابجا شود.

۲۷-۳-۱-۳

پل باسکولی

bascule bridge

پل متحرکی (۲۶-۳-۱-۳) که عرشه (۳۵-۱-۳-۳) آن روی یک محور افقی مفصل و متعادل شده است.

۲۸-۳-۱-۳

پل عمودبالابر

vertical lift bridge

US: drawbridge

پل متحرکی (۲۶-۳-۱-۳) که عرشه (۳۵-۱-۳-۳) آن بتواند در امتداد قائم بالا رود.

۲۹-۳-۱-۳

پل نوسانی

swing bridge

پل متحرکی (۲۶-۳-۱-۳) که عرشه (۳۵-۱-۳-۳) آن بتواند حول محور قائم دوران کند.

۳۰-۳-۱-۳

پل مورب

skew bridge

پل (۱۹-۳-۱-۳) در جایی که زاویه بین محور طولی با خطوط تکیه‌گاه قائمه نباشد.

۳۱-۳-۱-۳

پل دره

viaduct

پل (۱۹-۳-۱-۳) تشکیل شده از تعداد زیادی دهانه است.

۳-۱-۳-۳۲

پل عابر پیاده

footbridge

پلی (۳-۱-۳-۱۹) که برای استفاده پیاده‌ها است.

۳-۱-۳-۳۳

سکوی راه‌آهن

railway platform

سازه (۳-۱-۳-۴) مرتفع جهت سوار و پیاده کردن مسافر و کالا به/از قطار است.

۳-۱-۳-۳۴

بزرگراه

highway

US: parkway, freeway

راه عمومی، با مسیر مستقیمی که نوع تردد (۳-۸-۵) ویژه‌ای را محصور می‌کند.

یادآوری - در آمریکا برای واژه‌های parkway و freeway معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳۷ مراجعه شود).

۳-۱-۳-۳۵

سواره‌رو

carriageway

US: roadway

قسمتی از جاده (۳-۱-۳-۱) یا بزرگراه (۳-۱-۳-۳۴) شامل مسیر تردد (۳-۱-۳-۴۹) کمکی، مکان‌های عبور و توقفگاه‌ها (۳-۱-۳-۳۶)، که برای تردد (۳-۸-۵) وسایل نقلیه ساخته شده است.

۳-۱-۳-۳۶

توقفگاه

lay-by

US: stopping lane, emergency lane

قسمتی از بزرگراه (۳-۱-۳-۳۴)، اختصاص داده شده برای وسایل نقلیه، که به آنها اجازه می‌دهد از مسیر تردد (۳-۱-۳-۴۹) خارج شده و برای دوره‌های زمانی کوتاه منتظر بمانند.

یادآوری - در آمریکا برای واژه emergency lane معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳۹ مراجعه شود).

۳-۱-۳-۳۷

آزادراه

motorway

US: interstate highway, freeway, parkway

جاده (۳-۱-۳-۱) دسترسی محدود با دو سواره‌رو (۳-۱-۳-۳۵) غیر هم‌سطح (۳-۱-۳-۳۹) دارای مسیرهای تردد (۳-۱-۳-۴۹) متفاوت برای استفاده انحصاری انواع معینی از وسایل نقلیه موتور است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه‌های parkway و freeway معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳۴ مراجعه شود).

۳-۱-۳-۳۸

نرده حفاظ

vehicle restraint system

US: guardrail, barricade

سازه (۳-۱-۳-۲) تدارک دیده شده به صورت یک سامانه بازدارنده وسایط نقلیه منحرف شده، جهت محدود کردن خسارت و جراحت است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه barricade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۴۱ مراجعه شود).

۳۹-۳-۱-۳

مسیر اضطراری

hard shoulder

US: emergency lane, service lane

باریکه رویه‌دار مجاور سواره‌رو (۳-۱-۳-۳۵) برای استفاده وسایل نقلیه در حوادث یا مسدود شدن سواره‌رو است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه emergency lane معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳۶ مراجعه شود).

۴۰-۳-۱-۳

نرده ایمنی جاده

road safety fence

US: road safety rail

نرده حفاظ (۳-۱-۳-۳۸) نصب شده در حاشیه یا میانه (۳-۱-۳-۴۸) جاده، به شکل یک یا چند عضو افقی بر روی ستونک‌ها (۳-۱-۳-۵۲) است.

۴۱-۳-۱-۳

حصار ایمنی جاده

road safety barrier

US: barricade

نرده حفاظ (۳-۱-۳-۳۸) حاشیه سواره‌رو (۳-۱-۳-۳۵) به شکل دیوار (۳-۲-۳-۴۶) کوتاه ممتد، یا بنای (۳-۳-۵-۶) شبیه آن است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه barricade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳۸ مراجعه شود).

۴۲-۳-۱-۳

ضربه‌گیر

crash cushion

US: impact barrier

وسیله جذب انرژی، نصب شده در جلوی شیء صلب، جهت کاهش شدت ضربه وسیله نقلیه است.

۴۳-۳-۱-۳

سرعت‌گاه

arrester bed

US: safety ramp, emergency ramp

سطحی از زمین محدوده (۱-۸-۳) پر شده با مصالح (۲-۱-۴-۳) ویژه، اختصاص داده شده به یک جاده (۱-۳-۱-۳) که برای کاهش سرعت و بازدارندگی وسایل نقلیه منحرف شده طراحی شده و به طور عمومی در سراسری بخشی از یک جاده قرارداد شده است.

۴۴-۳-۱-۳

مسیر دوچرخه‌سوار

cycleway

US: bicycle path

راه یا بخش جدا شده از یک جاده (۱-۳-۱-۳) فقط برای استفاده چرخ‌های پدالی است.

۴۵-۳-۱-۳

لبه پیاده‌رو

kerb

US: curb

حاشیه معمولاً قائم نیش یک سواره‌رو (۳۵-۳-۱-۳)، باریکه، مسیر اضطراری (۳۹-۳-۱-۳) یا راه پیاده (۵۵-۳-۱-۳) است.

۴۶-۳-۱-۳

شانه نرم راه

soft shoulder

باریکه مجاور یک سواره‌رو (۳-۳-۱-۳) که برای تردد (۳-۸-۳) وسایل نقلیه خودرویی اختصاص ندارد.

۴۷-۳-۱-۳

شانه خاکی

verge

US: shoulder

قسمتی از یک بزرگراه (۳-۳-۱-۳)، مجاور سواره‌رو (۳-۳-۱-۳) و تقریباً هم‌سطح (۳-۲-۷-۳) با آن، مختص شیب‌های ترانشه (۳-۲-۱-۳) یا خاکریز (۳-۲-۱-۳) است.

یادآوری ۱- شانه خاکی می‌تواند شامل راه‌های پیاده (۳-۳-۱-۳) و دوچرخه‌سوار (۳-۳-۱-۳) نیز باشد.

یادآوری ۲- برای واژه verg معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۳-۳ مراجعه شود).

۴۸-۳-۱-۳

میانه

central reserve

US: median

GB: central reservation

سطح جدا شده از سواره‌رو (۳-۳-۱-۳) جاده‌ای (۳-۳-۱-۳) که دو سواره‌رو دارد.

۴۹-۳-۱-۳

مسیر تردد

traffic lane

باریکه سواره‌رو (۳-۳-۱-۳) اختصاص داده شده برای یک خط حرکت وسایل نقلیه که به طور متناوب با علائم جاده (۳-۳-۵-۸۱)، معرفی شده است.

۵۰-۳-۱-۳

زیرگذر

underpass

راه زیر جاده (۱-۳-۱-۳) یا زیر سازه (۴-۱-۱-۳) دیگر که به عنوان وسیله انتقال تردد (۵-۸-۳)، طراحی شده است.

۵۱-۳-۱-۳

روگذر

flyover

US: overpass

راه روی جاده (۱-۳-۱-۳) یا روی سازه (۴-۱-۱-۳) دیگر که به عنوان وسیله انتقال تردد (۵-۸-۳)، طراحی شده است.

۵۲-۳-۱-۳

سرعت‌گیر

traffic calming

US: traffic restraint, speed bump

ترغیب رفتار محتاطانه و بازدارنده، توسط برآمدگی‌های جاده (۱-۳-۱-۳) و کاهش‌های عرض (۸-۲-۷-۳) راه مسافرتی است.

۵۳-۳-۱-۳

مسیر انحرافی

contraflow

US: detour

انتقال موقت دو جریان تردد (۵-۸-۳) با راستای مخالف هم، به یک طرف جاده‌ای که دارای دو سواره‌رو (۳۵-۳-۱-۳) است.

۵۴-۳-۱-۳

راه پیاده

footpath

راهی برای استفاده عابران پیاده است.

۵۵-۳-۱-۳

پیاده‌رو

footway

US: sidewalk, walkway

بخشی از یک جاده (۱-۳-۱-۳) که به طور اختصاصی برای عابران پیاده در نظر گرفته شده است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه walkway معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۴ مراجعه شود).

۵۶-۳-۱-۳

استراحتگاه

service area

US: rest area

GB: rest area

زمین محدودی (۱-۸-۳) با دسترسی به/از بزرگراه (۳-۳-۱-۳) که برای تدارک مطلوبیت‌های ویژه و خدمات استفاده شده است.

۵۷-۳-۱-۳

توقفگاه

vehicle park

US: parking lot, parking area

محلی که برای توقف تعدادی وسایط نقلیه، آماده و اختصاص داده شده است.

۵۸-۳-۱-۳

توقفگاه طبقاتی

multi-story car park

US: parking garage

ساختمانی (۳-۱-۱-۳) که وسایط نقلیه موتوری روی طبقات (۲-۱-۲-۳) مختلف آن توقف کرده‌اند.

۵۹-۳-۱-۳

محل توقف

parking bay

US: parking space, parking stall, parking spot

محلی که برای توقف وسایط نقلیه، طراحی و علامت‌گذاری شده است.

۶۰-۳-۱-۳

مرز ساختمان

building line

US: sight line

خط معرف حد یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) کنار یک جاده (۱-۳-۱-۳)، برای تعیین خطوط دید کافی است.

۶۱-۳-۱-۳

کانال

canal

مجرای (۱۶-۴-۳-۳) ساخته شده جهت حمل آب به طور معمول برای کشتیرانی اما طوری که بتواند جهت استفاده از قدرت آب، آبیاری (۲۶-۲-۱-۳)، جمع‌آوری رواناب (۲۴-۸-۳) باران یا زهکشی (۳۵-۴-۳-۳) آب‌های سطحی (۲۳-۸-۳) نیز استفاده شود.

۶۲-۳-۱-۳

رودخانه مصنوعی

canalized river

رودخانه‌ای که در آن تراز (۳-۲-۷-۳) آب به شکل یک کانال (۳-۱-۳-۶۱) توسط دروازه‌های آبی (۳-۱-۳-۶۳) و سرریزهای (۳-۱-۳-۲۷) تعبیه شده در فواصل طولی مسیر آن تغییر داده شود تا آن را برای کشتیرانی مهیا کند.

۶۳-۳-۱-۳

دروازه آبی

lock

محدوده روی یک رودخانه یا کانال (۳-۱-۳-۶۱) یا در ورودی به یک بندرگاه (۳-۱-۳-۶۶) بدون جزر و مد، بانضمام دریچه متحرک آب‌بند که کشتی‌ها از میان آن عبور و از یک تراز (۳-۱-۳-۳۹) آبی به تراز دیگر حرکت کنند.

یادآوری ۱ - برای واژه lock معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۵۲ مراجعه شود).

یادآوری ۲ - در آمریکا برای واژه lock معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۵-۴۹ و ۳-۳-۵-۵۲ مراجعه شود).

۶۴-۳-۱-۳

بندر

basin

US: harbor

محدوده معین یا سطح محافظ شده آب، جهت لنگر انداختن و استقرار کشتی‌ها است.

۶۵-۳-۱-۳

لنگرگاه

berth

US: pier

جایی که یک کشتی، به طور معمول جهت باراندازی یا بارگیری کالا یا مسافران، بتواند لنگر اندازد.

یادآوری - در آمریکا برای واژه pier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۳-۶۸ و ۳-۱-۳-۵۰ مراجعه شود).

۶۶-۳-۱-۳

بندرگاه

dock

US: port

محلی از بندر (۳-۱-۳-۶۴) که برای کشتیرانی است.

۶۷-۳-۱-۳

بندرگاه خشک

dry dock

بندرگاه (۳-۱-۳-۶۶) با دریچه‌هایی که از آن‌ها آب بتواند تخلیه یا پمپ شود و آن را جهت امکان ساخت یا تعمیر یک کشتی، خشک کند.

۶۸-۳-۱-۳

اسکله

pier

سازه‌ای (۳-۱-۱-۴) به طور معمول روباز که در ساحل احداث شده و به عنوان یک تفریح‌گاه یا لنگرگاه (۳-۱-۳-۶۵) استفاده می‌شود.

یادآوری ۱ - برای واژه pier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۵۰ مراجعه شود).

یادآوری ۲ - در آمریکا برای واژه pier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۶۵ مراجعه شود).

۶۹-۳-۱-۳

مندا

dolphin

سازه (۳-۱-۱-۴) منفرد با نقطه محکم که جهت جابجایی با دقت یک کشتی یا تسهیل نگهداشت موقعیت آن در یک لنگرگاه (۳-۱-۳-۶۵) استفاده می‌شود.

۷۰-۳-۱-۳

بن‌بست

cul-de-sac

جاده‌ای (۱-۳-۱-۳) که فقط از یک انتها قابل دسترسی باشد.

۷۱-۳-۱-۳

فلکه

roundabout

US: rotary

بخشی از یک جاده (۱-۳-۱-۳) که به طور معمول در محل یک نقطه انشعاب قرار دارد و مسیر تردد (۵-۸-۳) آن در یک جهت حول یک عنصر مرکزی می‌باشد.

۴-۱-۳ ساختمان‌ها^۱

۱-۴-۱-۳

مسکن

housing

ساختمان‌هایی (۳-۱-۱-۳) که برای سکونت استفاده می‌شوند.

۲-۴-۱-۳

منزل

dwelling

واحد مسکن (۱-۴-۱-۳) است.

۳-۴-۱-۳

کاشانه

flat

US: apartment

منزلی (۲-۴-۱-۳) که به‌واقع در یک طبقه (۲-۱-۲-۳) منفرد از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) بزرگ‌تر است.

۴-۴-۱-۳

کاشانک

maisonette

US: duplex, duplex apartment

منزل (۲-۴-۱-۳) بیشتر از یک طبقه (۲-۱-۲-۳)، از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) بزرگ‌تر است.

۵-۴-۱-۳

خانه

house

ساختمان (۳-۱-۱-۳) طراحی شده به صورت یک منزل (۲-۴-۱-۳) است.

۶-۴-۱-۳

سرا

bungalow

خانه (۵-۴-۱-۳) کوچک یک طبقه (۲-۱-۲-۳) است.

۷-۴-۱-۳

انبار

store

US: warehouse, storage space

ساختمان (۳-۱-۱-۳)، یا فضایی (۳-۱-۲-۱) از یک ساختمان که جهت انباشتن یا توزیع مواد و کالا اختصاص داده شده است.

۸-۴-۱-۳

ساختمان اداری

office building

ساختمانی (۳-۱-۱-۳) که در اصل جهت کارهای دفتری و نظارتی استفاده می‌شود.

۹-۴-۱-۳

فروشگاه

shop

US: store, retail shop

ساختمان (۳-۱-۱-۳)، یا فضایی (۳-۱-۲-۱) از یک ساختمان است برای فروش کالا یا ارائه خدماتی که شامل تبادل کالاها می‌باشد.

۱۰-۴-۱-۳

کارخانه

factory

ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا گروه ساختمان‌هایی که در اصل برای تولید کالاها استفاده می‌شود.

۱۱-۴-۱-۳

کارگاه

workshop

GB, US: shop

ساختمان (۳-۱-۱-۳)، یا فضایی (۳-۱-۲-۱) از یک ساختمان که به صورت یک فضای کار جهت فعالیت‌های دستی یا مکانیکی به کار می‌رود.

۱۲-۴-۱-۳

کلبه

joinery shop

US: cabinet shop, millwork shop

ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا فضایی (۳-۱-۲-۱) که با درودگری ساخته شده است.

۱۳-۴-۱-۳

پایانه هوایی

air terminal

ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا گروه ساختمان‌هایی که مسافرین یا کالاها یا هر دو، در آن جابجا شوند یا به‌از هواپیما انتقال داده شوند.

۱۴-۴-۱-۳

ساختمان اسکلت‌دار

framed building

US: curtain wall building

ساختمانی (۳-۱-۱-۳) که برای استحکام و پایداری، به صورت تمام یا به‌واقع روی یک قاب (۳-۱-۳-۷۰) با دیوارهای (۳-۳-۲-۴۶) باربر تکیه می‌کند.

۱۵-۴-۱-۳

ساختمان اسکلت فولادی

steel-framed building

ساختمان (۱۴-۴-۱-۳) اسکلت‌داری که مصالح (۲-۱-۴-۳) سازه‌ای اصلی آن، فولاد است.

۱۶-۴-۱-۳

ساختمان اسکلت چوبی

timber-framed building

US: post and beam construction

ساختمان (۱۴-۴-۱-۳) اسکلت‌داری که مصالح (۲-۱-۴-۳) سازه‌ای اصلی آن، چوب (۲-۳-۴-۳) است. یادآوری - در آمریکا زمانی که عرض (۸-۲-۷-۳) یا ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) چوب (۲-۳-۴-۳) مورد استفاده به عنوان مصالح (۲-۱-۴-۳) سازه‌ای اصلی کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر باشد، اصطلاح «بنای قاب‌دار چوبی» به کار می‌رود.

۱۷-۴-۱-۳

ساختمان اسکلتی سکودار

platform-frame building

US: platforme frame construction

ساختمان اسکلت‌چوبی (۱۶-۴-۱-۳) که برای استحکام و پایداری، به طور تمام یا به‌واقع بر دیوارهای (۴۶-۲-۳-۳) باربری که دارای پایه‌های (۵۱-۱-۳-۳) روی صفحات بستر (۴۵-۳-۳-۳) متکی بر کف (۱۰-۲-۳-۳) هستند، تکیه می‌کند.

۱۸-۴-۱-۳

ساختمان اسکلت بالونی

balloon-frame building

US: balloon frame construction

ساختمان اسکلت‌چوبی (۱۶-۴-۱-۳) که برای استحکام و پایداری، به طور تمام یا به‌واقع بر دیوارهای (۴۶-۲-۳-۳) باربر تکیه می‌کند و دارای پایه‌هایی (۵۱-۱-۳-۳) در دیوارهای بیرونی است که درون یک قطعه، از صفحه بستر (۴۵-۳-۳-۳) تا صفحه دیوار (۵۶-۱-۳-۳) پایین سقف (۲۱-۲-۳-۳)؛ امتداد یافته‌اند.

۲-۳ اصطلاحات مربوط به فضاها^۱

۱-۲-۳ اصطلاحات پایه

۱-۱-۲-۳

فضا

space

سطح یا حجم محدود شده، در واقعیت یا به طور فرضی می‌باشد.

۲-۱-۲-۳

طبقه

storey

US: story

فضای (۱-۱-۲-۳) بین دو طبقه (۱۰-۲-۳-۳) متوالی یا بین یک طبقه و یک سقف (۲۱-۲-۳-۳) است. یادآوری - در آمریکا این اصطلاح به اتاق زیر شیروانی (۲-۲-۲-۳)، یا به فضا (۱-۱-۲-۳) یا قسمتی از فضایی که پایین تر از زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) است؛ اطلاق نمی‌شود.

۳-۱-۲-۳

اتاق

room

فضای (۱-۱-۲-۳) بسته یک طبقه (۲-۱-۲-۳)، به غیر از فضای مسیر گردش (۱-۴-۲-۳) است.

۴-۱-۲-۳

محدوده

bay

تقسیم فرعی سازه‌ای یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا سازه (۴-۱-۱-۳) دیگر است.

۵-۱-۲-۳

الحاق

extention

US: addition

اضافه کردن به یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) موجود است.

۶-۱-۲-۳

فضای محفوظ

protected space

فضایی (۱-۱-۲-۳) که از ورود افراد یا اشیاء ناخواسته به آن ممانعت می‌شود.

۲-۲-۳ فضاهای وابسته به قسمت‌های ویژه ساختمان^۱

۱-۲-۲-۳

اتاقک زیر شیروانی

loft

US: attic

فضای (۱-۱-۲-۳) زیر یک سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) با دسترسی محدود که برای سکونت نمی‌باشد و به طور غالب به عنوان انبار استفاده می‌شود.

۲-۲-۲-۳

اتاق زیر شیروانی

attic

US: loft

اتاقی (۳-۱-۲-۳) که به‌واقع شامل فضای (۱-۱-۲-۳) زیر یک سقف شیروانی (۲۴-۲-۳-۳) است. یادآوری - در آمریکا یک اتاق (اتاقک) زیر شیروانی همچنین می‌تواند یک فضای (۱-۱-۲-۳) با سقف‌پوش (۱۸-۲-۳-۳) بلند باشد که بتوان چند طبقه (۲-۱-۲-۳) برای سکونت را در آن جا داد.

1- Spaces associated with particular parts of the building

۳-۲-۲-۳

طبقه زیرزمین

basement storey

طبقه‌ای (۲-۱-۲-۳) که مستقیماً زیر همکف (۵-۲-۲-۳) باشد.

۴-۲-۲-۳

زیر زیرزمین

sub-basement

هر طبقه‌ای (۲-۱-۲-۳) زیر طبقه زیرزمین (۳-۲-۲-۳) یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

۵-۲-۲-۳

همکف، طبقه اول

ground floor

US: first floor, first storey

طبقه‌ای (۲-۱-۲-۳) که دسترسی اصلی در تراز زمین کف (۳-۲-۷-۳) یا نزدیک به آن را مهیا می‌کند.

۶-۲-۲-۳

کف اول، طبقه دوم

firs floor

US: second floor, second storey

طبقه (۲-۱-۲-۳) روی همکف (۵-۲-۲-۳) است.

۷-۲-۲-۳

کف دوم، طبقه سوم

second floor

US: third floor

طبقه (۲-۱-۲-۳) روی کف اول (۶-۲-۲-۳) است.

۸-۲-۲-۳

نیم طبقه

mezzanine

طبقه (۲-۱-۲-۳) میانی و نیمه کامل که معمولاً بین همکف (۵-۲-۲-۳) و کف اول (۶-۲-۲-۳) و معمولاً به صورت کامل یا جزئی از یک یا چند طرف باز است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه mezzanine معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۵-۲-۲-۳ مراجعه شود).

۹-۲-۲-۳

ایوانک

balcony

صحن با دسترسی فوقانی، بدون محصور شدن کامل با دیوارها (۴۶-۲-۳-۳)؛ در یک طبقه (۲-۱-۲-۳) است.

۱۰-۲-۲-۳

ایوانک بیرونی

external balcony

صحن قابل دسترسی که از وجه خارجی یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) ایجاد می‌شود.

۱۱-۲-۲-۳

ایوانک درونی

internal balcony

US: recessed balcony

صحن قابل دسترسی پس‌نشسته از وجه خارجی یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

۱۲-۲-۲-۳

ایوان

porch

US: veranda

فضای (۱-۱-۲-۳) جلوی یک در خارجی (۳-۳-۳-۳) پس‌نشسته داخل یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا پوشیده شده با یک پیش‌آمدگی از آن است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه porch معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۴-۳-۱۰ مراجعه شود).

یادآوری - در آمریکا برای واژه veranda معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۴-۳-۱۰ مراجعه شود).

۱۳-۲-۲-۳

زیرزمین

basement

قسمت قابل استفاده یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) که به طور کامل یا بخشی از آن زیر تراز کف زمین (۳-۷-۲-۶۷) واقع شده است.

یادآوری - در آمریکا زیرزمین واژه‌ای است برای یک فضا (۱-۱-۲-۳) که کمتر از نصف ارتفاع (۳-۷-۲-۳۶) نمایان آن زیر تراز زمین کف (۳-۷-۲-۶۷) باشد، در حالی که سرداب (۳-۲-۲-۱۸) واژه‌ای است برای یک فضا که بیشتر از نصف ارتفاع نمایان آن زیر تراز زمین کف است.

۱۴-۲-۲-۳

گذرگاه طاق‌دار

arcade

US: mall

معبر (۳-۲-۴-۴) سرپوشیده، معمولاً با فروشگاه‌هایی (۳-۱-۴-۹) در یک یا دو طرف است.

۱۵-۲-۲-۳

دالان

gallery

US: mezzanine

فضای (۱-۱-۲-۳) بالادستی محدود شده با یک نرده (۶۹-۲-۳-۳) (۷۰-۲-۳-۳) که به سمت یک فضای بزرگ‌تر باز می‌شود.

یادآوری ۱- در آمریکا gallery واژه‌ای است که اغلب برای تشریح یک فروشگاه (۹-۴-۱-۳) کوچک مثل یک نمایشگاه هنری استفاده می‌شود.

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه mezzanine معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۸-۲-۲-۳ مراجعه شود).

۱۶-۲-۲-۳

حیاط جلو

forecourt

US: front yard, front garden

فضای (۱-۱-۲-۳) بیرونی در جلوی یک ساختمان که معمولاً در سه طرف با ساختمان‌ها (۳-۱-۱-۳)، دیوارها (۴۶-۲-۳-۳) یا حصارها (۸۶-۵-۳-۳) محدود می‌شود.

۱۷-۲-۲-۳

حیاط

Courtyard

فضای (۱-۱-۲-۳) بیرونی که در سه طرف با ساختمان‌ها (۳-۱-۱-۳)، دیوارها (۴۶-۲-۳-۳) یا پرچین‌ها (۸۶-۵-۳-۳) محدود می‌شود.

۱۸-۲-۲-۳

سرداب

Cellar

زیرزمینی (۱۳-۲-۲-۳) که برای انبار، تاسیسات (۱۱-۴-۳-۳) گرمایش و سایر موارد مرتبط با هدف سکونت استفاده می‌شود.

یادآوری - در آمریکا cellar واژه‌ای است برای یک فضا (۱-۲-۳) که بیشتر از نصف ارتفاع (۳-۷-۲-۳۶) نمایان آن زیر تراز زمین کف (۳-۷-۲-۶۷) باشد، در حالی که basement (۳-۲-۲-۱۳) واژه‌ای است برای یک فضا که کمتر از نصف ارتفاع نمایان آن زیر تراز زمین کف است.

۱۹-۲-۲-۳

بارانداز

Loading bay

پس‌نشستگی شامل یک سکو برای بارگیری و تخلیه بار وسایل نقلیه است.

۲۰-۲-۲-۳

یال

Wing

قسمتی از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) که وابسته به قسمت اصلی است.

۳-۲-۳ فضاهای اصلی^۱

۱-۳-۲-۳

فضای فعالیت

Activity space

فضای (۱-۱-۲-۳) تعریف شده بر اساس گستره سه بعدی انجام یک فعالیت است.
یادآوری - گستره سه بعدی یک فعالیت؛ برای مثال یک میز یا یک تختخواب، و فضای فعالیت در اطراف آنها است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱-۹ استاندارد ISO 12006-2:2015]

۲-۳-۲-۳

فضای کار

working space

US: staging area, staging space

فضای (۱-۱-۲-۳) تکمیلی شکل داده شده در امتداد کنار یک ترانشه (۱۲-۲-۱-۳) یا خاکبرداری (۲-۲-۱-۳) دیگر برای تسهیل انجام کار زیر تراز زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) یا دیگر فضای مورد نیاز در محوطه (۶-۱-۱-۳) جهت امکان اجرای عملیات ساخت (۱-۱-۵-۳) است.

۳-۳-۲-۳

فضای بهداشتی

toilet

US: restroom, powder room

اتاقی (۳-۱-۲-۳) که در آن یک یا چند دستگاه توالت (۹-۴-۳-۳) و/یا آبریزگاه و روشویی نصب شده است. یادآوری - در آمریکا برای واژه toilet معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۴-۳-۲-۳ و ۹-۴-۳-۳ مراجعه شود).

۴-۳-۲-۳

توالت

WC

US: toilet

اتاقی که در آن یک دستگاه توالت (۹-۴-۳-۳) منفرد نصب شده است. یادآوری - در آمریکا برای واژه toilet معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۲-۳ و ۹-۴-۳-۳ مراجعه شود).

۵-۳-۲-۳

دستشویی

washroom

اتاقی (۳-۱-۲-۳) که در آن یک یا چند روشویی نصب شده است.

۶-۳-۲-۳

دفتر کار

office

فضایی (۶-۳-۲-۳) در یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) که اساساً برای کار دفتری یا اداری استفاده می‌شود.

۷-۳-۲-۳

نشیمن

hall

US: auditorium

اتاق (۳-۱-۲-۳) محفل بزرگ است.

یادآوری ۱- برای واژه hall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۵-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه hall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۲-۳ و ۵-۴-۲-۳ مراجعه شود).

۸-۳-۲-۳

بهار خواب

terrace

US: patio

سطح افقی بیرونی، معمولاً برای افراد که اغلب با یک نرده (۶۹-۲-۳-۳) (۷۰-۲-۳-۳) مجهز شده است.

۹-۳-۲-۳

ایوان

verandah

US: veranda, porch

بهار خواب (۸-۳-۲-۳) مسقف در امتداد کنار یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

یادآوری ۱- در آمریکا برای واژه porch معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۲-۲-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه veranda معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۲-۲-۲-۳ مراجعه شود).

۱۰-۳-۲-۳

چاله بازدید

inspection pit

US: test pit

گودالی برای بازرسی زیرسازه‌ها (۴-۱-۳-۳) و تاسیسات (۱-۴-۳-۳) است.

۱۱-۳-۲-۳

چاهک نورگیر

light well

US: light shaft, air shaft

فضای (۱-۱-۲-۳) غیرمسقف دورتادور محدود شده، جهت کسب نور روز برای بیش از یک طبقه (۲-۱-۲-۳) یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) که می‌تواند هوا را تهویه کند.

۱۲-۳-۲-۳

چاهک پنجره

basement area

US: window well

فضای (۱-۱-۲-۳) غیرمسقف زیر تراز زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) و بیرون یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) برای گرفتن نور و هوا جهت اتاق‌های (۳-۱-۲-۳) یک زیرزمین (۱۳-۲-۲-۳) است.

۱۳-۳-۲-۳

دسترسی زیرزمین

basement access

US: areaway

فضای (۱-۱-۲-۳) غیرمسقف زیر تراز زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) جهت ایجاد دسترسی به یک یا چند اتاق (۳-۱-۲-۳) یک زیرزمین (۱۳-۲-۲-۳) است.

۴-۲-۳ فضاهای وابسته به مسیر گردش و حرکت^۱

۱-۴-۲-۳

فضای گردش

circulation space

فضایی (۱-۱-۲-۳) برای حرکت افراد، کالاها یا وسایل نقلیه است.

۲-۴-۲-۳

دسترسی

means of access

US: access, egress

راه عمومی یا خصوصی رسیدن یا ورود پیاده‌ها یا وسایل نقلیه است.

۳-۴-۲-۳

راهرو

corridor

US: hall, passage

فضای گردشی (۱-۴-۲-۳) باریک‌الحاقی که به اتاق‌ها (۳-۱-۲-۳) یا فضاهای (۱-۱-۲-۳) دیگر دسترسی می‌دهد.

یادآوری ۱- در آمریکا برای واژه corridor معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۵-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه hall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۷-۳-۲-۳ و ۵-۴-۲-۳ مراجعه شود).

۴-۴-۲-۳

گذرگاه

passage

US: walkway

فضای گردشی (۱-۴-۲-۳) باریک دو طرف محصور پیاده‌ها است.

یادآوری ۱- یک گذرگاه ممکن است پوشش‌دار یا بدون پوشش باشد.

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه passage معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۲-۳ و ۵-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۳- در آمریکا برای واژه walkway معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۳-۵۵ و ۸-۴-۲-۳ مراجعه شود).

۵-۴-۲-۳

دهلیز

hall

US: entrance hall, hallway, corridor, passage

فضای گردشی (۱-۴-۲-۳) مرکزی که دسترسی به یک یا چند اتاق (۳-۱-۲-۳) را مهیا می‌کند.

یادآوری ۱- برای واژه hall معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۲-۳-۷ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه hall معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۲-۳-۷ و ۳-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۳- در آمریکا برای واژه corridor معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۴- در آمریکا برای واژه passage معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۲-۳ و ۴-۴-۲-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۵- در آمریکا برای واژه entrance hall معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۲-۳-۶ مراجعه شود).

۶-۴-۲-۳

فضای ورودی

entrance hall

US: foyer, vestibule, lobby

فضای گردشی (۱-۴-۲-۳) بزرگ ورودی یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

یادآوری ۱- در آمریکا برای واژه lobby معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۲-۳-۱۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه entrance hall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۵ مراجعه شود).

۷-۴-۲-۳

ایوانک دسترسی

access balcony

US: external corridor

ایوانکی (۳-۲-۲-۹) که به تعدادی از واحدهای محل اقامت دسترسی می‌دهد.

یادآوری - واحدهای محل اقامت می‌توانند شامل منازل یا دفاتر کار باشند.

۸-۴-۲-۳

آدم‌رو

walkway

US: catwalk

بنایی (۳-۳-۵-۶) که دسترسی جانبی ارتفاعی را برای پیاده‌ها فراهم می‌کند.

یادآوری - در آمریکا برای واژه catwalk معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۱۰ مراجعه شود).

۹-۴-۲-۳

سینه‌رو

crawlway

US: crawlspace

فضایی (۳-۲-۱-۱) با ارتفاع کافی که دسترسی به یک تاسیسات (۳-۳-۴-۱) را با حرکت سینه‌خیز فراهم می‌کند.

۱۰-۴-۲-۳

راه‌پله

gangway

US: catwalk

فضای گردشی (۳-۲-۴-۱) باریک برای دسترسی به اثاثیه (۳-۳-۵-۳)، ماشین‌آلات و تجهیزات دیگر است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه catwalk معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۸ مراجعه شود).

۱۱-۴-۲-۳

مجرای خدمت‌رسان

service duct

US: service space

مجرای تاسیساتی (۳-۳-۴-۱۲) که فضای فعالیت (۳-۲-۳-۱) برای بازرسی و نگهداری (۳-۵-۱-۳۶) را فراهم می‌کند.

۱۲-۴-۲-۳

هوابند

air lock

فضای (۳-۲-۱-۱) الحاقی با دو در (۳-۳-۳-۳)، که بین دو محیط (۳-۸-۳) با شرایط هوایی متفاوت، قرار داده شده است و امکان عبور از یک محیط به محیط دیگر، بدون تداخل عمده با یکدیگر را ایجاد می‌کند.

۱۳-۴-۲-۳

سرسرا

lobby

US: entry foyer

فضای (۳-۲-۱-۱) تجمع الحاقی، معمولاً نزدیک یک ورودی که به اتاق‌ها (۳-۱-۲-۳) یا دیگر فضاها دسترسی می‌دهد.

یادآوری - در آمریکا برای واژه lobby معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۴-۶ مراجعه شود).

۱۴-۴-۲-۳

چاهک آسانسور

lift well

US: elevator shaft

فضایی (۱-۱-۲-۳) که در آن، اتاقک آسانسور (۳-۳-۴-۳۰) و وزنه تعادل یا وزنه تعادل حرکت، توسط کف گودال و دیوارهای (۳-۳-۲-۴۶) تقریباً قائم و سقف (۳-۳-۲-۱۸) محصور شده‌اند.

۱۵-۴-۲-۳

چاه پله

Stairwell

فضای (۱-۱-۲-۳) دورتادور یک پلکان (۳-۳-۵-۲۲) است.

۱۶-۴-۲-۳

محفظه پله

Stair enclosure

فضای (۱-۱-۲-۳) در نظر گرفته شده برای جادادن یک پلکان (۳-۳-۵-۲۲) و سطوح دیوارهای (۳-۳-۲-۴۶) محدود کننده حجم مذکور است.

۱۷-۴-۲-۳

خروجی

exit

نقطه‌ای که برای خارج شدن از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) طراحی شده است. یادآوری - برای واژه exit معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۲-۳ مراجعه شود).

۳-۳ اصطلاحات مربوط به اجزای ساختمان و کارهای مهندسی عمران^۱

۱-۳-۳ اجزای سازه‌ای^۲

۱-۱-۳-۳

بی

Foundation

بنایی (۳-۳-۵-۶) برای انتقال نیروها (۳-۳-۷-۲۲) به زمین (۳-۳-۴-۱) تکیه‌گاه است. یادآوری - در آمریکا برای واژه foundation معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴-۱ مراجعه شود).

۲-۱-۳-۳

سازه

Structure

ترکیب سازمان‌یافته از اجزای متصل به هم که برای ایجاد درجه‌ای (۳-۳-۷-۱) از صلبیت طراحی می‌شود. یادآوری - برای واژه structure معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۴ مراجعه شود).

۳-۱-۳-۳

عضو سازه‌ای

Structural member

قسمتی از یک سازه (۳-۳-۱-۲) برای مقاومت در برابر نیروهای (۳-۳-۷-۲۲) وارده است.

۴-۱-۳-۳

زیرسازه

Substructure

US: foundation

قسمتی از یک سازه (۳-۳-۱-۲) که کاملاً یا اساساً زیر تراز (۳-۳-۷-۲-۳۹) مجاور زمین (۳-۳-۴-۱) یا یک تراز داده شده است.

1- Terms relating to parts of buildings and civil engineering works

2- Structural parts

یادآوری - در آمریکا برای واژه foundation معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۱ مراجعه شود).

۵-۱-۳-۳

روسازه

Superstructure

قسمتی از یک سازه (۳-۳-۱-۲) که بالای زیرسازه (۳-۳-۱-۴) است.

۶-۱-۳-۳

اسکلت

carcass

US: building shell

GB: carcass

ساختمانی (۳-۱-۱-۳) که از نظر سازه‌ای کامل است اما از دیگر جهات ناتمام است.

۷-۱-۳-۳

طاق

arch

عضو سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) منحنی یا بنای (۳-۳-۵-۶) پوشاننده یک فضای باز یا پس‌نشسته که برای تحمل بارها (۳-۳-۷-۱۹) بین نقاط تکیه‌گاهی طراحی می‌شود.

۸-۱-۳-۳

پاطاق

springing

سطح انتهایی یک طاق (۳-۳-۱-۷) است که طاق از آن شروع می‌شود.

۹-۱-۳-۳

نعل درگاه

relieving arch

طاق (۷-۱-۳-۳) ساخته شده داخل یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) که آن قسمت از دیوار زیر طاق را از تحمل بارهای (۱۹-۳-۷-۳) فوقانی آزاد می‌کند.

۱۰-۱-۳-۳

ستون

column

GB: pillar

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) بلند و باریک و معمولاً قائم که بارهای (۲۲-۳-۷-۳) اصولاً فشاری (۳۲-۳-۷-۳) وارده را به پایه خود انتقال می‌دهد.

۱۱-۱-۳-۳

تیر

beam

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) افقی یا نزدیک به افقی، برای تحمل بارهای (۱۹-۳-۷-۳) بین یا خارج نقاط تکیه‌گاهی که معمولاً در امتداد طولی (۱۰-۲-۷-۳) خود باریک است.

۱۲-۱-۳-۳

شاه‌تیر

girder

تیر اصلی (۳۷-۱-۳-۳) بزرگ ساخته شده شامل بال‌های فوقانی و تحتانی همراه با یک جان (۱۹-۵-۳-۳) یا جان‌های پیوسته یا باز است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه girder معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱-۵-۳۷ مراجعه شود).

۱۳-۱-۳-۳

شاه تیر جعبه‌ای

box girder

شاه تیری (۱۲-۱-۳-۳) که سطح مقطع آن نزدیک به شکل تک قوطی یا چندقوطی است.

۱۴-۱-۳-۳

تیرورق

plate girder

شاه تیری (۱۲-۱-۳-۳) که جان (۱۹-۵-۳-۳) و بال‌های (۱۸-۵-۳-۳) آن از مقاطع (۱۰-۱-۴-۳) مجزا یا ورق (۱۷-۵-۳-۳) ساخته می‌شود.

۱۵-۱-۳-۳

تیرچه

joist

یک تیر از یک سری تیرهای (۱۱-۱-۳-۳) موازی معمولاً افقی است.

یادآوری - در آمریکا این واژه عمدتاً برای یک تیر چوبی (۲-۳-۴-۳) با عرض (۸-۲-۷-۳) معمولی، که بیشتر از ۵۰ میلی‌متر نیست؛ و ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) و طولی (۱۰-۲-۷-۳) که تابع دهانه (۳۷-۲-۷-۳) است به کار می‌رود.

۱۶-۱-۳-۳

تیرچه‌گیر

joist hanger

تکیه‌گاه فلزی برای انتهای یک تیرچه (۱۵-۱-۳-۳) چوبی (۲-۳-۴-۳) است.

۱۷-۱-۳-۳

طره

cantilever

بخشی از تیر (۱۱-۱-۳-۳) یا دال (۱۲-۵-۳-۳) سازه‌ای که خارج از آخرین تکیه‌گاه خود پیش آمده است.

۱۸-۱-۳-۳

خرپا

truss

قاب (۳-۳-۱-۷۰) مهار شده مثلثی که برای عملکرد تیری (۳-۳-۱-۱۱) طراحی می‌شود.

۱۹-۱-۳-۳

شاه تیر مشبک

lattice girder

خرپا (۳-۳-۱-۱۸) با اعضای وتری سازه‌ای فوقانی و تحتانی موازی یا تقریباً موازی که دارای اتصالات قطری سازه‌ای اعضای جان (۳-۳-۵-۱۹) است.

۲۰-۱-۳-۳

خرپای ویراندیل

vierendeel truss

خرپایی (۳-۳-۱-۱۸) که اعضای (۳-۳-۱-۳) سازه‌ای قائم آن با اتصال صلب به وترهای فوقانی و تحتانی آن متصل می‌شود.

۲۱-۱-۳-۳

پایه

strut

عضو سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) برای تحمل نیروهای (۳-۳-۷-۲۲) محوری فشاری (۳-۳-۷-۳۲) است.

۲۲-۱-۳-۳

میله‌مهار

tie

US: tie rod

عضو سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) برای تحمل نیروهای (۳-۳-۷-۲۲) محوری کششی است.
یادآوری - در آمریکا برای واژه tie معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۱۰ مراجعه شود).

۲۳-۱-۳-۳

مفتول پیش تنیده

prestressing tendon

مفتول (۷-۱-۴-۳) یا گروه مفتول‌های فولادی با یک تنش (۲۵-۳-۷-۳) کششی داخلی اولیه برای ایجاد یک تنش فشاری در بنایی (۱۳-۵-۳-۳) یا بتن پیش‌تنیده (۲۲-۴-۴-۳) است.

۲۴-۱-۳-۳

پیش‌تنیدگی

pre-tensioning

روش پیش‌تنیدن بتن (۱۵-۴-۴-۳) است که در آن قالبی دور مفتول‌های پیش‌تنیده (۲۳-۱-۳-۳) که در کشش بین کشنده‌ها نگه داشته شده‌اند وجود دارد تا زمانی که در بتن مقاومت پیوستگی مورد نیاز ایجاد شود.

۲۵-۱-۳-۳

بادبند

wind brace

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) که برای مهار نیروهای باد (۶۶-۱-۳-۳) استفاده می‌شود.

۲۶-۱-۳-۳

قاب فولادی

structural steelwork

سامانه اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) فولادی است که به عنوان یک قاب (۷۰-۱-۳-۳) ساخته می‌شود.

۲۷-۱-۳-۳

سازه متکی بر هوا

air-supported structure

سازه (۲-۱-۳-۳) شکل داده شده با یک غشاء نازک انعطاف‌پذیر مهار شده به یک پی (۱-۱-۳-۳) که تکیه‌گاه آن فشار هوا است.

۲۸-۱-۳-۳

سازه پوسته‌ای

stressed skin structure

سازه (۲-۱-۳-۳) شکل داده شده با قطعات باربر نازکی که برای انتقال نیروها (۲۲-۳-۷-۳) در امتداد سطح خود جهت شرکت در مقاومت کل طراحی می‌شوند.

۲۹-۱-۳-۳

سازه ورق تا شده

folded plate structure

سازه (۲-۱-۳-۳) خودمتکی که معمولا عبارت از یک سقف (۲۱-۲-۳-۳) متشکل از دال (۱۲-۵-۳-۳) سازه‌ای تادار است.

۳۰-۱-۳-۳

سازه فضاکار

space structure

US: space frame

سازه (۲-۱-۳-۳) سه بعدی مقاوم در برابر نیروها (۲۲-۳-۷-۳) که در هر نقطه‌ای می‌تواند به کار برده شود و در هر زاویه‌ای در ظاهر سازه شیب داده شود و در همه جهات عمل کند.
یادآوری - در آمریکا برای واژه space frame معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۷۳ مراجعه شود).

۳۱-۱-۳-۳

دال مسطح

flat slab

دال بتنی (۳۲-۱-۳-۳) بدون برآمدگی و فرورفتگی است.

۳-۳-۱-۲۲

دال بتنی

concrete slab

دال (۳-۳-۵-۱۲) ساخته شده از بتن (۳-۴-۴-۱۵) است.

۳-۳-۱-۳۳

دال کف

floor slab

دال (۳-۳-۵-۱۲) با سطح وسیعی که نقش یک کف (۳-۳-۲-۱۰) سازه‌ای را ایفا می‌کند.

۳-۳-۱-۳۴

کف یکپارچه

solid floor

کف (۳-۳-۲-۱۰) شامل یک دال کف (۳-۳-۱-۳۳) بدون فضاهای خالی یا پرکننده‌ها است.

۳-۳-۱-۳۵

عرشه

deck

رویه افقی یک پل (۳-۳-۱-۱۹) است.

یادآوری - برای واژه deck معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۲-۱۷ مراجعه شود).

۳-۳-۱-۳۶

تیر پیوسته

continuous beam

تیری (۳-۳-۱-۱۱) با دهانه‌های متکی بر سه تکیه‌گاه یا بیشتر است.

۳۷-۱-۳-۳

تیر اصلی

main beam

US: girder

تیری (۱۱-۱-۳-۳) که تکیه‌گاه تیرهای دیگر است و تکیه‌گاه خودش، یک تیر نباشد. یادآوری - در آمریکا برای واژه girder معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۲-۱-۳-۳ مراجعه شود).

۳۸-۱-۳-۳

تیر فرعی

secondary beam

تیری (۱۱-۱-۳-۳) که در یک یا دو انتها، بار (۱۹-۳-۷-۳) خود را به یک تیر اصلی (۳۷-۱-۳-۳) منتقل کند.

۳۹-۱-۳-۳

تیر تقویت‌شده

trussed beam

تیر (۱۱-۱-۳-۳) سخت شده با مهارهای (۳۴-۱-۳-۳) مثلثی شکل است.

۴۰-۱-۳-۳

تیر فوقانی

upstand beam

تیر (۱۱-۱-۳-۳) یکپارچه و بالای یک دال (۱۲-۵-۳-۳) است.

۴۱-۱-۳-۳

تیر تحتانی

downstand beam

تیر (۱۱-۱-۳-۳) ایجاد شده در ناحیه زیرین یک دال (۱۲-۵-۳-۳) داخل یک فضا (۱-۱-۲-۳) است.

۴۲-۱-۳-۳

تیر کلاف

spreader beam

تیری (۱۱-۱-۳-۳) که برای توزیع بارهای (۱۹-۳-۷-۳) متمرکز طراحی می‌شود.

۴۳-۱-۳-۳

تیر شیب‌دار

rafter

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) مورب که معمولاً در یک سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) به صورت سری‌هایی برای تکیه‌گاه سقف (۲۲-۲-۳-۳) چیده می‌شود.

۴۴-۱-۳-۳

کش

purlin

تیر (۱۱-۱-۳-۳) موازی با کناره‌ها (۳۸-۲-۳-۳) به عنوان تکیه‌گاه میانی تیرهای شیب‌دار (۴۳-۱-۳-۳) یا پوشش بام است.

۴۵-۱-۳-۳

خرپای سقفی

roof truss

قاب (۷۱-۱-۳-۳) صفحه‌ای مثلثی که معمولاً به صورت سری‌هایی برای تکیه‌گاه یک سقف (۲۱-۲-۳-۳) استفاده می‌شود.

۴۶-۱-۳-۳

خرپای شیب‌دار

trussed rafter

خرپای سقفی (۴۵-۱-۳-۳) با تیرهای شیب‌دار (۴۳-۱-۳-۳) که معمولاً شامل اعضای با ضخامت یکسان و در یک صفحه است و توزیع بارها (۱۹-۳-۷-۳) را تسهیل می‌کند.

۴۷-۱-۳-۳

پایه مهار

stanchion

ستون فلزی (۱۰-۱-۳-۳) که به صورت یک تیرک (۵۲-۱-۳-۳) در یک سامانه نرده محافظ عمل می‌کند.

۴۸-۱-۳-۳

ستونک

short column

ستون (۱۰-۱-۳-۳) خیلی کوتاه که می‌توان در طراحی آن از اثر کمانش صرف‌نظر کرد.

۴۹-۱-۳-۳

ستون لاغر

slender column

ستون (۱۰-۱-۳-۳) آن‌چنان طویلی که اثر کمانش در طراحی آن قابل ملاحظه است.

۵۰-۱-۳-۳

پایه

pier

US: pillar

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) قائم حجیم که نیروهای (۲۲-۷۳-۳) فشاری وارده را به پایه خود انتقال می‌دهد.

یادآوری ۱- برای واژه pier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۶۸-۳-۱-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه pier معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۶۵-۳-۱-۳ و ۶۸-۳-۱-۳ مراجعه شود).

۵۱-۱-۳-۳

وادار

stud

یک عضو از یک سری اعضای قائم در یک دیوار جداگر (۴۷-۲-۳-۳) یا اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) عمودی

در یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) باربر است.

۵۲-۱-۳-۳

میله

post

عضو سبک قائم برای تکیه‌گاه است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه post معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۲-۷۱ مراجعه شود).

۵۳-۱-۳-۳

پایه ملازم

attached pier

US: pilaster

پایه‌ای (۳-۳-۱-۵۰) به صورت قسمت جدایی‌ناپذیر یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) به شکل مقاطع ضخیم که در فواصل امتداد دیوار قرار می‌گیرد.

یادآوری - در آمریکا برای واژه pilaster معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۵۵ مراجعه شود).

۵۴-۱-۳-۳

پایه پل

bridge pier

پایه‌ای (۳-۳-۱-۵۰) که تکیه‌گاه میانی یک پل (۳-۳-۱-۱۹) است.

۵۵-۱-۳-۳

کتیبه

pilaster

ستون (۳-۳-۱-۱۰) مستطیلی کم ارتفاع یا پایه‌ای (۳-۳-۱-۵۰) که کاملاً به صفحه یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) متصل است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه pilaster معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۵۳ مراجعه شود).

۵۶-۱-۳-۳

نشیمن گاه دیوار

wall plate

US: top plate

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) در امتداد فوقانی یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) یا ساخته شده در امتداد طولی (۳-۲-۷-۳) آن که نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) تیرچه‌ها (۱۵-۱-۳-۳)، تیرهای شیب‌دار (۴۳-۱-۳-۳) یا خرپاهای سقف (۴۵-۱-۳-۳) را توزیع می‌کند.

۵۷-۱-۳-۳

بالشتک

padstone

GB: coddling

واحد بنایی (۴۹-۴-۴-۳) مسقر در یک سازه (۲-۱-۳-۳) برای توزیع یک بار (۱۹-۳-۷-۳) متمرکز است.

۵۸-۱-۳-۳

پشت‌بند

abutment

US: buttress

بنایی (۶-۵-۳-۳) برای مقاومت در برابر فشار جانبی و بار (۱۹-۳-۷-۳) قائم، معمولاً ناشی از یک طاق (۷-۱-۳-۳) یا پل (۱۹-۳-۱-۳) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه buttress معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳-۶۰ مراجعه شود).

۵۹-۱-۳-۳

پشت‌بند پل

bridge abutment

پشت‌بندی (۵۸-۱-۳-۳) که تکیه‌گاه انتهای یک پل (۱۹-۳-۱-۳) را ایجاد می‌کند.

۶۰-۱-۳-۳

پشت‌بند

buttress

بنای (۳-۳-۵-۶) ایجاد شده که به صورت بخشی از یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) یا مقابل یک دیوار برای مقاومت در برابر فشار جانبی است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه buttress معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۵۸ مراجعه شود).

۶۱-۱-۳-۳

دیوار برشی

shear wall

US: shearwall, diaphragm wall

دیواری (۳-۳-۲-۴۶) برای مقاومت در برابر نیروهای (۳-۳-۷-۲۲) جانبی در صفحه خود است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه diaphragm wall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۱۷ و ۳-۱-۶۳ مراجعه شود).

۶۲-۱-۳-۳

دیوار اصلی

spine wall

US: bearing wall

دیوار (۳-۳-۲-۴۶) باربر داخلی موازی با محور اصلی ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

۶۳-۱-۳-۳

دیوار دوجداره

diaphragm wall

دیوار (۳-۳-۲-۴۶) دو لایه (۳-۳-۲-۵۵) جدا شده با یک فضای خالی که توسط جان‌های (۳-۳-۵-۱۹) قائم با اتصالات سازه‌ای به هم متصل می‌شوند.

یادآوری ۱- برای واژه diaphragm wall معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۱۷ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه diaphragm wall معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۲-۱۷ و ۳-۳-۱-۶۱ مراجعه شود).

۳-۳-۱-۶۴

مهاربندی

bracing

سامانه اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) معمولاً قطری با عملکرد فشاری (۳-۳-۷-۳۲) یا کششی که یک سازه (۳-۳-۱-۲) را سخت می‌کنند.

۳-۳-۱-۶۵

مهار تیرچه

herring bone bracing

US: bridging

اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) کوچک که به صورت ضربدری در بالا و پایین تیرچه‌های (۳-۳-۱-۱۵) مجاور هم یا اعضای سازه‌ای دیگر برای ممانعت از کمانش و قابلیت توزیع بارها (۳-۳-۷-۱۹) قرار می‌گیرند.

۳-۳-۱-۶۶

بادبندی

wind bracing

مهاربندی (۳-۳-۱-۶۴) که برای مقاومت در برابر نیروهای (۳-۳-۷-۲۲) باد طراحی می‌شود.

۳-۳-۱-۶۷

جک

shore

واداری (۳-۳-۱-۲۱) که تکیه‌گاه موقت به زمین یا قسمتی از یک سازه (۳-۳-۱-۲) ایجاد می‌کند.

۶۸-۱-۳-۳

سپرکوبی

sheet piling

فرایند (۳-۲-۵-۳) کوبش اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) قائم داخل خاک (۳-۲-۴-۳) در یک ردیف پیوسته که معمولاً برای مقاومت در برابر فشار جانبی است.

۶۹-۱-۳-۳

سپر فولادی

steel sheet pile

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) فولادی با اتصال داخلی پیوسته که برای سپرکوبی (۶۸-۱-۳-۳) استفاده می‌شود.

۷۰-۱-۳-۳

قاب

frame

سازه (۲-۱-۳-۳) مرکبی که اساساً از اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) خطی یا منحنی ترکیب می‌شود. یادآوری - برای واژه frame معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۹-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۷۱-۱-۳-۳

قاب مسطح

plane frame

قاب (۷۰-۱-۳-۳) که در یک صفحه منفرد است.

۷۲-۱-۳-۳

قاب دروازه‌ای

portal frame

قاب (۷۰-۱-۳-۳) مرکب از دو ستون (۱۰-۱-۳-۳) است که توسط یک تیر (۱۱-۱-۳-۳) در بالای ستون‌ها به صورت صلب به هم متصل شده‌اند.

۷۳-۱-۳-۳

قاب فضایی

space frame

US: three dimensional truss

قاب (۷۰-۱-۳-۳) سه بعدی به هم نصب شده برای پوشش سطوح بزرگ است.
یادآوری - در آمریکا برای واژه space frame معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۳۰ مراجعه شود).

۷۴-۱-۳-۳

تسلیح زمین

ground anchorage

US: tie down

ساختاری (۶-۵-۳-۳) با قابلیت انتقال نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) کششی با عملکرد برشی (۳۵-۳-۷-۳) در یک لایه باربر است.

۷۵-۱-۳-۳

شمع

pile

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) بلند و باریک که اساسا در زیر زمین برای انتقال نیروها (۲۲-۳-۷-۳) به لایه‌های باربر زیر سطح زمین (۱-۲-۴-۳) است.

۷۶-۱-۳-۳

شمع درجا ریخته

bored cast-in-place pile

شمع (۷۵-۱-۳-۳) لوله‌ای که با روش‌های عملیات خاکی (۶-۱-۵-۳) پیوسته یا گسسته ایجاد می‌شود و اساسا حفره آن با بتن (۱۵-۴-۴-۳) پر می‌شود.

۷۷-۱-۳-۳

شمع انتقالی

displacement pile

شمع (۷۵-۱-۳-۳) نصب شده در زمین بدون برداشت خاک از زمین که جهت محدودسازی بالآآمدگی، لرزش، جلوگیری از انتقال یا کمک به نفوذ نباشد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱-۳ استاندارد EN 12699:2000 - تغییرات: عبارت «یا انتقال» بعد از کلمه «برداشت خاک» حذف شده است.]

۷۸-۱-۳-۳

شمع کوبیده

driven pile

شمعی (۷۵-۱-۳-۳) که با نیروی ضربه چکش، لرزش یا فشار ایستا و جابجایی خاک (۲-۲-۴-۳)، داخل زمین (۱-۲-۴-۳) وارد می‌شود.

۷۹-۱-۳-۳

شمع اتکایی

end bearing pile

شمعی (۷۵-۱-۳-۳) که اساسا نیروها (۲۲-۳-۷-۳) را توسط فشار (۳۲-۳-۷-۳) انتهای خود به زمین (۱-۲-۴-۳) انتقال می‌دهد.

۸۰-۱-۳-۳

شمع اصطکاکی

friction pile

شمعی (۷۵-۱-۳-۳) که اساسا نیروها (۲۲-۳-۷-۳) را توسط اصطکاک بدنه شمع با زمین مجاور، به زمین (۱-۲-۴-۳) انتقال می‌دهد.

۸۱-۱-۳-۳

سرشمع

pile cap

بنایی (۳-۳-۵-۶) در قسمت فوقانی یک یا چند شمع (۳-۳-۱-۷۵) که نیروها (۳-۳-۷-۲۲) را از یک سازه (۳-۳-۱-۲) به یک یا چندین شمع انتقال می‌دهد.

۸۲-۱-۳-۳

شالوده

footing

بنای (۳-۳-۵-۶) پله‌ای که نیرو (۳-۳-۷-۱۹) را در پای یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) یا ستون (۳-۳-۱-۱۰) پخش می‌کند.

۸۳-۱-۳-۳

پی گسترده

raft foundation

US: slab foundation, floating foundation

پی (۳-۳-۱-۱) به شکل یک دال بتنی (۳-۳-۱-۳۲) سازه‌ای پیوسته که در کل زمینه یک سازه (۳-۳-۱-۲) گسترش یافته است.

یادآوری - گاهی اوقات یک پی گسترده خارج از زمینه یک سازه گسترش می‌یابد.

۸۴-۱-۳-۳

پی نواری

strip foundation

پی (۳-۳-۱-۱) طولی، باریک و معمولاً افقی است.

۸۵-۱-۳-۳

پی شمعی

piled foundation

US: pile foundation

پی (۱-۱-۳-۳) مرکب از یک یا چند شمع (۳-۳-۱-۷۵) است.

۸۶-۱-۳-۳

پی صندوقه‌ای

caisson

بنای (۳-۳-۵-۶) توخالی با دیوارهای (۳-۳-۲-۴۶) غیرقابل نفوذ محکم شامل یک یا چند حفره که به شکل پوسته ماندگار یک پی (۳-۳-۱-۱) عمیق به داخل زمین (۳-۳-۲-۱) یا آب فرو برده می‌شود.

۸۷-۱-۳-۳

پی صندوقه‌ای باز

open caisson

پی صندوقه‌ای (۳-۳-۱-۸۶) که دو طرف فوقانی و تحتانی آن باز است.

۸۸-۱-۳-۳

مقطع توخالی سازه‌ای

structural hollow section

US: tubular column, lally column

لوله (۳-۳-۱-۱۱) مورد استفاده برای اهداف سازه‌ای است.

۸۹-۱-۳-۳

مقطع فولادنورد

rolled steel section

محصول (۳-۳-۱-۳) فولادی که توسط نوردیدن شکل داده می‌شود.

۹۰-۱-۳-۳

مقطع سپری

T-section

عضوی سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با سطح مقطع شبیه حرف T لاتین با بال‌های (۳-۳-۵-۱۸) مساوی است.

۹۱-۱-۳-۳

مقطع آی

I-section

US: I-beam

GB: light universal beam

عضوی سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با سطح مقطع شبیه حرف I لاتین است.

۹۲-۱-۳-۳

نبشی

Angle

عضوی سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با سطح مقطع حرف L لاتین است که عرض (۳-۷-۲-۸) بال‌های آن می‌تواند مساوی یا نامساوی باشد.

۹۳-۱-۳-۳

مقطع ناودانی

Channel section

عضوی سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با سطح مقطع شبیه حرف C لاتین است.

۹۴-۱-۳-۳

مقطع بال پهن

H-section

GB: heavy universal beam

عضوی سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با سطح مقطع شبیه حرف H لاتین است.

۹۵-۱-۳-۳

تیرچه فولادنورد

Rolled-steel joist

RSJ

مقطع فولادنورد (۸۹-۱-۳-۳) با سطح مقطع شبیه به حرف I لاتین اما به طوری که ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) بال (۱۸-۵-۳-۳) آن در سمت جان (۱۹-۵-۳-۳) ضخیم‌تر و به صورت شیب‌دار در انتها باریک است.

۹۶-۱-۳-۳

بندکشی

Bond

...: US, CA

مرتب کردن قفل‌وبست مابین واحدهای بنایی (۴۹-۴-۴-۳) یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) جهت تضمین پایداری است.

یادآوری- این مفهوم در آمریکا یا کانادا کاربرد ندارد.

۲-۳-۳ بخش‌های مجزا و الحاقی^۱

۱-۲-۳-۳

پرکردن

infill

آرایش (۵-۵-۳-۳) محصولات (۳-۱-۴-۳) ساده یا مرکب است که داخل شکاف‌ها یا سوراخ‌ها (۱-۳-۳-۳) یا شکل قسمتی از یک نما (۴۲-۲-۳-۳) وارد شده‌اند.

۲-۲-۳-۳

روکوب

lining

پوشش خشک هر سطح داخلی ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

۳-۲-۳-۳

نماچوب

boarding

قطعات (۳-۴-۱-۱۴) چوبی (۳-۴-۳-۲) است که به عنوان پوشش نهایی استفاده می‌شود.

مثال: پوشش نهایی استفاده شده برای کف (۳-۳-۲-۱۰) یا دیوار (۳-۳-۲-۴۶)

یادآوری - در آمریکا اصطلاح wood siding برای نماپوش (۳-۳-۲-۴۳) استفاده شده در دیوارهای بیرونی (۳-۳-۲-۴۶) و اصطلاح strip flooring برای پوشش استفاده شده در کف (۳-۳-۲-۱۲) می‌باشد.

۴-۲-۳-۳

آبچک در

weatherboard

US: weather mould

عضو قالبی طراحی شده است که در پایین ریل یک در (۳-۳-۳-۳) خروجی جهت هدایت آب از سمت آستانه در (۳-۳-۳-۴۴) یا آستانه کف، محکم می‌شود.

۵-۲-۳-۳

بخاربند

vapour control layer

AU: vapour barrier

US: vapor barrier

لایه‌ای از مصالح (۳-۴-۱-۱) جهت جلوگیری از عبور بخار آب است.

۶-۲-۳-۳

کاشی

tile

جزء (۳-۴-۱-۴) کوچک نازک صاف یا شکل داده شده است که برای شکل دادن یک پوشش استفاده می‌شود.

۷-۲-۳-۳

مشبک

grating

صفحه (۵۳-۲-۳-۳) سوراخ‌دار دارای چشمه (۱-۳-۳-۳)، در یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) یا کف (۱۰-۲-۳-۳) یا پیاده‌رو (۱۷-۳-۱-۳) است.

۸-۲-۳-۳

شبکه

grille

صفحه (۵۳-۲-۳-۳) سوراخ‌دار با فضای (۱-۱-۲-۳) تقسیم شده یا با چشمه‌های (۱-۳-۳-۳) نسبتاً بزرگ در یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) یا سقف (۱۸-۲-۳-۳) است.

۹-۲-۳-۳

حصار

barrier

سازه (۴-۱-۱-۳) (۲-۱-۳-۳) یا بنایی (۶-۵-۳-۳) است که جهت محافظت یا تغییر حرکت استفاده می‌شود.

۱۰-۲-۳-۳

کف

floor

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) با صفحه افقی است که پایین‌ترین سطح در هر فضایی (۱-۱-۲-۳) در یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) را ایجاد می‌کند.

۱۱-۲-۳-۳

کف نمایان

open floor

US: exposed floor

کف (۱۰-۲-۳-۳)، بدون سقفی (۱۸-۲-۳-۳) که زیر آن را پوشش دهد.

۱۲-۲-۳-۳

کف پاخور

flooring

بالاترین لایه یک کف (۱۰-۲-۳-۳) که به عنوان لایه فرسایشی خدمت می‌دهد.

۱۳-۲-۳-۳

بستر کف

underlay

US: underlayment

محصول (۳-۱-۴-۳) یا جزئی (۴-۱-۴-۳) است که معمولاً در شکل یک ورق (۱۲-۱-۴-۳) نازک زیر کف پاخور (۱۲-۲-۳-۳) نصب می‌شود.

۱۴-۲-۳-۳

بلوک کف پوش بتنی

concrete block paving

رویه‌ای شامل بلوک‌های مستطیلی (۹-۱-۴-۳) بتنی پیش‌ساخته (۲۱-۴-۴-۳) است که با یک الگو نصب می‌شوند.

۱۵-۲-۳-۳

کف شناور

floating floor

بنایی (۳-۳-۵-۶) شامل لایه‌های بالاتر کفی (۳-۳-۲-۱۰) که روی یک لایه برجهنده یا پایه واقع است و عایق‌بندی در برابر صدا، ارتعاش یا هردو را ایجاد می‌کند.

۱۶-۲-۳-۳

کف معلق

Suspended floor

US: raised floor, free-access floor

کف (۳-۳-۲-۱۰) متکی بر دهانه است.

۱۷-۲-۳-۳

عرشه

deck

جایگاه مرتفع غیر محصور بدون سقف (۳-۳-۲-۲۱) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه deck معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۳۵ مراجعه شود).

۱۸-۲-۳-۳

سقف

ceiling

ساخت‌وسازی (۳-۳-۵-۶) است که محدوده زیر یک کف (۳-۳-۲-۱۰) یا سقف (۳-۳-۲-۲۱) را پوشش می‌دهد و یک روبه بالایی جهت یک فضای (۳-۳-۲-۱) محصور ایجاد می‌کند که اغلب برای پنهان کردن اعضای سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) و تاسیسات می‌باشد.

۱۹-۲-۳-۳

سقف کاذب

false ceiling

US: suspended ceiling, dropped ceiling

سقفی (۱۸-۲-۳-۳) است که ارتفاع (۳-۷-۲-۳۶) یک فضا (۱-۱-۲-۳) را کاهش می‌دهد یا فضایی (۱-۴-۳-۳) برای تاسیسات مهیا می‌کند.

یادآوری ۱- در آمریکا برای واژه suspended ceiling معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۲۰-۲ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه dropped ceiling معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۲۰-۲ مراجعه شود).

۲۰-۲-۳-۳

سقف معلق

suspended ceiling

US: dropped ceiling

سقفی (۱۸-۲-۳-۳) آویخته در یک فاصله از کف (۱۰-۲-۳-۳) یا سقف (۲۱-۲-۳-۳) بالای آن است.

یادآوری ۱- در آمریکا برای واژه suspended ceiling معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱۹-۲ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه dropped ceiling معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱۹-۲ مراجعه شود).

۲۱-۲-۳-۳

بام

roof

ساخت‌وسازی (۳-۵-۳-۳) است که یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) را از بالا محدود می‌کند.

۲۲-۲-۳-۳

پوشش بام

roofing

لایه یا لایه‌های یک بام (۲۱-۲-۳-۳) است که یک رویه عایق هوا ایجاد می‌کند.

۲۳-۲-۳-۳

بام مسطح

flat roof

بام (۲۱-۲-۳-۳) افقی یا با شیب (۶۵-۲-۷-۳) ده درجه یا کمتر است.

۲۴-۲-۳-۳

بام شیب‌دار

pached roof

بام (۲۱-۲-۳-۳) با شیب (۶۵-۲-۷-۳) بیشتر از ده درجه است (تقریباً پانزده درصد).

۲۵-۲-۳-۳

بام یک‌طرفه

monopitch roof

US: shed roof

بام شیب‌داری (۲۴-۲-۳-۳) است که فقط یک صفحه منفرد دارد.

۲۶-۲-۳-۳

بام دیوار

lean-to roof

بام یک‌طرفه‌ای (۲۵-۲-۳-۳) است که لبه بالاتر آن متصل و متکی به دیواری (۴۶-۲-۳-۳) است که تا بالای تراز (۳۹-۲-۷-۳) بام (۲۱-۲۱-۳-۳) ادامه دارد یا تکیه‌گاه آن اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) نزدیک یا متصل به یک دیوار است.

۲۷-۲-۳-۳

بام پوسته‌ای

Shell roof

US: domed roof

بام (۲۱-۲-۳-۳) متشکل از یک دال (۱۲-۵-۳-۳) نازک سازه‌ای منحنی شده است.

۲۸-۲-۳-۳

بام چهارشیب

mansard roof

بام شیب‌داری (۲۴-۲-۳-۳) است با دو صفحه در هر طرف خط‌الرأس (۴۰-۲-۳-۳) که سراشیبی دو طرف، در پیش‌آمدگی لبه بام (۳۸-۲-۳-۳) شروع می‌شود.

۲۹-۲-۳-۳

بام شیروانی

gable roof

بام شیب‌داری (۲۴-۲-۳-۳) است که در یک یا دو انتها با پیش‌آمدگی (۶۷-۲-۳-۳) ختم می‌شود.

۳۰-۲-۳-۳

بام چندطرفه

hipped roof

US: hip roof

بام شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) با یک یا چند انشعاب بیرون‌زده (۳۹-۲-۳-۳) است.

۳۱-۲-۳-۳

بام دندان‌دار

sawtooth roof

سری بام‌های شیب‌داری (۲۴-۲-۳-۳) است که هر کدام دارای یک صفحه شیب‌دار مجزا می‌باشد و کلا یا بخشی از آن شیشه‌کاری شده است.

۳۲-۲-۳-۳

بام سرد

cold roof

بامی (۲۱-۲-۳-۳) است که در تراز (۳۹-۲-۷-۳) سقف (۱۸-۲-۳-۳)، عایق‌کاری و یک فضای خالی هواکش بین عایق‌کاری و پوشش بام (۲۲-۲-۳-۳) دارد.

۳-۳-۲-۳۳

بام گرم

warm roof

بامی (۳-۳-۲-۲۱) است که بدون فاصله در زیر غشای عایق هوای خود عایق کاری دارد و یک لایه کنترل بخار (۳-۳-۲-۵) زیر عایق کاری دارد.

۳-۳-۲-۳۴

بام عایق معکوس

inverted roof

US: built-up roof

بامی (۳-۳-۲-۲۱) است که در آن مصالح عایق حرارتی (۳-۳-۴-۳۲) بالای پوشش عایق آب قرار داده شده است.

۳-۳-۲-۳۵

بام باز

open roof

US: exposed roof, cathedral ceiling

بامی (۳-۳-۲-۲۱) است که فاقد سقف (۳-۳-۲-۱۸) نصب شده یا آویخته شده باشد.

۳-۳-۲-۳۶

سایه بان

canopy

شبه بامی است که معمولاً رو و بیرون از یک ورودی یا پنجره (۳-۳-۳-۵) یا در امتداد وجه یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) ایجاد می شود.

۳-۳-۲-۲۷

لبه پوش

barge board

US: fascia board

GB: verge board

تخته نصب شده در امتداد لبه بالایی یک جناقی (۳-۳-۲-۶۷) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه fascia board معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۶۷ مراجعه شود).

۳-۳-۲-۲۸

ابرو

eaves

US: eave

پایین ترین لبه یک بام شیب دار (۳-۳-۲-۲۴) یا لبه یک بام مسطح (۳-۳-۲-۲۳) است.

۳-۳-۲-۳۹

تپه ای

hip

خط برخورد مورب دو سطح شیب دار در یک بام شیب دار (۳-۳-۲-۲۴) که به شکل یک زاویه برجسته است.

۳-۳-۲-۴۰

گرده ماهی

ridge

تقاطع بالاترین نقطه دو سطح شیب دار در یک بام شیب دار (۳-۳-۲-۲۴) که به شکل تارک بام است.

۳-۳-۲-۴۱

دره ای

valley

خط برخورد مورب دو سطح شیب دار در یک بام شیب دار (۳-۳-۲-۲۴) که به شکل یک زاویه درون رو است.

۴۲-۲-۳-۳

شانه

verge

لبه شیب‌دار یک بام شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) است.

یادآوری - برای واژه verge معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳ مراجعه شود).

۴۳-۲-۳-۳

نما پوش

cladding

US: siding

پوشش خارجی غیربرابر قائم یا نزدیک به قائم یک سازه (۲-۱-۳-۳)، که به طور معمول محافظت (۸۸-۳-۷-۳) از عناصر را فراهم می‌کند.

۴۴-۲-۳-۳

نما

facade

سطح ظاهری یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) محصورکننده یک ساختمان (۳-۱-۱-۳)، معمولاً غیربرابر که می‌تواند شامل یک دیوار پرده‌ای (۵۶-۲-۳-۳)، نماپوش (۴۳-۲-۳-۳) یا سایر پرداخت‌های (۲-۵-۳-۳) ظاهری باشد.

۴۵-۲-۳-۳

چوب پوش

weatherboarding

US: clapboard

نماپوش (۴۳-۲-۳-۳) تثبیت شده به صورت مکانیکی که شامل رویهم‌گذاری یا نماچوب (۳-۲-۳-۳) افقی کوتاه‌تراش است.

۴۶-۲-۳-۳

دیوار

wall

ساخت‌وساز (۳-۳-۵-۶) قائم که یک فضا (۳-۲-۱-۱) را محدود یا مجزا می‌کند و معمولاً عملکرد باربری یا نگهداری دارد.

۴۷-۲-۳-۳

تیغه جداگر

partition

ساخت‌وساز (۳-۳-۵-۶) قائم غیرباربر داخلی که یک فضا (۳-۲-۱-۱) را مجزا می‌کند.

۴۸-۲-۳-۳

تیغه جداگر قاب‌دار

framed partition

تیغه جداگر (۳-۳-۲-۴۷) همراه با نماسازی یا پرکردگی (۳-۲-۱-۱) که شامل یک قاب صفحه‌ای (۳-۳-۱-۷۱) با تکیه‌گاه ممتد، است.

۴۹-۲-۳-۳

دیوار وادار دوتایی

double stud wall

US: staggered stud wall

دیوار (۳-۳-۲-۴۶) با دو ردیف موازی از وادارهای (۳-۳-۱-۵۱) یک‌درمیان است.

یادآوری - در آمریکا یک دیوار وادار دوتایی، دیواری (۳-۳-۲-۴۶) است با دو ردیف موازی از وادارهای هم‌راستا روی کف‌پایه (۳-۳-۳-۴۵) اختصاصی در حالی که یک دیوار وادار یک‌درمیان دیواری است با دو ردیف موازی از وادارهای یک‌درمیان روی یک کف‌پایه مشترک.

۵۰-۲-۳-۳

تابلو دیواری قابدار چوبی

timber framed wall panel

واحد دیوار (۴۶-۲-۳-۳) شامل یک قاب (۷۰-۱-۳-۳) با اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) چوبی (۲-۳-۴-۳) که حداقل روی یک وجه آن با یک تابلوی چوب‌جنس (۲۶-۳-۴-۳) یا ورق دیگری، ورق‌پوش شده باشد.

۵۱-۲-۳-۳

تابلو

panel

پرکردگی (۱-۲-۳-۳) بسته شده به یک قاب (۷۰-۱-۳-۳) است.

۵۲-۲-۳-۳

دیوارک

screen

US: dwarfwall

تیغه جداگر (۴۷-۲-۳-۳) معمولاً خودایستا، که گستردگی کامل آن از کف (۱۰-۲-۳-۳) به سقف (۱۸-۲-۳-۳) ممکن نیست و درجه‌ای از دید حریم خصوصی یا حفظ آن یا هر دو را فراهم می‌کند. یادآوری - برای واژه screen معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۵۳-۲-۳-۳ و ۱۸-۳-۵-۳ مراجعه شود).

۵۳-۲-۳-۳

نقاب

screen

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) قائم غیرباربر که درجه‌ای از دید حریم خصوصی یا حفظ آن یا هر دو را از اختلال صدایی، باد یا انتشار گاز فراهم می‌کند. یادآوری - برای واژه screen معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۵۳-۲-۳-۳ و ۱۸-۳-۵-۳ مراجعه شود).

۵۴-۲-۳-۳

دیوار دوجداره

cavity wall

دیوار (۴۶-۲-۳-۳) دارای دو قسمت موازی، لتها (۵۵-۲-۳-۳) که به طور موثر به یکدیگر گره خورده‌اند و یک فاصله بین آنها وجود دارد.

۵۵-۲-۳-۳

لت

leaf

US: leave, vertical wall segment

یکی از دو دیوارهای (۴۶-۲-۳-۳) موازی که به طور موثر به یکدیگر گره خورده‌اند.

۵۶-۲-۳-۳

دیوار پرده‌ای

curtain wall

دیوار (۴۶-۲-۳-۳) غیرباربر مستقر در بیرون یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) و دربرگیرنده آن است.

۵۷-۲-۳-۳

دیوار جناغی

gable wall

دیواری (۴۶-۲-۳-۳) که یک قسمت آن به شکل یک جناغ (۶۷-۲-۳-۳) است.

۵۸-۲-۳-۳

دیوار تابلویی خارجی

external panel wall

قسمتی از یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) خارجی که به صورت پرشدگی (۱-۲-۳-۳) میان اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) شکل می‌گیرد.

۵۹-۲-۳-۳

دیوار جداکننده

separating wall

دیواری (۴۶-۲-۳-۳) که ساختمان‌های (۳-۱-۱-۳) همجوار را از هم جدا می‌کند.

۶۰-۲-۳-۳

دیوار محدوده

boundary wall

دیواری (۴۶-۲-۳-۳) که جداکننده دو قطعه با تصرف یا مالکیت متفاوت است.

۶۱-۲-۳-۳

دیوار جداکننده مشترک

party wall

دیوار جداکننده‌ای (۵۹-۲-۳-۳) که به صورت مشترک بین دو ساختمان (۳-۱-۱-۳) با تصرف یا مالکیت متفاوت استفاده می‌شود.

۶۲-۲-۳-۳

دیوار مهار آتش

firewall

دیوار جداکننده‌ای (۳-۲-۳-۳) که گسترش آتش از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) به ساختمان همجوار را به تاخیر اندازد یا مانع شود.

۶۳-۲-۳-۳

دیوار کرسی

sleeper wall

دیوار (۴۶-۲-۳-۳) کم باربر که در تراز زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) به منظور پشتیبانی متوسط یک کف معلق (۱۶-۲-۳-۳) در نظر گرفته شده است.

۶۴-۲-۳-۳

جان پناه

parapet

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) که سطح مرتفع نظیر یک سقف (۲۱-۲-۳-۳)، ایوانک (۹-۲-۲-۳)، بهارخواب (۸-۳-۲-۳)، پل (۱۹-۳-۱-۳) یا خاکریزی (۳-۲-۱-۳) را محدود می‌کند.

۶۵-۲-۳-۳

تیغه جداگر خرپایی

trussed partition

تیغه جداگر (۴۸-۲-۳-۳) طراحی شده به صورت یک خرپا (۱۸-۱-۳-۳) که بین دهانه‌ها قرار دارد و وزن خود و بارهای (۱۹-۳-۷-۳) مازاد وارده از کف (۱۰-۲-۳-۳) را تحمل می‌کند.

۶۶-۲-۳-۳

زیرپنجره

apron

قسمتی از یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) که پایین پنجره (۵-۳-۳-۳) است.

۶۷-۲-۳-۳

جناق‌ی

gable

بخشی از یک دیوار (۳-۲-۳-۳)، بالای تراز (۳-۲-۷-۳) ابرو (۳-۲-۳-۳) است که انتهای فضای زیر یک سقف شیب‌دار را دربرمی‌گیرد.

۶۸-۲-۳-۳

نرده حفاظ

guarding

US: guard, guardrail system

حصار (۳-۲-۳-۳) در نظر گرفته شده برای تاخیر، توقف یا هدایت افراد یا ایجاد حفاظ، در برابر افتادن اتفاقی از یک تراز (۳-۲-۷-۳) به تراز دیگر است.

۶۹-۲-۳-۳

نرده سنگین

balustrade

حصار (۳-۲-۳-۳) محافظتی به شکل یک سری اعضای قائم سنگین که با یک سرپوش (۳-۲-۳-۳) کلاهک‌گذاری شده است.

یادآوری - برای واژه balustrade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۳-۳-۷۰ مراجعه شود).

۷۰-۲-۳-۳

نرده سبک

balustrade

حصار (۳-۲-۳-۳) محافظتی به شکل یک سری اعضای قائم سبک که با یک دستگرد (۳-۲-۳-۳) کلاهک‌گذاری شده است.

یادآوری - برای واژه balustrade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۲-۳-۳-۶۹ مراجعه شود).

۷۱-۲-۳-۳

دیرک پایه

baluster

US: post

جزء (۴-۱-۴-۳) قائم غیر از دیرک (۷۲-۲-۳-۳)، در یک نرده سبک (۷۰-۲-۳-۳) است. یادآوری - برای واژه post معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۵۲-۱-۳-۳ مراجعه شود).

۷۲-۲-۳-۳

دیرک

die

US: baluster, picket

میله (۵۲-۱-۳-۳) میانی توپر در داخل یک نرده سنگین (۶۹-۲-۳-۳) یا یک نرده سبک (۷۰-۲-۳-۳) است.

۷۳-۲-۳-۳

دیرک پله

newel

جزء (۴-۱-۴-۳) قائم که آویز (۲۸-۵-۳-۳) یا دستگرد (۷۶-۲-۳-۳) به داخل آن نصب شده است.

۷۴-۲-۳-۳

نیم دیرک

half newel

دیرک پله‌ای (۷۳-۲-۳-۳) با یک ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) کاهش یافته که به یک دیوار نصب شده و یک نرده سنگین (۶۹-۲-۳-۳) یا یک نرده سبک (۷۰-۲-۳-۳) در آن خاتمه می‌یابد.

۷۵-۲-۳-۳

سرپوش

coping

US: cop

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) که بالای یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳)، نرده سنگین (۶۹-۲-۳-۳) یا حفاظ (۶۴-۲-۳-۳) را محافظت می‌کند و سطوح زیرین را از ریختن آب باران پاک می‌دارد.

۷۶-۲-۳-۳

دستگرد

half newel

جزئی (۴-۱-۴-۳) که تکیه‌گاه و محل گرفتن دست برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۶-۶-۲ استاندارد ۱۴۰۷۶: ۲۰۱۳ EN]

۷۷-۲-۳-۳

دستگیره

grab rail

US: grab bar

دستگردی (۷۶-۲-۳-۳) که برای تکیه کردن و به منظور جابجایی وزن بدن طراحی شده است و معمولاً در جاهایی مجاور دوش‌ها، وان‌ها، سنگ‌توالت (۹-۴-۳-۳) و آبریزهای شستشو در حمام یا توالت (۳-۳-۲-۳)، یافت می‌شود.

۷۸-۲-۳-۳

ابزار

pargeting

US: parching

روکشی (۳۶-۴-۴-۳) که به صورت تزئینی ارائه شود.

۷۹-۲-۳-۳

بست دیواری

wall tie

جزء (۴-۱-۴-۳) متصل کننده لتهای (۵۵-۲-۳-۳) یک دیوار دوجداره (۵۴-۲-۳-۳) است.

بازشوها و قطعات چفت و بست الحاقی^۱ ۳-۳-۳

۱-۳-۳-۳

بازشو

opening

حفره در یک عنصر ساختمانی (۴-۵-۳-۳) است.

۲-۳-۳-۳

درگاه

doorway

راه دسترسی به یک فضا (۱-۱-۲-۳) که توسط یک در (۳-۳-۳-۳) باز یا بسته شود.

۳-۳-۳-۳

در

door

ساخت و سازی (۶-۵-۳-۳) که برای بستن یک بازشو (۱-۳-۳-۳)، و در درجه اول برای دسترسی یا خروج یا هر دو اختصاص داده شده است.

۴-۳-۳-۳

دریچه

hatch

بازشویی (۱-۳-۳-۳) که دسترسی محدود را فراهم می کند.

۵-۳-۳-۳

پنجره

window

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) برای بستن یک بازشو (۱-۳-۳-۳) قائم یا نزدیک به قائم در یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) یا سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳)، که نور را می‌پذیرد و می‌تواند تهویه ایجاد کند.

۶-۳-۳-۳

روشنایی

light

US: lite

واحد شیشه‌ای اختصاصی برای یک پنجره (۵-۳-۳-۳) یا در (۳-۳-۳-۳) است.

۷-۳-۳-۳

پنجره برجسته

bay window

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) یال‌دار مستقیم که از نمای یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) برجسته شده و شامل یک یا چند پنجره (۵-۳-۳-۳) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه bay window معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۲-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۸-۳-۳-۳

پنجره کمانی

bow window

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) منحنی که از نمای یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) برجسته شده و شامل یک یا چند پنجره (۵-۳-۳-۳) است.

۹-۳-۳-۳

پنجره شیروانی

dormer window

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) که شامل یک پنجره (۵-۳-۳-۳) برجسته شده در بالای سطح شیب‌دار یک سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) است.

۱۰-۳-۳-۳

پنجره بام

clerestory window

پنجره (۵-۳-۳-۳) در قسمت بالایی یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳)، بالای یک سقف (۲۱-۲-۳-۳) مجاور است.

۱۱-۳-۳-۳

نورگیر فانوسی

lantern light

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) برجسته دارای شیشه (۲۱-۱-۴-۳) در وجوه خود در بالای سطح یک سقف مسطح (۲۳-۲-۳-۳) یا بالای گرده‌ماهی (۴۰-۲-۳-۳) یک سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) است.

۱۲-۳-۳-۳

پنجره نمایان

oriel window

US: bay window

پنجره‌ای (۵-۳-۳-۳) که از نمای یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) برجسته می‌شود و تکیه‌گاه آن روی ترک‌ها (۶۴-۵-۳-۳) یا طره‌ها (۱۷-۱-۳-۳) قرار دارد.

یادآوری - در آمریکا برای واژه bay window معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۷-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۱۳-۳-۳-۳

نورگیر آسمان

rooflight

US: skylight

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) برای بستن یک بازشو (۱-۳-۳-۳) در یک سقف مسطح (۲۳-۲-۳-۳) یا سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) کم‌شیب که در درجه اول برای نورگیری اختصاص داده شده و شامل یک چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) و شیشه (۲۱-۱-۴-۳) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه skylight معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۴-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۱۴-۳-۳-۳

پنجره سقفی

roof window

US: skylight

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) برای بستن یک بازشو (۱-۳-۳-۳) در سطح یک سقف شیب‌دار (۲۴-۲-۳-۳) که نور می‌پذیرد و می‌تواند تهویه ایجاد کند.

یادآوری - در آمریکا برای واژه skylight معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۴-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۱۵-۳-۳-۳

نورگیر کتیبه

fan light

پنجره (۵-۳-۳-۳) بالای یک در (۳-۳-۳-۳) یا روشنایی (۶-۳-۳-۳) جانبی و در داخل همان چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) اصلی است.

۱۶-۳-۳-۳

نورگیر فرعی

borrowed light

پنجره (۵-۳-۳-۳) واقع در یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) داخلی یا تیغه جداگر (۴۷-۲-۳-۳) است.

۱۷-۳-۳-۳

نورگیر سقفی

laylight

US: sky

شیشه (۲۱-۱-۴-۳) افقی که برای کسب نور روز در داخل یک سقفپوش (۱۸-۲-۳-۳) زیر یک پنجره سقفی (۱۴-۳-۳-۳) نصب می‌شود.

۱۸-۳-۳-۳

شومینه

fireplace mantel

چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) برجسته یک آتشناه (۳۸-۳-۳-۳) است.

۱۹-۳-۳-۳

چارچوب

frame

US: casing

مرز یا جای محصور کردن یک در (۳-۳-۳-۳) یا شکل دادن یک پیرامون برای یک پنجره (۵-۳-۳-۳) یا بازشوهای (۱-۳-۳-۳) دیگر است.

یادآوری ۱- برای واژه frame معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۱-۷۰ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه casing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۶۳ مراجعه شود).

۲۰-۳-۳-۳

چارچوب در

door frame

چارچوبی (۱۹-۳-۳-۳) که داخل آن یک در (۳-۳-۳-۳) حرکت کند.

۲۱-۳-۳-۳

چارچوب پنجره

window frame

US: window casing

چارچوبی (۱۹-۳-۳-۳) که شامل نورگیر (۶-۳-۳-۳) یا نورگیرهای یک پنجره (۵-۳-۳-۳) است.

۲۲-۳-۳-۳

وادارک

mullion

عضو قائم واسط در یک بازشو (۱-۳-۳-۳) یا چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) که نورگیرها (۶-۳-۳-۳) را مجزا می‌کند.

۲۳-۳-۳-۳

قیدک

transom

US: muntin

عضو افقی مقسم یک بازشو (۱-۳-۳-۳) یا چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) یک پنجره (۵-۳-۳-۳) یا یک در (۳-۳-۳-۳) است.

۲۴-۳-۳-۳

پنجره بازشدنی

casement

جزء (۴-۱-۴-۳) حرکت‌پذیر و قفل‌شدنی یک پنجره (۵-۳-۳-۳)، مشخص شده با اتصال چرخشی به چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) که می‌تواند برخی حرکت‌های کشویی را نیز فراهم کند.

۲۵-۳-۳-۳

حفاظ کرکره‌ای

shutter

جزء (۴-۱-۴-۳) حرکت‌پذیر نصب شده در یک بازشو (۱-۳-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۳-۳-۴-۱۲) به شکل حصار (۳-۳-۲-۹) برای اهداف امنیتی یا برای کنترل عبور گرما یا نور، یا برای به تاخیر انداختن انتشار آتش، دود یا گازها است.

۲۶-۳-۳-۳

سایبان

sunbreaker

US: sunshade

تجهیزات بیرونی نصب شده به یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) برای کاهش رسیدن گرمای خورشید است.

۲۷-۳-۳-۳

کرکره

louvre

US: louver

ترکیب‌بندی هم‌پوشان نوارهای (۳-۴-۱-۱۴) موازی در یک در (۳-۳-۳-۳)، پنجره (۳-۳-۳-۵) یا بازشوهای (۳-۳-۳-۱) دیگر که برای اجازه پذیرش نور، هوا یا هر دو تعبیه شده و متناوباً قابل تنظیم است.

۲۸-۳-۳-۳

ستونک بازشو

jamb

قسمت قائم یک دیوار (۳-۲-۳-۴۶) در یک بازشو (۳-۳-۳-۱) است.

یادآوری - برای واژه jamb معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۳-۲۹ مراجعه شود).

۲۹-۳-۳-۳

لغاز

jamb

عضو جانبی قائم یک چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) یا روکوب بازشو (۳۰-۳-۳-۳) است. یادآوری - برای واژه jamb معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۲۸-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۳۰-۳-۳-۳

روکوب بازشو

opening lining

روکوب (۲-۲-۳-۳) یک بازشو (۱-۳-۳-۳) است.

۳۱-۳-۳-۳

پس نما

reveal

ظاهر یک پس‌نشستگی قائم یا نمای داخلی یک ستونک بازشو (۲۸-۳-۳-۳) است.

۳۲-۳-۳-۳

تیر نعل درگاه

lintel

US: header

GB: lintol

تیر (۱۱-۱-۳-۳) حمل‌کننده بارهای (۱۹-۳-۷-۳) بالای یک بازشو (۱-۳-۳-۳) است.

۳۳-۳-۳-۳

دودکش

chimney

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) دربرگیرنده یک یا چند مسیر دودرو (۳۶-۳-۳-۳) است.

۳-۳-۳-۲۴

دودکش دیواری

multi-wall chimney

دودکشی (۳-۳-۳-۳۳) که شامل یک دودرو (۳-۳-۳-۳۷) و حداقل یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) الحاقی داخلی یا خارجی است.

۳-۳-۳-۳۵

میله دودکش

chimney stack

قسمتی از یک دودکش (۳-۳-۳-۳۳) که روی یک سقف (۳-۳-۲-۲۱) طراحی می‌شود.

۳-۳-۳-۳۶

مسیر دودرو

flue

معبری برای انتقال تولیدات ناشی از احتراق به هوای بیرون است.

۳-۳-۳-۳۷

دودرو

flue liner

روکوب (۳-۳-۲-۲) داخلی یک دودرو (۳-۳-۳-۳۶) در یک دودکش (۳-۳-۳-۳۳) که در تماس با تولیدات ناشی از احتراق است.

۳-۳-۳-۳۸

آتشگاه

fireplace

ساخت‌وسازی (۳-۳-۵-۶) برای جاده‌ی یک اجاق (۳-۳-۳-۳۹) است.

۳-۳-۳-۲۹

اجاق

fireplace recess

فضای (۳-۲-۱-۱) شکل داده شده در یک دیوار (۳-۲-۴۶) یا طاقچه دودکش (۳-۳-۴۰) برای جاده‌ی یک آتش نمایان یا امکان قراردادن یک وسیله گرمایشی (۳-۳-۴-۷) در داخل آن، که از آن یک مسیر دودرو (۳-۳-۳۶) هدایت می‌شود.

۳-۳-۳-۴۰

طاقچه دودکش

chimney breast

طرحی از نمای یک دیوار (۳-۲-۴۶) که شامل یک آتشگاه (۳-۳-۳۸) یا مسیر دودرو (۳-۳-۳۶) می‌شود.

۳-۳-۳-۴۱

دودکش میله‌ای

chimney shaft

دودکشی (۳-۳-۳۳) با ارتفاع (۳-۲-۷-۳۶) قابل توجه و معمولاً شامل یک مسیر دودرو (۳-۳-۳۶) با سطح مقطع بزرگ می‌شود.

۳-۳-۳-۴۲

قرنیز پنجره

sill

GB: Cill

عضو افقی پایین‌تر یک چارچوب پنجره (۳-۳-۲۱) است.

یادآوری - برای واژه sill معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴۴ مراجعه شود).

۴۳-۳-۳-۳

کف پنجره

window sill

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) طراحی شده زیر یک بازشو (۱-۳-۳-۳) برای یک پنجره (۵-۳-۳-۳) که معمولاً روی بالاترین سطح هواخور (۷۱-۳-۷-۳) است.

۴۴-۳-۳-۳

آستانه

sill

US: subsill

ساخت‌وسازی (۶-۵-۳-۳) که برای یک چارچوب پنجره (۲۱-۳-۳-۳) یا چارچوب در (۲۰-۳-۳-۳) یک نشیمن‌گاه مهیا می‌کند.

یادآوری - برای واژه sill معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۴۲-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۴۵-۳-۳-۳

صفحه زیرسری

sill plate

عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) افقی ممتد که تکیه‌گاه یک چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) است.

۴۶-۳-۳-۳

تخته پنجره

window board

تخته افقی که از سمت داخلی به یک قرنیز پنجره (۴۲-۳-۳-۳) منطبق شده است.

۴۷-۳-۳-۳

بالاتیر

head

US: header

بالاترین عضو معمولا افقی یک چارچوب (۱۹-۳-۳-۳) یا روکوب بازشو (۳۰-۳-۳-۳) است.
یادآوری ۱- برای واژه head معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۷-۳-۳ مراجعه شود).
یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه header معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۴-۳-۳ تاسیسات، ملحقات و تجهیزات^۱

۱-۴-۳-۳

تاسیسات

service

US: service lines, utility lines

سامانه انتقال آب، گاز، هوای گرم یا برق یا فراهم کردن آب، گاز، روغن یا هوا به یا داخل یک ساختوساز (۱-۱-۱-۳) یا خروج زباله (۳-۸-۱۳) از آن است.

۲-۴-۳-۳

ملحقات

fitment

US: install appliance

GB: fitting

لوازمی مانند ادوات بهداشتی (۳-۴-۳-۳) یا اسباب آشپزخانه است که به یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) نصب می‌شود و فضایی (۳-۱-۲-۳) را برای استفاده ساکنین مجهز می‌سازد.

۳-۴-۳-۳

نصب

installation

هم‌گذاری (۳-۳-۵-۵) مصالح (۳-۴-۱-۱) و اجزای (۳-۴-۱-۴) جای داده شده در موقعیتی برای ایجاد یک تاسیسات (۳-۴-۱-۱) است.

۴-۴-۳-۳

تاسیسات آب

water service

US: water line

GB: water installation, water supply

تاسیسات (۳-۴-۱-۱) تامین آب برای مکان‌های انحصاری است.

۵-۴-۳-۳

سامانه آبرسانی

plumbing

تاسیسات آب (۳-۴-۴) و ادوات (۳-۴-۷) متصل شده به آنها است.

یادآوری ۱- برای واژه plumbing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۱-۱۰ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه plumbing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۶ و ۳-۵-۱-۱۰ مراجعه شود).

۶-۴-۳-۳

نصب تجهیزات بهداشتی

Sanitation installation

US: plumbing

نصب (۳-۴-۳) برای تهیه آب سرد و گرم به ادوات بهداشتی (۳-۴-۸) داخل یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) و خارج کردن زباله (۳-۸-۱۳) از آنها است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه plumbing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۴-۵ و ۳-۵-۱-۱۰ مراجعه شود).

۷-۴-۳-۳

ادوات

appliance

تجهیزات متصل شده به یک تاسیسات (۷-۴-۳-۳)، جهت استفاده ساکنین است.

۸-۴-۳-۳

ادوات بهداشتی

sanitary appliance

US: plumbing fixture

ادوات (۷-۴-۳-۳) نصب شده، معمولاً همراه با آب برای استفاده آشامیدن، تمیزکردن یا دسترسی فاضلاب (۱۹-۸-۳) است.

۹-۴-۳-۳

توالت

we suite

US: toilet

ادوات بهداشتی (۸-۴-۳-۳) که شامل یک تشتک کاسه‌ای، جای نشستن، لوازم آب‌زنی و هر لوله (۱۷-۴-۳-۳) آب‌زنی دیگر است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه toilet معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۲-۳ و ۴-۳-۲-۳ مراجعه شود).

۱۰-۴-۳-۳

مبلمان

furnishings

پرده‌ها (۷۷-۵-۳-۳)، فرش‌ها و مواد نرم مشابه که فضای (۱-۱-۲-۳) قابل سکونت را برای استفاده تجهیز می‌کنند.

۱۱-۴-۳-۳

واحد صنعتی

plant

ماشین‌آلات و تجهیزات سنگین نصب شده برای بهره‌برداری از یک تاسیسات (۱-۴-۳-۳) است.

مثال: یک تاسیسات گرمایشی

یادآوری - برای واژه plant معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱-۳-۵-۳ مراجعه شود).

۱۲-۴-۳-۳

معبّر تاسیساتی

duct

فضای (۱-۱-۲-۳) تشکیل شده برای عبور هوا، گازها، کابل‌ها (۳-۴-۴-۵۴)، لوله‌ها (۳-۴-۳-۱۷) و سایر

اقلام است.

یادآوری - برای واژه duct معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۳-۴-۳-۳ مراجعه شود).

۱۳-۴-۳-۳

مجرای تاسیساتی

duct

جزئی (۴-۱-۴-۳) که یک معبر تاسیساتی (۱۲-۴-۳-۳) را تشکیل می‌دهد.

یادآوری - برای واژه duct معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۲-۴-۳-۳ مراجعه شود).

۱۴-۴-۳-۳

مجرا

conduit

لوله (۳-۴-۳-۱۷)، کانال (۳-۴-۳-۱۶) یا تونل (۳-۱-۳-۱۸) که برای انتقال مایعات یا در بر گرفتن سیم‌ها

یا کابل‌های (۳-۴-۴-۵۴) الکتریکی استفاده شود.

۱۵-۴-۳-۳

بالابرد

riser

معبر تاسیساتی (۱۲-۴-۳-۳) یا خط لوله (۳۰-۲-۱-۳) که یک تاسیسات (۱-۴-۳-۳) را با تجهیزات در یک تراز (۳۹-۲-۷-۳) بالاتر متصل می‌کند. یادآوری - برای واژه riser معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۲۷ مراجعه شود).

۱۶-۴-۳-۳

آبرو

channel

معبر روباز برای انتقال یا در بر گرفتن آب است.

۱۷-۴-۳-۳

لوله

pipe

مقطع توخالی (۱۱-۱-۴-۳) دایروی که سیال بتواند از میان آن جریان یابد. یادآوری - در آمریکا برای واژه pipe معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴-۱۱ مراجعه شود).

۱۸-۴-۳-۳

لوله عصبایی

standpipe

لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا برجکی محتوی آب که به حالت قائم بالای زمین (۱-۲-۴-۳) طرح‌ریزی و به یک سامانه توزیع آب متصل می‌شود.

۱۹-۴-۳-۳

چاله آدم‌رو

manhole

بازشوی (۱-۳-۳-۳) مجهز به یک پوشش قابل باز و بسته شدن که به یک شخص اجازه دسترسی به یک خط لوله (۳۰-۲-۱-۳) یا مخزن بسته را می‌دهد.

۲۰-۴-۳-۳

محفظه چاله آدمرو

manhole chamber

محفظه ساخته شده روی یک زهکش (۳۸-۴-۳-۳)، مجرای فاضلاب (۴۱-۴-۳-۳) یا خط لوله (۳۰-۲-۱-۳)، با یک پوشش قابل باز و بسته شدن که به یک شخص اجازه دسترسی می‌دهد.

۲۱-۴-۳-۳

درپوش دسترسی

access cover

صفحه (۱۷-۵-۳-۳) معمولاً لولا شده به یک قاب (۷۰-۱-۳-۳) یا در غیر این صورت قابل برداشته شدن؛ که به یک مخزن، محفظه، آب‌گذر، لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای خدمت‌رسان (۱۱-۴-۲-۳) اجازه دسترسی می‌دهد.

۲۲-۴-۳-۳

درپوش چاله آدمرو

manhole cover

درپوش دسترسی (۲۱-۴-۳-۳) برای یک چاله آدمرو (۱۹-۴-۳-۳) است.

۲۳-۴-۳-۳

اتصال لوله

pipe fitting

جزء (۴-۱-۴-۳) متناسب شده به یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) برای اهدافی نظیر متصل کردن، ایجاد تکیه‌گاه، کنترل کردن یا تغییر جهت جریان یا اندازه منفذ است.

۲۴-۴-۳-۳

درگاه

socket

انتهای یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا اتصال لوله (۲۳-۴-۳-۳) گشاد شده برای ورود انتهای لوله دیگر، اتصال لوله یا لوازم بهداشتی (۸-۴-۳-۳) است.

۲۵-۴-۳-۳

اتصال حلقوی

o-ring joint

اتصال (۳۴-۵-۳-۳) جایی که یک توپی؛ با استفاده از یک حلقه ارتجاعی بین وجوه لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا قطعه وصل شده به لوله‌ها، به داخل یک درگاه (۲۴-۴-۳-۳) متصل می‌شود.

۲۶-۴-۳-۳

اتصال تحت فشار

pressure seal joint

اتصال (۳۴-۵-۳-۳) (پوشش) کلاهکی بدنه که در آن فشار سیال داخلی، بار فشاری روی واشر کلاهکی یا حلقه درزبند فشار را افزایش می‌دهد.

۲۷-۴-۳-۳

پله متحرک

escalator

نیروی رانش پیوسته برای حرکت پله جهت حمل افراد به بالا و پایین است.

۲۸-۴-۳-۳

پیاده‌روی متحرک

escalator

نصب (۳-۴-۳-۳) نیروی رانش برای حمل افراد که در آن کاربر (۱-۶-۳) روی سطحی پیوسته که موازی با راستای حرکت است، در حال حمل است.

۲۹-۴-۳-۳

آسانسور

lift

US: elevator

تجهیزات دائمی بالابری برای کاربرد قرارگیری (۳-۳-۵-۲۳) در ترازهای (۳-۷-۲-۳۹) مشخص است که شامل یک محفظه یا کوبه است که حداقل تا حدی بین هدایت‌گرهای صلب قائم یا بین هدایت‌گرهایی با زاویه انحراف کمتر از ۱۵ درجه از راستای قائم در حرکت است.

۳۰-۴-۳-۳

اطاقک آسانسور

lift car

US: elevator cab

بخشی از یک آسانسور (۳-۳-۴-۲۹) که افراد و/یا سایر بارها را حمل می‌کند.

۳۱-۴-۳-۳

آسانسور باری

goods lift

US: service elevator

آسانسوری (۳-۳-۴-۲۹) که اساساً برای حمل و نقل بارها و کالاها طراحی شده اما افراد را نیز می‌تواند جا دهد.

۳۲-۴-۳-۳

آسانسور مسافری

passenger lift

US: passenger elevator

آسانسوری (۳-۳-۴-۲۹) که اساساً برای حمل و نقل افراد طراحی شده است.

۳۳-۴-۳-۳

آسانسور خدماتی

service lift

US: dumbwaiter

آسانسوری (۳-۴-۳-۳) که اطاقک (۳-۴-۳-۳) آن به دلیل اندازه (۳-۲-۷-۳) داخلی و هدف ساخت (۳-۳-۵-۶) آن برای افراد غیر قابل دسترسی است.

۳۴-۴-۳-۳

تهویه مطبوع

air conditioning

سالم‌سازی هوا که اجازه می‌دهد دما، رطوبت، خلوص و توزیع در داخل یک فضای (۳-۲-۱-۱) بسته به صورت خودکار تنظیم شود.

۳۵-۴-۳-۳

زهکشی

drainage

حذف آب آزاد است.

۳۶-۴-۳-۳

سامانه زهکشی

drainage system

سامانه زهکش‌ها (۳-۴-۳-۳) و کارهای کمکی که محتویاتش را به یک چاه توالت، سامانه فاضلاب (۳-۴-۳-۴۰)، ریزشگاه کننده یا جای دسترسی دیگر حمل می‌کند.

۳-۳-۴-۳۷

زهکشی زمین

land drainage

سامانه مجراهای آب (۳-۳-۴-۱۴)، سازه‌ها (۳-۱-۱-۴) و خاکریزی‌ها (۳-۲-۱-۳) مورد نیاز کنترل ترازهای (۳-۲-۷-۳۹) آب و حفاظت از زمین (۳-۸-۱) شهری و کشاورزی در برابر هر کدام از آب تازه یا آب نمک‌دار یا آرام‌سازی چنین سیلی است.

۳-۳-۴-۳۸

زهکش

drain

مجرای آب (۳-۳-۴-۱۴) معمولاً زیرزمینی یا آبرو (۳-۳-۴-۱۶) که پس‌آب (۳-۸-۱۹)، آب سطحی (۳-۸-۲۳) یا سایر مایعات غیر مورد نیاز را انتقال می‌دهد.

۳-۳-۴-۳۹

باران‌بر

gutter

آبرو (۳-۳-۴-۱۶) برای جمع‌آوری و زهکشی آب باران از یک سقف (۳-۳-۲-۲۱) است.

۳-۳-۴-۴۰

شبکه گنداب

sewerage system

US: sewage system

سامانه گنداب‌روها (۳-۳-۴-۴۱) و کارهای تابعه که محتویات را به یک محل تعیین تکلیف گنداب یا مکان دیگر دورریزی منتقل می‌کند.

۴۱-۴-۳-۳

گندابرو

sewer

خط لوله (۳-۱-۲-۳۰) یا ساخت‌وساز (۳-۳-۵-۶) دیگر، معمولاً زیر زمین که مایعات غیر مورد نیاز را انتقال می‌دهد.

۴۲-۴-۳-۳

گندابرو خلاء

vacuum sewer

گندابروی (۳-۳-۴-۴۱) که تحت فشار منفی (۳-۷-۳-۴۴) عمل می‌کند.

۴۳-۴-۳-۳

ارتباط گندابرو

sewer connection

اتصال یک زهکش (۳-۳-۴-۳۸) با یک گندابرو (۳-۳-۴-۴۱) یا لوله (۳-۳-۴-۱۷) در میان یک محفظه آدمرو (۳-۳-۴-۲۰) و یک گندابرو است.

۴۴-۴-۳-۳

پالایش‌گر

strainer

درگاهی که از ورود ماده جامد به یک لوله (۳-۳-۴-۱۷)، پمپ (۳-۳-۴-۵۰)، شیر (۳-۳-۴-۵۴) یا اندازه‌گیر ممانعت می‌کند.

۴۵-۴-۳-۳

صافی شنی

graded filter

US: filter bed, leaching field

صافی شامل لایه‌های شن درشت، شن ریز، ماسه درشت و ماسه ریز مرتب شده روی یکدیگر طوری که جریان مایع عبوری از میان یک مصالح (۳-۴-۱-۲) آن را به مصالح بعدی نبرد که صافی را مسدود کند.

۴۶-۴-۳-۳

محفظه زهکش

sump

تورفتگی یا محفظه کوچکی که یک مایع به منظور تسهیل دفع، در آن تخلیه می‌شود.

۴۷-۴-۳-۳

آب پاش

sprinkler

وسیله‌ای برای پاشیدن آب تحت فشار از لوله (۳-۳-۴-۱۷) روی یک سطح است.

۴۸-۴-۳-۳

آبگرمکن

hot water system

لوله‌ها (۳-۳-۴-۱۷) و اجزای (۳-۴-۱-۴) وابسته نصب (۳-۳-۴-۳) شده که آب در آنها برای گرم کردن یا تامین آب داغ، گرم می‌شود.

۴۹-۴-۳-۳

دیگ گرمایش

calorifier

US: hot water boiler, hot water tank

آلات استفاده شده برای انتقال گرما به آب در یک ظرف به صورت غیر مستقیم که منبع گرما درون یک لوله (۳-۳-۴-۱۷) غوطه‌ور در آب است.

۵۰-۴-۳-۳

پمپ

pump

وسیله مکانیکی که در یک سیستم بسته فشار تولید می‌کند یا سبب می‌شود که یک سیال به جریان بیفتد.

۵۱-۴-۳-۳

پمپ گریز از مرکز

Centrifugal pump

پمپی (۵۰-۴-۳-۳) که در آن سیال به صورت محوری وارد می‌شود و توسط عمل یک پیش برنده چرخشی، از آن به صورت مماسی تخلیه می‌شود.

۵۲-۴-۳-۳

کلاهک دودکش

cowl

اتصال (۵۴-۵-۳-۳) به یک پایانه مسیر دودرو (۳۶-۳-۳-۳) برای بهبود جریان هوا در مسیر دودرو است.

۵۳-۴-۳-۳

زباله‌دان متحرک

mobile waste container

US: dumpster

ظرف چرخ‌دار برای اندوخت ضایعات (۱۳-۸-۳) است.

۵۴-۴-۳-۳

شیر

valve

GB: cock

وسیله قطع، وصل، تنظیم و هدایت جریان (۴۱-۳-۷-۳) است.

۵۵-۴-۳-۳

شیر توپی

ball valve

شیری (۵۴-۴-۳-۳) است دارای یک توپ ورودی که می‌تواند در محل نشیمن ورودی بچرخد.

۵۶-۴-۳-۳

شیر شناور

float-operated valve

شیری (۵۴-۴-۳-۳) که جریان مایع به داخل یک ظرف را توسط عمل یک بازوی متصل به یک شناور کنترل می‌کند.

۵۷-۴-۳-۳

شیر شناور پرده‌ای

diaphragm float-operated valve

شیر شناوری (۵۶-۴-۳-۳) که در آن بازو، یک پرده را برای کنترل جریان (۴۱-۳-۷-۳) خم می‌کند.

۵۸-۴-۳-۳

شیر دریچه‌ای

flap valve

شیری (۵۴-۴-۳-۳) با یک صفحه (۱۷-۵-۳-۳) لولایی وصل شده در بالا یا صفحه دایروی نصب شده بر روی وجه یک سوراخ که اجازه می‌دهد مایع فقط در یک جهت جریان یابد.

۵۹-۴-۳-۳

شیر تنظیم جریان

flow regulating valve

شیری (۵۴-۴-۳-۳) که یک مجموعه تخلیه (۵۷-۳-۷-۳) را مستقل از فشار برقرار می‌کند.

۶۰-۴-۳-۳

شیر برگشتی

reflux valve

شیر (۵۴-۴-۳-۳) غیر چرخشی که توسط جریان (۴۱-۳-۷-۳) عمل می‌کند.

۶۱-۴-۳-۳

شیر مخلوط

tap

US: faucet

GB: draw-off tap

شیر (۳-۴-۳-۳) دارای قطر کوچک و عملکرد دستی با یک خروجی آزاد که آب از آن کشیده می‌شود.

۶۲-۴-۳-۳

شیر فشار

pressure tapping

ارتباط با یک گرم‌کن آب، که برای الحاق کردن تجهیزات اندازه‌گیری فشار استفاده می‌شود.

۶۳-۴-۳-۳

مجرای برق

electric conduit

مقطع توخالی (۳-۴-۱-۱۱) که سیم‌ها یا کابل‌های (۳-۴-۴-۵۴) برق را محصور کرده و محافظت می‌کند.

۶۴-۴-۳-۳

خط انتقال برق

electricity transmission line

خط کابل‌های (۳-۴-۴-۵۴) برق که بر روی پایه‌ها یا برجک‌های شبکه حمل می‌شوند.

۶۵-۴-۳-۳

مخابرات

telecommunication

انتقال، انتشار یا دریافت نشانه‌ها (۳-۳-۵-۷۹)، علائم، تصاویر و صداهاى ثبت شده یا هر ماهیت فهمیدنی توسط سیم، صدا، نور یا دیگر مفاهیم الکترومغناطیسی است.

۵-۳-۳ سایر قسمت‌ها

۱-۵-۳-۳

پرداخت

finishing

ترمیم و پوشش نهایی سطوح و وجوه مربوطه است.

۲-۵-۳-۳

روکار

finish

سطح حاصل از ترمیم سطح (۳-۱-۵-۳) یا روکش کردن (۳-۱-۵-۳) است. یادآوری - برای واژه finish معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۷-۳-۶۷ مراجعه شود).

۳-۵-۳-۳

مبلمان

furniture

تجهیزات برای استفاده ساکنین که معمولاً به ساختمان (۳-۱-۱-۳) ثابت نشده است. مثال: میزها و صندلی‌ها

۴-۵-۳-۳

عنصر ساختمانی

building element

قسمت عملکردی عمده یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است.

مثال: پی (۳-۱-۳-۳)، کف (۳-۲-۳-۳)، سقف (۳-۲-۳-۳)، تاسیسات (۳-۳-۳-۱)

یادآوری - برای اهداف عملی مانند وقتی که یک تحلیل هزینه یک کار ساخت‌وساز انجام می‌شود، واجب است عناصر ساختمانی دوجانبه، منحصر به فرد منظور شوند تا تضمین شود که هر قسمت فقط و فقط یک بار شمارش گردد.

۵-۵-۳-۳

برهم‌گذاری

assembly

هم‌بندی اجزای (۳-۴-۱-۴) وابسته از طریق پیوستن به یکدیگر است.

۶-۵-۳-۳

ساخت‌وساز

construction

برهم‌گذاری یا تکمیل قسمت‌های آثار ساخت‌وساز (۳-۱-۱-۱) که حاصل کار در کارگاه است. یادآوری- در آمریکا برای واژه construction معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۱-۱ و ۳-۱-۵-۱ مراجعه شود).

۷-۵-۳-۳

ساخت‌وساز مرکب

composite construction

شکلی از ساخت‌وساز (۳-۱-۵-۱) ساخته شده از مصالح (۳-۴-۱-۲) متفاوت، که به صورت واحد تشکیل شده و یکپارچه عمل می‌کند.

۸-۵-۳-۳

لایه ضد آب

damp proof course

US: membrane

لایه یا روکشی (۳-۴-۴-۳) از مصالح (۳-۴-۱-۱) که برای مقاومت در برابر عبور رطوبت، سطح زیرین یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) را می‌پوشاند.

۹-۵-۳-۳

غشای ضد آب

damp proof membrane

لایه یا ورقی (۱۲-۱-۴-۳) از مصالح (۱-۱-۴-۳) جای داده شده در داخل یک سقف (۱۰-۲-۳-۳) یا ساختوساز (۶-۵-۳-۳) مشابه، یا به صورت قائم در داخل یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) برای ممانعت از عبور رطوبت است.

۱۰-۵-۳-۳

چفته

throat

US: groove at dripnose

شیار داخل یک سطح زیرین که مانع فرار آب از عرض آن می‌شود.

۱۱-۵-۳-۳

درز رطوبتی

check throat

شیاری برای ممانعت از جذب آب مویینگی به داخل فضای باریک یا اتصال بین دو عضو مجاور هم است.

۱۲-۵-۳-۳

دال

slab

GB: pavior

جزء (۴-۱-۴-۳) نازک تخت یا شکل‌دار معمولاً بزرگ‌تر از ۳۰۰ میلی‌متر مربع که برای تشکیل یک پوشش یا برجستگی یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) استفاده می‌شود.

۱۳-۵-۳-۳

بنایی

masonry

ساختوساز (۶-۵-۳-۳) سنگی (۴-۲-۴-۳)، آجری (۵۰-۴-۴-۳) یا بلوکی (۹-۱-۴-۳) است.

۱۴-۵-۳-۳

سنگ‌کاری

stonework

بنایی (۱۳-۵-۳-۳) سنگی (۴-۲-۴-۳) که ممکن است کار شده، چیده شده یا به یکدیگر محکم شده، باشد یا نباشد.

۱۵-۵-۳-۳

آجرکاری

brickwork

بنایی (۱۳-۵-۳-۳) آجری (۵۰-۴-۴-۳) چیده شده و با ملات (۲۶-۴-۴-۳) به یکدیگر محکم شده است.

۱۶-۵-۳-۳

کرسی

plinth

برجستگی یا تورفتگی در بستر ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳)، نظیر یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳)، ستون (۱۰-۱-۳-۳) یا بنا، برای بالا بردن تجهیزات بالای تراز (۳۹-۲-۷-۳) کف (۱۰-۲-۳-۳) است.

۱۷-۵-۳-۳

صفحه

plate

محصول (۳-۱-۴-۳) فلزی تخت صلب نازک با ضخامتی (۷۹-۲-۷-۳) بزرگ‌تر از ضخامت یک ورق (۱۲-۱-۴-۳) است.

۱۸-۵-۳-۳

بال

flange

قسمت معمولاً نازک یک عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) که به صورت پیوسته از یک یا دو طرف یک مقطع (۱۰-۱-۴-۳) عضو در انتها یا دو انتهای آن ایجاد شده است.

۱۹-۵-۳-۳

جان

web

بخش نازک یا نسبتا نازک یک عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) با مقطع عرضی «I»، «L»، «U» یا «T» در صفحه
باربر اصلی است.

۲۰-۵-۳-۳

نجاری

joinery

US: cabinetry, unfinished/finished millwork

همبندی (۵-۵-۳-۳) اجزای (۴-۱-۴-۳) کار شده چوبی (۲-۳-۴-۳) و پانل‌های پایه چوب (۲۶-۳-۴-۳)
بجز چوب سازه‌ای یا نمایوش (۴۳-۲-۳-۳) همراه با قالب‌های مرتبط استفاده شده به عنوان عضوهای پایانی
مانند قالب‌گذاری (۷۱-۵-۳-۳)، قرنیز (۷۲-۵-۳-۳)، تخته‌ها و آبچک‌های در (۴-۲-۳-۳) است.

۲۱-۵-۳-۳

درودگری

carpentry

چوب‌کاری سازه‌ای است.

۲۲-۵-۳-۳

پلکان

stair

GB: staircase

ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) شامل یک توالی از ردیف‌های افقی که امکان عبور پیاده به ترازهای (۳۹-۲-۷-۳)
دیگر را فراهم می‌کند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱-۱-۲ استاندارد EN 14076:2013- تغییرات: عبارت «پله‌ها یا پاگردها» حذف
شد.]

۲۳-۵-۳-۳

پاگرد

landing

سکو یا قسمتی از یک کف (۳-۳-۲-۱۰) در انتهای یک بازوی پله (۳-۳-۵-۲۶) یا سکوی شیب‌دار (۳-۳-۵-۳۳) یا سطح ایجاد دسترسی به یک اطاقک آسانسور (۳-۳-۴-۳۰) در هر تراز استفاده است.

۲۴-۵-۳-۳

پاگرد میان طبقه

intermediate landing

پاگرد (۳-۳-۵-۲۳) بین بازوهای پله (۳-۳-۵-۲۶) است.

۲۵-۵-۳-۳

پله

step

رویه افقی برای تکیه‌گاه پا و یک رویه قائم یا فضایی که حاصل آنها تغییر در تراز است.

۲۶-۵-۳-۳

بازوی پله

flight

توالی مجموعه پله‌ها (۳-۳-۵-۲۵) بین دو تراز است.

۲۷-۵-۳-۳

پیشانی پله

riser

جزء (۳-۴-۱-۴) قائم یک پله بین یک کف پله (۳-۳-۵-۲۹) و کف پله بعدی یا یک پاگرد بالا یا پایین آن است.

یادآوری - برای واژه riser معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴-۱۵ مراجعه شود).

۲۸-۵-۳-۳

شمشیری پله

string

US: stringer

جزء (۴-۱-۴-۳) مایلی که تکیه‌گاه کفپله (۲۹-۵-۳-۳) و پیشانی پله (۲۷-۵-۳-۳) است.
[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۵-۵ استاندارد EN 14076:2013]

۲۹-۵-۳-۳

کفپله

tread

جزء (۴-۱-۴-۳) افقی یک پله (۲۵-۵-۳-۳) است.

۳۰-۵-۳-۳

دماغه پله

nosing

بخش لبه جلویی یک کفپله (۲۹-۵-۳-۳) یا پاگرد (۲۳-۵-۳-۳) که معمولاً بر بالای پیشانی پله (۲۷-۵-۳-۳) برجسته می‌شود.

۳۱-۵-۳-۳

شمشیری چشم پله

outer string

US: inside stringer

شمشیری پله (۲۸-۵-۳-۳) که مجاور یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) نباشد.

۳-۳-۵-۲۲

شمشیری دیوار پله

wall string

US: wall stringer

شمشیری پله (۳-۳-۵-۲۸) که مجاور یک دیوار (۳-۳-۲-۴۶) باشد.

۳-۳-۵-۳۳

معبّر شیب‌دار

ramp

ساخت‌وساز (۳-۳-۵-۶) مایلی که دسترسی بین دو تراز (۳-۳-۷-۳۹) را فراهم می‌کند.

۳-۳-۵-۳۴

اتصال

joint

US: connection

ساخت‌وساز (۳-۳-۵-۶) متشکل از دو یا بیشتر از قسمت‌های محصول (۳-۳-۱-۳)، اجزا (۳-۳-۱-۴) یا برهم‌گذاری (۳-۳-۵-۵)، وقتی که به یکدیگر پیوسته، ثابت یا واحد شده باشند. یادآوری - برای واژه joint معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۳۵ مراجعه شود).

۳-۳-۵-۳۵

درز

joint

ناپیوستگی در آثار ساخت‌وساز (۳-۳-۱-۱) در جایی که محصولات (۳-۳-۱-۳) مجاور، اجزا یا برهم‌گذاری‌ها (۳-۳-۵-۵) به یکدیگر پیوسته، ثابت یا واحد شده باشند. یادآوری - برای واژه joint معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۳۴ مراجعه شود).

۳-۳-۵-۲۶

سطح تماس اتصال

joint contact surface

قسمتی از یک رویه نیمرخ اتصال (۳-۳-۵-۳۹) یک جزء (۳-۴-۱-۴) که برای تماس با یک محصول اتصال (۳-۳-۵-۹۷) یا جزء دیگری در نظر گرفته می‌شود.

۳-۳-۵-۳۷

وجه اتصال

joint face

قسمت/های یک رویه نیمرخ اتصال (۳-۳-۵-۳۹) طراحی شده و تولید شده برای برقراری مناسب نصب است.

۳-۳-۵-۳۸

نیمرخ اتصال

joint profile

قسمتی از مقطع عرضی یک جزء (۳-۴-۱-۴) که در شکل‌گیری یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) مشارک می‌کند. یادآوری - یک جفت اجزای مجاور ممکن است نیمرخ‌های مکملی جهت تسهیل پیوند آنها داشته باشند.

۳-۳-۵-۳۹

سطح نیمرخ اتصال

joint profile surface

رویه یک جزء (۳-۴-۱-۴) که در شکل‌گیری یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) مشارکت می‌کند.

۳-۳-۵-۴۰

صفحه اصلی اتصال

joint reference plane

صفحه مرجع فرضی که موقعیت اجزای (۳-۴-۱-۴) نیمرخ‌های اتصال که یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) را شکل می‌دهند و/یا سایر محصولات اتصالی (۳-۳-۵-۹۷) مرتبط که ممکن است تعیین شده باشند، وابسته به آن است.

یادآوری - یک صفحه اصلی اتصال ممکن است با یک صفحه هماهنگ‌کننده یا یک صفحه اندازه‌دار (۳-۷-۲-۴۶) منطبق باشد.

۳-۳-۵-۴۱

پله اتصال

joint step

تفاوت در صفحه بین وجوه اجزایی (۳-۴-۱-۴) که یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) را محدود می‌کند.

۳-۳-۵-۴۲

صفحه اتصال

joint surface

رویه قابل مشاهده یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) است.

۳-۳-۵-۴۳

چاک اتصال

joint gap

فضای (۳-۲-۱-۱) ممتد بین دو جزء (۳-۴-۱-۴) که ضلع به ضلع یا یکی روی دیگری را بعد از نصبشان صرفنظر از اینکه این فضا با یک محصول اتصالی (۳-۳-۵-۹۷) پر شود یا نشود، تنظیم می‌کند.

۳-۳-۵-۴۴

زمینه اندودی

plastering background

US: plastering base connection

GB: backings

سازه‌ای (۳-۳-۱-۲) که اندود (۳-۴-۴-۲۷) شده یا قطعات ریخته‌گری اندود الیافی به آن ثابت شده است.

۴۵-۵-۳-۳

یراق آلات

building hardware

US: fixings, hardware

قفل‌ها (۴۹-۵-۳-۳)، ابزارهای پیوند (۸۴-۵-۳-۳) و چفت‌وبست‌ها (۵۴-۵-۳-۳) هستند.

۴۶-۵-۳-۳

تویی

cylinder

وسیله معمولاً جداگانه اما با کارکرد مرتبط که با قفل میله‌ای (۵۲-۵-۳-۳) یا کشویی (۵۱-۵-۳-۳) به هم وابسته‌اند و شامل قسمت‌های گردشی با کلید (۵۰-۵-۳-۳) است.

۴۷-۵-۳-۳

یراق در

door furniture

US: door hardware

چفت‌وبست‌هایی (۵۴-۵-۳-۳) برای یک در (۳-۳-۳-۳) هستند.

۴۸-۵-۳-۳

یراق پنجره

window furniture

US: window hardware

چفت‌وبست‌هایی (۵۴-۵-۳-۳) برای یک پنجره (۵-۳-۳-۳) هستند.

۴۹-۵-۳-۳

قفل

fastener

US: lock

جزء (۴-۱-۴-۳) استفاده شده برای باز کردن، بستن و محکم کردن یک در (۳-۳-۳-۳)، پنجره (۵-۳-۳-۳)، دریچه (۲۵-۳-۳-۳)، دروازه یا کشو است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه lock معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۳-۳ و ۳-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۵۰-۵-۳-۳

کلید

key

وسیله قابل برداشتن و حمل دستی، استفاده شده برای گردش یک قفل (۴۹-۵-۳-۳) یک در (۳-۳-۳-۳)، پنجره (۵-۳-۳-۳)، دریچه (۲۵-۳-۳-۳)، دروازه یا کشو است.

یادآوری - برای واژه key معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۷-۳-۳ مراجعه شود).

۵۱-۵-۳-۳

کشویی

latch

قفل (۴۹-۵-۳-۳) خودکار با یک جزء (۴-۱-۴-۳) قابل انتقال که در وضعیت بسته، محکم شده و می‌تواند با دست آزاد شود.

۵۲-۵-۳-۳

قفل میله‌ای

lock

قفل (۴۹-۵-۳-۳) با یک جزء (۴-۱-۴-۳) قابل انتقال که در وضعیت بسته در داخل یک حفره، محکم شده و از این طریق احتمال ورود نخواستہ را کاهش می‌دهد.

یادآوری ۱- برای واژه lock معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۳ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه lock معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۳-۳ و ۳-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۵۳-۵-۳-۳

قفل کشویی

latch lock

US: latch set

قفلی (۵۲-۵-۳-۳) که ترکیبی از یک حالت یک کشویی (۵۱-۵-۳-۳) است که به وسیله یک دستگیره و یک قبضه عمل می‌کند.

۵۴-۵-۳-۳

چفت‌وبست

fitting

جزء (۴-۱-۴-۳) کوچک بجز یک قفل (۴۹-۵-۳-۳) که برای هدف ویژه به یک جزء اولیه، ثابت شده است.

۵۵-۵-۳-۳

بست کاشی

tile fitting

جزء (۴-۱-۴-۳) کاشی‌کاری استفاده شده برای عوض کردن صفحه رویه لعابی است.

۵۶-۵-۳-۳

ملحقات بهداشتی

tile accessory

US: toilet accessory, bathroom accessory

طاقچه، نیم‌طاقچه یا تکه با سطح ثابت که معمولاً در ماده (۶-۲-۳-۳) و اندازه (۲-۲-۷-۳) مشخص شده، با کاشی‌های پیرامونی احاطه شده است.
مثال: جاصابونی، جای دستمال‌توالت

۵۷-۵-۳-۳

درزبند

seal

جزء (۴-۱-۴-۳) به طور مناسب قرار داده شده در داخل یک اتصال (۳۴-۵-۳-۳) برای ممانعت از عبور غبار، رطوبت و گاز است.

۵۸-۵-۳-۳

درزپوش

flashing

نواری (۱۴-۱-۴-۳) از یک ورق (۱۲-۱-۴-۳) غیر قابل نفوذ از یک ماده (۱-۱-۴-۳) که یک درز (۳۵-۵-۳-۳) را معمولا از ورود آب باران محافظت می‌کند.

۵۹-۵-۳-۳

قید

batten

مقطع (۱۰-۱-۴-۳) کوچک معمولا از چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) که به لوح‌ها، کاشی‌ها (۶-۲-۳-۳)، روکوب‌ها (۲-۲-۳-۳) و دیگر ورق‌ها (۱۲-۱-۴-۳) ثابت می‌شود. یادآوری - در آمریکا و استرالیا برای واژه batten معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۶۰ مراجعه شود).

۶۰-۵-۳-۳

زهوار

cover fillet

AU, US batten

مقطع (۱۰-۱-۴-۳) کوچک معمولا از چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) که برای پوشاندن یک درز (۳۵-۵-۳-۳) استفاده می‌شود. یادآوری - در آمریکا و استرالیا برای واژه batten معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۵-۵۹ مراجعه شود).

۶۱-۵-۳-۳

قید تیری

counter batten

قید (۵۹-۵-۳-۳) میخ شده موازی با تیرهای شیب‌دار (۴۳-۱-۳-۳) روی یک سقف (۲۱-۲-۳-۳) تخته‌پوش یا نمدپوش شده است.

۶۲-۵-۳-۳

زیربند

cradling

قطعات ثابت‌کننده الحاقی به یک سازه (۲-۱-۳-۳) برای جا دادن غلافها (۶۳-۵-۳-۳) یا روکوبها (۲-۲-۳-۳) است.

۶۳-۵-۳-۳

غلاف

casing

ماده (۱-۱-۴-۳) یا جزء (۴-۱-۴-۳) استفاده شده برای پوشش و محافظت یک عضو سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) یا قسمتی از یک نصب (۳-۴-۳-۳) است. یادآوری - در آمریکا برای واژه casing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱۹-۳-۳-۳ مراجعه شود).

۶۴-۵-۳-۳

دستک

bracket

تکیه‌گاهی که به صورت افقی از یک سطح قائم پیش آمده است.

۶۵-۵-۳-۳

ناودانی حامل

gutter bearer

عضو افقی که تخته‌های ناودانی یک ناودان حفاظ (۶۴-۲-۳-۳) یا ناودان دره‌ای (۴۱-۲-۳-۳) به آن ثابت می‌شوند.

۶۶-۵-۳-۳

زمینه

ground

نواری (۱۴-۱-۴-۳) از چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) که به یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) یا پس‌زمینه دیگری ثابت شده و یک قرنیز (۷۲-۵-۳-۳)، زه‌پوش (۷۱-۵-۳-۳)، روکوب بازشو (۳۰-۳-۳-۳) یا جزء (۴-۱-۴-۳) مشابه، بتواند به آن محکم شود.

یادآوری - برای واژه ground معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱-۲-۴-۳ مراجعه شود).

۶۷-۵-۳-۳

تخته لبه‌بند

fascia board

تخته ثابت شده به انتهاهای تیر شیب‌دار (۳-۳-۱-۴۳)، نشیمن‌گاه دیوار (۳-۳-۱-۵۶) یا نمای دیوار (۳-۳-۲-۴۶) در محل ابروها (۳-۳-۲-۳۸) است. یادآوری - در آمریکا برای واژه fascia board معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۲-۳۷ مراجعه شود).

۶۸-۵-۳-۳

پیرایه

trim

مقطع (۳-۳-۱-۱۰) کوچک استفاده شده در پرداخت‌ها (۳-۳-۱-۵) که معمولاً برای پوشش یک درز (۳-۳-۵-۳۵) است.

۶۹-۵-۳-۳

خاری

bead

محصول اتصال (۳-۳-۵-۹۷) کوچک استفاده شده در یک درز (۳-۳-۵-۳۵) برای نگه داشتن یک تابلو (۳-۳-۲-۵۱) در یک وضعیت؛ یا یک بتونه (۳-۳-۴-۳۵) یا درزبندی ترکیبی به کار رفته برای یک درز است.

۷۰-۵-۳-۳

گلویی

cove

GB: coving

قالب‌ریزی کاو یا جای‌گذاری مناسب در زاویه داخلی بین دو صفحه است.

۷۱-۵-۳-۳

زه‌پوش

architrave

US: molding

زهوار (۳-۳-۵-۶۰) دور یک بازشو (۳-۳-۱-۱) است.

۷۲-۵-۳-۳

قرنیز

skirting

US: footmold

نوار (۱۴-۱-۴-۳) پوششی قرار داده شده روی سطح یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) در مجاورت کف (۱۰-۲-۳-۳) است.

۷۳-۵-۳-۳

ازاره

dado

US: wainscoat

پوشش تابلویی یا دکوری روی قسمت پایین تر یک دیوار (۴۶-۲-۳-۳) داخلی بالای قرنیز (۷۲-۵-۳-۳) است.

۷۴-۵-۳-۳

هسته

core

عنصر میانی یک محصول (۳-۱-۴-۳) یا سازه (۲-۱-۳-۳) است.

۷۵-۵-۳-۳

شکاف

chase

برش پسرفته به داخل یک ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) برای تطبیق با تاسیسات (۱-۴-۳-۳) است.

۷۶-۵-۳-۳

زیرطاق

soffit

GB: soffite

بیرون زدگی افقی یا شیب‌دار زیرسطح هر شکل از آثار ساخت‌وساز (۱-۱-۱-۳) است.

۷۷-۵-۳-۳

پرده

curtain

درپوش قابل حرکت یا حفاظ کرکره‌ای (۳-۳-۳-۲۵) یا قسمت متحرک وابسته به آن، متشکل از پارچه، یک تابلو یا مجموعه‌ای از لوحه‌ها است.

۷۸-۵-۳-۳

دیوارپوش

wall-covering

US: wallpaper

ماده (۳-۴-۱-۱) تهیه شده به صورت نوارهایی (۳-۴-۱-۱۴) به شکل طاقه جهت نصب روی دیوارها (۳-۳-۲-۴۶) یا سقف‌پوش‌ها (۳-۳-۲-۱۸) با استفاده از یک چسب است.

۷۹-۵-۳-۳

علامت

sign

پیام ارسالی با استفاده از رسانه تصویری یا متنی یا هر دو است. یادآوری - برای واژه sign معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۸۰ مراجعه شود).

۸۰-۵-۳-۳

علامت خوان

sign

وسیله‌ای که یک پیام (۳-۵-۷۹) روی آن ارسال می‌شود. یادآوری - برای واژه sign معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۷۹ مراجعه شود).

۸۱-۵-۳-۳

نشانه‌گذاری جاده

road marking

خط، نماد یا نشانه دیگر روی سطح یک جاده (۳-۱-۳-۱) برای منظم کردن، هشدار، هدایت یا آگاه کردن کاربران (۳-۶-۱) است.

۸۲-۵-۳-۳

نبش

arris

US: crest

زاویه خارجی تیز که به وسیله تقاطع دو صفحه شکل می‌گیرد.

۸۳-۵-۳-۳

پخ

chamfer

نبش (۸۲-۵-۳-۳) گرد یا مایل است.

۸۴-۵-۳-۳

ابزار پیوند

fastening

US: fastener

وسیله اتصال مکانیکی که یک جزء (۳-۴-۱-۴) را به جزء دیگر ثابت می‌کند.

۸۵-۵-۳-۳

میل‌مهار

bolt

ابزار پیوند (۳-۴-۵-۸۴) متشکل از یک میله (۳-۴-۱-۸) فلزی استوانه‌ای با یک رزوه مارپیچی در یک انتهای آن است.

۸۶-۵-۳-۳

پرچین

fence

ساخت‌وساز (۳-۴-۵-۶) قائم غیر برابر معمولاً سبک وزن که محوطه بیرونی را محدود یا به زیربخش‌هایی تقسیم می‌کند.

۸۷-۵-۳-۳

پرچین سیمی بافتی

chain link fence

پرچین (۸۶-۵-۳-۳) چشمه‌دار که سیم‌ها در آن درهم‌بافته می‌شوند.

۸۸-۵-۳-۳

پرچین چشمه‌دار جوشی

welded mesh fence

پرچین (۸۶-۵-۳-۳) چشمه‌دار که سیم‌ها در آن در هر نقطه تلاقی، جوش می‌شوند.

۸۹-۵-۳-۳

گیره

dog

US: clamp, iron dog

میله (۷-۱-۴-۳) فلزی با انتهای لبه‌دار است که برای میخ‌کوبی چوب‌های ساختمانی (۲-۳-۴-۳) بزرگ به هم، دو انتهایش با زاویه‌های قائمه منتهی به میله خم شده و در همان جهت لبه‌دار می‌شوند.

۹۰-۵-۳-۳

میخ

nail

ابزار پیوندی (۸۴-۵-۳-۳) فلزی باریک مستقیم که معمولاً دارای نوک تیز و کله است.

۹۱-۵-۳-۳

ریزمیخ

pin

US: brad

میخ (۹۰-۵-۳-۳) کوچک است.

۹۲-۵-۳-۳

گل میخ

spike

میخ (۹۰-۵-۳-۳) بزرگ است.

۹۳-۵-۳-۳

بست دوپایه

staple

ابزار پیوندی (۸۴-۵-۳-۳) فلزی «U» شکل برای کوبیدن در محل است.

۹۴-۵-۳-۳

پیچ

screw

ابزار پیوندی (۸۴-۵-۳-۳) فلزی مستقیم که معمولا دارای نوک تیز و کله، با یک ساق کشیده مارپیچی و کله دندانه‌دار است.

۹۵-۵-۳-۳

پیچ آچارخور

coach screw

US: lagscrew, lagbolt

ابزار پیوندی (۸۴-۵-۳-۳) فلزی مستقیم با یک ساق کشیده مارپیچی و یک کله مربعی یا شش ضلعی است.

۹۶-۵-۳-۳

صفحه اتصال میخ‌دار

gangnail connector plate

US: metal plate connector, truss plate

ابزار پیوندی (۸۴-۵-۳-۳) متشکل از یک صفحه (۱۷-۵-۳-۳) با پیش‌آمدگی‌های دندانه‌ای کامل، معمولا از یک طرف صفحه، عمود یا تقریبا عمود بر سطح صفحه است.

۹۷-۵-۳-۳

ملزومات اتصال

jointing product

محصول (۳-۱-۴-۳) مورد استفاده برای متصل نمودن اجزای (۴-۱-۴-۳) یک اتصال (۳۴-۵-۳-۳) است.

۹۸-۵-۳-۳

فاصله انداز

spacer

جزء (۴-۱-۴-۳) کوچک مورد استفاده در یک فاصله برای حفظ پهنای فاصله از قبل تعیین شده است.

۹۹-۵-۳-۳

درز کام و زبانه

keyed joint

US: tongue and groove joint, keyway

درز (۳۵-۵-۳-۳) حاصل از جای‌گیری مناسب زبانه یک محصول (۳-۱-۴-۳) در داخل کام محصول مجاور آن است.

۱۰۰-۵-۳-۳

قطعه سنگ فرش

sett

US: pavement stone

GB: causeway sett

بلوک (۹-۱-۴-۳) کوچک سنگی (۴-۲-۴-۳) با طرح‌ریزی مستطیلی مورد استفاده برای تشکیل یک سطح سنگ‌فرش شده است.

۳-۴ اصطلاحات مربوط به مواد و مصالح^۱

۳-۴-۱ اصطلاحات پایه

۳-۴-۱-۱

ماده

material

محصول تولیدی به شکل مایع، خمیری یا پودر است.
یادآوری - برای واژه material معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۱-۲ مراجعه شود).

۳-۴-۱-۲

مصالح

material

جسمی که می‌توان از آن برای ایجاد محصولات (۳-۴-۱-۳) یا آثار ساخت‌وساز (۳-۴-۱-۱) استفاده کرد.
یادآوری - برای واژه material معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۱-۱ مراجعه شود).

۳-۴-۱-۳

محصول

product
construction product

فقره تولیدشده برای استفاده در آثار ساخت‌وساز (۳-۴-۱-۱) است.
یادآوری - جایی که اطلاعات (۳-۴-۱-۲) (۳-۴-۱-۲) مربوط به حوزه‌های مختلف شامل ساخت‌وساز (۳-۴-۱-۲) باشد اغلب از اصطلاح رایج محصول ساختمانی استفاده می‌شود.

۳-۴-۱-۴

جزء

component

فقره و جنبه فیزیکی نام‌گذاری شده و منحصر برنامهریزی شده که ممکن است در طی مرحله استفاده نیازمند مدیریت نظیر بازرسی، تعمیر، نگهداری یا تعویض باشد.

1- Terms relating to materials

۵-۱-۴-۳

ماده تجزیه پذیر زیستی

biodegradable material

مصالح (۲-۱-۴-۳) با قابلیت تجزیه شدن توسط جانداران ذره‌بینی است.

۶-۱-۴-۳

شیشه

glass

ماده‌ای (۲-۱-۴-۳) که با ذوب جسم غیرآلی ایجاد می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۶-۲ استاندارد ISO 13666:2012- تغییرات: یادآوری حذف شده]

۷-۱-۴-۳

تسمه

bar

مقطع (۱۰-۱-۴-۳) صلب که معمولاً مستقیم و فلزی است.

۸-۱-۴-۳

میله‌گرد

rod

مقطع (۱۰-۱-۴-۳) گرد صلب توپر کوچک که معمولاً فلزی است.

۹-۱-۴-۳

بلوک

block

واحد بنایی (۴۹-۴-۴-۳) که اندازه (۲-۲-۷-۳) آن در همه ابعاد (۱-۲-۷-۳) از آجر (۵۰-۴-۴-۳) بزرگ‌تر است.

۱۰-۱-۴-۳

مقطع

section

محصولی (۳-۱-۴-۳) که معمولا با فرایند (۳-۲-۵-۳) پیوسته به صورت مقطع عرضی خاصی که نسبت به طول (۳-۲-۷-۳) آن کوچک است، شکل داده می‌شود.

۱۱-۱-۴-۳

لوله

tube

US: pipe

مقطع (۱۰-۱-۴-۳) توخالی است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه tube معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴-۱۷ مراجعه شود).

۱۲-۱-۴-۳

ورق

sheet

محصولی (۳-۱-۴-۳) با طول (۱۰-۲-۷-۳) ثابت و عرض (۸-۲-۷-۳) بزرگ‌تر از ۴۵۰ میلی‌متر و ضخامت (۳-۲-۷-۴۹) از ۰٫۱۵ تا ۱۰ میلی‌متر است.

۱۳-۱-۴-۳

ورقه‌ای

sheeting

محصولی (۳-۱-۴-۳) با طول (۱۰-۲-۷-۳) پیوسته و عرض (۸-۲-۷-۳) بزرگ‌تر از ۴۵۰ میلی‌متر و ضخامت (۳-۲-۷-۴۹) از ۰٫۱۵ تا ۱۰ میلی‌متر است.

۱۴-۱-۴-۳

نوار

strip

محصولی (۳-۱-۴-۳) نسبتا بلند، باریک و تخت است.

۱۵-۱-۴-۳

زورق

foil

مصالح (۲-۱-۴-۳) فلزی با هر طول (۱۰-۲-۷-۳) یا عرض (۸-۲-۷-۳) و ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) حداکثر ۰/۱۵ میلی‌متر است.

۱۶-۱-۴-۳

چندلایی

laminated

ترکیب دو یا چند لایه از مصالح (۲-۱-۴-۳) که در فرایند تولید به یکدیگر پیوند شده‌اند تا یک فشره یا محصول (۳-۱-۴-۳) واحد تولید کنند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۳-۱-۳ استاندارد ISO 9229:2007- تغییرات: عبارت «لایه مصالح» جایگزین کلمه «مصالح» شده است.]

۱۷-۱-۴-۳

ژل

gel

سامانه کلوئیدی با ماهیت نیمه جامد که از یک جامد معلق در آب تشکیل شده است.

۱۸-۱-۴-۳

گریس

grease

جسمی از منشاء نباتی یا حیوانی یا هردو با چگالی (۵۰-۳-۷-۳) کمتر از ۰/۹۵، گرم بر سانتی‌متر مکعب که کاملاً یا تا حدی غیر محلول و قابل صابونی شدن است.

۱۹-۱-۴-۳

حلال

solvent

آب یا مایع آلی دیگر، معمولاً فرار، که برای حل کردن یا زدودن مواد فیلم ساز استفاده می‌شود.

۲۰-۱-۴-۳

بستر

substrate

سطحی که ماده (۱-۱-۴-۳) یا محصول (۳-۱-۴-۳) به آن اعمال می‌شود.

۲۱-۱-۴-۳

شیشه‌کاری

glazing

پرکردن (۱-۲-۳-۳) داخل یک در (۳-۳-۳-۳)، پنجره (۵-۳-۳-۳) یا دیگر بازشوها (۱-۳-۳-۳) که نور را می‌پذیرد اما در برابر عبور هوا یا سایر عناصر مقاومت می‌کند.

یادآوری - برای واژه glazing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۵-۲۹ مراجعه شود).

۲-۴-۳ خاک و سنگ^۱

۱-۲-۴-۳

زمین کف

ground

خاک (۲-۲-۴-۳)، صخره و خاکریزی (۹-۴-۴-۳) که قبل از اجرای آثار ساخت‌وساز (۱-۱-۱-۳) در محل وجود دارند.

یادآوری - برای واژه ground معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۵-۶۶ مراجعه شود).

۲-۲-۴-۳

خاک

soil

US: earth

مصالح (۲-۱-۴-۳) معدنی که حاصل فرسایش (۷۰-۳-۷-۳) سنگ یا پوسیدن گیاهان است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه tube معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۴-۱۷ مراجعه شود).

۳-۲-۴-۳

سنگ طبیعی

natural stone

سنگ مورد استفاده در ساخت و ساز (۳-۳-۵-۶) و برای یادمان‌ها است.

۴-۲-۴-۳

سنگ

stone

بلوک‌های (۳-۴-۱-۹) منفرد، توده‌ها یا قطعات که برای استفاده تجاری، از محل اصلی خود در زمین جدا شده‌اند.

۵-۲-۴-۳

گچ

gypsum

سولفات کلسیم در مرحله واکنش کامل با آب است.

یادآوری - از آن برای تولید چسباننده‌ها (۳-۴-۴-۱۴) استفاده می‌شود.

۳-۴-۳ چوب و چوب ساختمانی^۱

۱-۳-۴-۳

چوب

wood

جسم لیگنوسلولوزیک^۲ بین مغز (۳-۴-۳-۴) و پوسته (۳-۳-۴-۳) یک درخت یا درختچه است.

یادآوری - اصطلاحات چوب و چوب ساختمانی (۳-۴-۳-۲) به صورت بین‌المللی اغلب بجای یکدیگر و برای توضیح مصالح (۳-۴-۱-۲) اصلی مورد استفاده برای شکل‌گیری محصولات چوبی است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱ استاندارد ISO 24294:2013 - تغییرات: یادآوری ۱ حذف شد و یادآوری ۲ باقی‌مانده و به صورت یادآوری جدید ۱ می‌شود.]

۲-۳-۴-۳

چوب ساختمانی

timber

چوب (۱-۳-۴-۳) به شکل درخت‌های ایستاده یا افتاده یا یک محصول چوبی ساخته شده از آنها پس از تبدیل است.

یادآوری ۱- در خصوص مصالح تبدیل شده، واژه چوب ساختمانی برای ارجاع به محصولات چوبی معین نظیر تابلوهای پایه-چوب (۲۶-۳-۴-۳)، خمیر چوب، خرده‌چوب‌ها یا خاکاره استفاده نمی‌شود.

یادآوری ۲- در آمریکای شمالی جایی که اصطلاح چوب ساختمانی برای ارجاع به یک محصول (۳-۱-۴-۳) مورد استفاده نهایی به کار می‌رود عموماً به چوب اره‌ای (۱۸-۳-۴-۳) اطلاق می‌شود که ۱۴۴ میلی‌متر یا بیشتر ضخامت (۳-۷-۲-۴۹) دارد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۳ استاندارد ISO 24294:2013- تغییرات: عبارت «تولید چوبی» جایگزین کلمه «تولید» شد و جمله «برای واژه چوب ساختمانی در آمریکای شمالی و در انگلیسی معنای دیگری وجود دارد. به زیربند ۵-۶ مراجعه شود» از یادآوری ۲ حذف شده است و یادآوری ۳ نیز حذف شده است.]

۳-۳-۴-۳

پوست درخت

bark

پوشش بیرونی ساقه و شاخه‌های یک درخت است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۹ استاندارد ISO 24294:2013]

۴-۳-۴-۳

مغز درخت

pith

US: heart centre

ناحیه داخل حلقه اول رشد که عمدتاً از بافت نرمی تشکیل شده است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۹-۱۴ استاندارد ISO 24294:2013]

۵-۳-۴-۳

سخت‌چوب

hardwood

چوب (۱-۳-۴-۳) درختان از گروه گیاهان دولپه‌ای^۱ است.

1- Dicotyledonae

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۴ استاندارد ISO 24294:2013]

۳-۴-۳-۶

نرم چوب

softwood

چوب (۳-۴-۳-۱) درختان از گروه گیاهان بازدانگان^۱ است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۵ استاندارد ISO 24294:2013]

۳-۴-۳-۷

درشت بافت

coarse texture

بافت در گرده (۳-۴-۳-۲۲) با یاخته‌های نسبتاً بزرگ و یا حلقه‌های رشد نامنظم پهن یا ترکیبی از هر دو است.

یادآوری - برای محدودیت‌های این موارد به مقررات مربوط به رده‌بندی مراجعه شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱۰-۱۴ استاندارد ISO 24294:2013]

۳-۴-۳-۸

ریز بافت

Fine texture

بافتی در چوب اره‌ای (۳-۴-۳-۱۸) با یاخته‌های کوچک یا حلقه‌های رشد نسبتاً باریک و منظم یا هردو است.

یادآوری - برای محدودیت‌های این موارد به مقررات مربوط به رده‌بندی مراجعه شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱۱-۱۲ استاندارد ISO 24294:2013 - تغییرات: یادآوری ۱ حذف شده است.]

۳-۴-۳-۹

بر

face

هر کدام از سطوح متقابل طولی چوب اره‌ای (۳-۴-۳-۱۸) یا هر سطح طولی چارتراش (۳-۴-۳-۲۵) با مقطع عرضی مربعی است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه face معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۳-۲۹ مراجعه شود).

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱۸ استاندارد ISO 24294:2013 - تغییرات: یادآوری ۱ اضافه شده است.]

۱۰-۳-۴-۳

بر درونی

inside face

بر (۳-۴-۳-۹) نزدیک‌تر به مغز درخت (۳-۴-۳-۴) است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱۸-۲ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۱-۳-۴-۳

بر بیرونی

outside face

بر (۳-۴-۳-۹) دورتر از مغز درخت (۳-۴-۳-۴) است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱۸-۱ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۲-۳-۴-۳

دیرک

long pole

گرده‌ای (۳-۴-۳-۲۲) که برش نخورده است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۴-۱۱-۱ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۳-۳-۴-۳

گره

knot

بخشی از شاخه که درون چوب (۳-۴-۳-۱) گرده (۳-۴-۳-۲۲) جاسازی شده است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱۰-۱ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۵-۳-۴-۳

کام و زبانه

finger joint

اتصال (۳-۳-۵-۳۴) که انتهای اعضاء فرم گوه‌ای داشته و به صورتی در هم قفل شده‌اند که مقطع عرضی ثابت بماند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱۴ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۶-۳-۴-۳

چوب چندلا چسبی

glued laminated timber

محصولی (۳-۱-۴-۳) که با چسباندن چوب‌های اره‌ای (۱۸-۳-۴-۳) به صورت لایه‌های موازی تولید می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱۶ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۷-۳-۴-۳

چوب تر

green timber

چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) که خشک نشده یا زیر نقطه اشباع بافت قرار دارد.

یادآوری - چوب تر می‌تواند رطوبت نسبی بالای ۳۰ درصد داشته باشد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۶-۱۰ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۸-۳-۴-۳

چوب اره‌ای

sawn timber

US: sawn lumber, lumber

مقطع چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) که با اره کردن طولی یا قطعه کردن کنده‌ها یا چوب (۱-۳-۴-۳) توپر با ابعاد (۱-۲-۷-۳) بزرگ تولید می‌شود و برش عرضی، تراش بیشتر یا هر دو روی آن انجام می‌شود تا به دقت مورد نظر برسد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۱ استاندارد ISO 24294:2013]

۱۹-۳-۴-۳

چوب رنده‌ای

planed timber

US: dressed lumber, surfaced lumber, planed lumber, sawn timber

مقطع چوب اره‌ای (۱۸-۳-۴-۳) در رطوبت مصرف نهایی که حداقل در یک بر (۹-۳-۴-۳) در کل طول (۱۰-۲-۷-۳) و عرض (۸-۲-۷-۳) آن رنده شده تا سطح صافی داشته باشد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۳ استاندارد ISO 24294:2013]

۲۰-۳-۴-۳

چوب حکمی

prepared timber

چوب اره‌ای (۱۸-۳-۴-۳) در رطوبت مصرف نهایی که با طول (۱۰-۲-۷-۳) مورد نظر با رواداری مجاز (۱۳-۲-۷-۳) با دقت بریده شده و/یا یک یا چند بر (۹-۳-۴-۳) آن تراش شده است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱-۵ استاندارد ISO 24294:2013]

۲۱-۳-۴-۳

چوب تر نیم حکمی

regularized green timber

چوب اره‌ای (۱۸-۳-۴-۳) با یا بدون تراش بیشتر، در حالت تر دارای یک ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) یا عرض (۸-۲-۷-۳) یا هر دو که با رواداری مجاز (۱۳-۲-۷-۳) دقیق‌تر از چوب اره‌ای ناهموار اندازه شده باشد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱-۵ استاندارد ISO 24294:2013]

۲۲-۳-۴-۳

گرده

round timber

درخت قطع شده تا نوک که تمام شاخه‌های آن برداشته شده که شاید برش‌های بیشتری هم خورده باشد یا نباشد.

یادآوری - عموماً بااستثنای هیزم

[منبع: برگرفته از زیربند ۱۱-۴ استاندارد ISO 24294:2013-تغییرات: کلمه «شاید» جایگزین کلمه «ممکن است» شده است.]

۲۳-۳-۴-۳

کُنده

log

قسمت برش خورده یک گرده (۲۲-۳-۴-۳) یا دیرک (۱۲-۳-۴-۳) است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱۱-۴ استاندارد ISO 24294:2013]

۲۴-۳-۴-۳

چوب سالم

sound timber

چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) عاری از پوسیدگی یا خرابی است.

۲۵-۳-۴-۳

چارتراش

square edged timber

چوب اره‌ای (۳-۴-۳-۱۸) با مقطع مربعی است.

یادآوری ۱- در برخی موارد، مقدار مشخصی از نابرابری، قابل قبول است.

یادآوری ۲- در آمریکای شمالی، واژه square edged به چوب اره‌ای بدون نقص و فاقد لبه‌های غیردقیق اشاره دارد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۵-۸ استاندارد ISO 24294:2013]

۲۶-۳-۴-۳

تابلو پایه چوب

wood-based panel

US: wood panel, wood sheathing

صفحه یا ورق (۳-۴-۳-۱۲) ساخته شده از الیاف‌ها، ذرات یا روکش‌های چوبی (۳-۴-۳-۱) است.

۲۷-۳-۴-۳

تخته الیافی

fibreboard

مصالح (۳-۴-۳-۱-۱) تابلوشکل با ضخامت (۳-۷-۲-۴۹) اسمی ۱٫۵ میلی‌متر یا بیشتر، که از الیاف گیاهی با اعمال حرارت و/یا فشار با پیوند حاصل از درهم آمیختن الیاف‌ها و ویژگی چسبناکی خودشان یا با استفاده از یک چسب (۳-۴-۳-۱۳) ترکیبی اضافه شده به الیاف تولید می‌شوند.

یادآوری ۱- ماده لیگنوسلولوز از چوب (۳-۴-۳-۱) یا سایر مواد گرفته می‌شود.

یادآوری ۲- صفحات الیافی عموماً به صفحات الیافی با چگالی متوسط، صفحات سخت، صفحات با سختی متوسط و صفحات نرم اطلاق می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱ استاندارد ISO 17064:2016- تغییرات: تعریف تغییرکرد و ذکر کاربردها از یادآوری ۲ حذف شد.]

۲۸-۳-۴-۳

تخته خرده چوبی

particleboard

مصالح (۳-۴-۳-۱-۱) تابلوشکل که از خرده ماده لیگنوسلولوز با اعمال حرارت و فشار و پیوند ناشی از یک چسب (۳-۴-۳-۱۳) ترکیبی اضافه شده به خرده‌ها، تولید می‌شود.

یادآوری- ماده لیگنوسلولوز از چوب (۳-۴-۳-۱) یا سایر مواد گرفته می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۲ استاندارد ISO 17064:2016- تغییرات: تعریف و یادآوری تغییر کرد.]

۲۹-۳-۴-۳

تخته تراشه جهت دار

oriented strand board OSB

تخته چندلایه که از تجمیع تراشه‌های چوب در لایه‌های بیرونی در امتداد موازی طول یا عرض تخته، به شکل و ضخامت (۳-۷-۲-۴۹) مختلف با اعمال گرما و فشار با یک چسب ساخته می‌شود.

یادآوری - تراشه‌های چوب در لایه یا لایه‌های مرکزی می‌توانند به صورت تصادفی جهت یافته باشند و یا به طور کلی به صورت عمود بر تراشه‌های چوب لایه‌های بیرونی جهت یافته باشند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۳ استاندارد ISO 17064:2016- تغییرات: یادآوری ۲ حذف شد.]

۳۰-۳-۴-۳

تخته چندلایی

plywood

تابلو پایه‌چوب (۳-۴-۳-۲۶) شامل یک برهم‌گذاری (۳-۳-۵-۵) از لایه‌های روکش یکسان که با راستای معمولاً عمود بر هم بافت لایه‌های مجاور، به هم چسبانده شده‌اند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱ استاندارد ISO ISO 2074:2007]

۳۱-۳-۴-۳

تخته مختلط

composite board

تخته‌ای که با برهم‌گذاری و پیوند (۳-۷-۳-۷) ورق‌هایی (۳-۴-۱-۱۲) با دو یا چند نوع تابلو پایه‌چوب (۳-۴-۳-۲۶) یا تابلوهای پایه‌چوب و مواد (۳-۴-۱-۲) دیگر، به یکدیگر تولید می‌شود.

۳۲-۳-۴-۳

چوب ساختمانی اجاق خشک

kiln dry timber

US: kiln-dried lumber

چوب ساختمانی (۳-۴-۳-۲) که در یک محفظه بسته خشک شده و در آنجا با استفاده از حرارت و کنترل رطوبت، به رطوبت نسبی موردنظر رسیده است.

یادآوری - در آمریکای شمالی رطوبت نسبی چوب کوره دیده معمولاً ۱۹ درصد یا کمتر است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۶-۱۳ استاندارد ISO 24294:2013]

۴-۴-۳ مصالح کارکردی^۱

۱-۴-۴-۳

افزونه

additive

GB: addition

مصالحی (۲-۱-۴-۳) که در مقادیر کم به مصالح مایع یا دانه‌ای افزوده می‌شود تا اصلاح موردنظر در ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) آن ایجاد شود.

۲-۴-۴-۳

تسریع کننده

accelerator

جسمی که سرعت یک واکنش شیمیایی را افزایش می‌دهد.

۳-۴-۴-۳

افزودنی

admixture

مصالحی (۲-۱-۴-۳) که در مقادیر کم، قبل یا در حین فرایند (۳-۲-۵-۳) اختلاط برای اصلاح ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) یک مخلوط به آن افزوده می‌شود.

۴-۴-۴-۳

افزودنی دیرگیرکننده

set retarding admixture

افزودنی (۳-۴-۴-۳) که زمان را برای مخلوط جهت تغییر به یک وضعیت سخت شده، طولانی می‌کند.

۵-۴-۴-۳

افزودنی زودگیرکننده

set accelerating admixture

افزودنی (۳-۴-۴-۳) که زمان را برای مخلوط جهت تغییر به یک وضعیت سخت شده، کاهش می‌دهد.

۶-۴-۴-۳

مصالح دانه‌ای

aggregate

مصالح (۲-۱-۴-۳) دانه‌ای راکد است.

۷-۴-۴-۳

مصالح ریزدانه

fine aggregate

مصالح دانه‌ای (۶-۴-۴-۳) کوچک‌اندازه که حد بالایی اندازه (۲-۲-۷-۳) آن وابسته به مصرف نهایی آن است.

۸-۴-۴-۳

سنگین‌دانه

heavy aggregate

مصالح دانه‌ای (۶-۴-۴-۳) دارای چگالی (۵۰-۳-۷-۳) دانه خشک شده در گرمخانه، مساوی یا بیشتر از ۳۰۰۰ کیلوگرم بر متر مکعب است.

۹-۴-۴-۳

مصالح خاکریزی

fill

مصالحی (۲-۱-۴-۳) که برای بالا بردن تراز (۳۹-۲-۷-۳) زمین کف (۱-۲-۴-۳) استفاده می‌شود.

یادآوری - در آمریکا برای واژه fill معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۲-۹ مراجعه شود).

۱۰-۴-۴-۳

خاک مسلح

reinforced earth

مصالح (۲-۱-۴-۳) مرکبی که از خاک و مسلح‌کننده (۱۷-۴-۴-۳) ساخته می‌شود.

۱۱-۴-۴-۳

بازریز

backfill

مصالحی (۲-۱-۴-۳) که برای پرکردن یک خاک‌برداری (۲-۲-۱-۳) استفاده می‌شود.

۱۲-۴-۴-۳

زمین‌بافت

geotextile

مصالح (۲-۱-۴-۳) منسوج مسطح و نفوذپذیر پلیمری (مصنوعی یا طبیعی) که می‌تواند بافته نشده، تافته شده یا بافته شده باشد که در تماس با خاک (۲-۲-۴-۳) یا مصالح دیگر در کاربردهای فنی مربوط به خاک و پی و مهندسی عمران استفاده می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۲-۱-۱ استاندارد ISO 10318-1:2015]

۱۳-۴-۴-۳

چسب

adhesive

جسم غیرفلزی که قادر به اتصال ماده (۱-۱-۴-۳) باشد.

۱۴-۴-۴-۳

چسباننده

binder

مصالحی (۲-۱-۴-۳) که برای درکنار هم نگه داشتن ذرات جامد در یک توده منسجم، استفاده می‌شود.

۱۵-۴-۴-۳

بتن

concrete

مخلوطی از مصالح دانه‌ای (۶-۴-۴-۳)، سیمان (۱۶-۴-۴-۳) و آب که سخت می‌شود.

۱۶-۴-۴-۳

سیمان

cement

مصالح (۲-۱-۴-۳) غیرآلی معدنی بسیار ریز که در زمان مخلوط شدن با آب، خمیری تشکیل می‌دهد که در اثر فرایندها (۳-۲-۵-۳) و واکنش‌های شیمیایی با آب، گیرش پیدا کرده و پس از سخت شدن حتی در زیر آب هم مقاوم و پایدار می‌ماند.

۱۷-۴-۴-۳

تقویتی

reinforcement

میله‌گردها (۸-۱-۴-۳)، تسمه‌ها (۷-۱-۴-۳)، بافت، الیاف، سیم‌ها و کابل‌هایی (۵۴-۴-۴-۳) که برای تاب یا تحمل بیشتر به یک ماده (۱-۱-۴-۳) یا جزء (۴-۱-۴-۳) افزوده می‌شود.

۱۸-۴-۴-۳

رها ساز

release agent

جسمی؛ معمولا یک مایع که برای مصالح (۳-۴-۱-۲) در تماس با سطح، برای تسهیل جلوگیری از چسبیدن (۳-۷-۳-۵) و جداسازی آن از بتن (۳-۴-۴-۱۵) استفاده می‌شود.

۱۹-۴-۴-۳

مخلوط بتن

concrete mix

ترکیب مصالح (۳-۴-۱-۲) لازم برای ساختن بتن (۳-۴-۴-۱۵) است.

۲۰-۴-۴-۳

بتن درجا

in situ concrete

بتنی (۳-۴-۴-۱۵) که در موقعیت محوطه (۳-۱-۱-۶) نهایی خود شکل می‌گیرد.

۲۱-۴-۴-۳

بتن پیش ساخته

precast concrete

بتنی (۳-۴-۴-۱۵) که قبل از حمل به موقعیت نهایی، در قالب ریخته شده و سخت شده است.

۲۲-۴-۴-۳

بتن پیش تنیده

prestressed concrete

بتنی (۳-۴-۴-۱۵) که معمولا با استفاده از فولاد تحت کشش، قبل از بارگذاری یک سازه (۳-۱-۳-۲)، تنش‌های (۳-۷-۳-۲۵) داخلی مشخصی در آن ایجاد شده است.

۲۳-۴-۴-۳

بتن نیمه خشک

semi-dry concrete

US: dry-mix concrete

بتنی (۳-۴-۴-۱۵) با محتوای آب کم و روانی ناکافی برای اندازه‌گیری به وسیله آزمون افت است.

۲۴-۴-۴-۳

روان ملات

grout

مصالح (۳-۴-۱-۲) سیالی که بعد از کاربرد، سخت شده و برای پرکردن شکافها و حفرهها استفاده می‌شود.

۲۵-۴-۴-۳

دوغاب

slurry

اختلاط جامدات ریزدانه معلق در یک مایع با ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) روانی عمومی یک مایع است.

۲۶-۴-۴-۳

ملات

mortar

اختلاط چسباننده (۳-۴-۴-۱۴)، مصالح ریزدانه (۳-۴-۴-۷) و آب، که سخت می‌شود و معمولاً به عنوان یکی از ملزومات اتصال (۳-۳-۵-۹۷) استفاده می‌شود.

۲۷-۴-۴-۳

اندود نازک‌کاری

plaster

اختلاطی که برای به دست آمدن یک روکار (۳-۳-۵-۲) داخلی استفاده می‌شود و اساس آن بر پایه یک یا چند چسباننده (۳-۴-۴-۱۴) است که پس از افزودن آب، هنگامی که خمیری است به کار برده می‌شود و پس از کاربرد سخت می‌شود.

۲۸-۴-۴-۳

اندود نماکاری

render

اختلاط یک یا چند چسباننده (۳-۴-۴-۱۴) غیرآلی، مصالح دانه‌ای (۳-۴-۴-۶)، آب و گاهی اوقات افزونه (۳-۴-۴-۳) که برای به دست آمدن یک نمای روکار (۳-۳-۵-۲) بیرونی استفاده می‌شود.

۲۹-۴-۴-۳

نما

facing layer

US: face

لایه ای از آجر (۳-۴-۴-۵۰)، سنگ (۳-۴-۲-۴) یا بتن (۳-۴-۴-۱۵) بر روی وجه یک بلوک (۳-۴-۱-۹) که از یک مصالح (۳-۴-۱-۲) و/یا ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) متفاوت از بدنه اصلی است. یادآوری - در آمریکا برای واژه face معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۳-۹ مراجعه شود).

۳۰-۴-۴-۳

آسفالت

asphalt

GB: asphalte

اختلاط متراکم مصالح دانه‌ای (۳-۴-۴-۶) معدنی و چسباننده (۳-۴-۴-۱۴) قیری است.

۳۱-۴-۴-۳

قیر

bitumen

مایع غلیظ یا جامدی که ذاتا از هیدروکربن‌ها و مشتقات آنها تشکیل شده، محلول در تری کلرواتیلن که در واقع غیرفرار بوده و زمانی که گرم شود به آرامی نرم می‌شود.

یادآوری - قیر از فرایند (۳-۲-۵-۳) پالایش نفت به دست می‌آید و همچنین به صورت رسوبات طبیعی یا یک جزء (۳-۴-۱-۴) آسفالت (۳-۴-۴-۳۰) طبیعی یافته می‌شود که در مورد آخر با مواد معدنی مخلوط می‌باشد.

۳۲-۴-۴-۳

عایق حرارتی

thermal insulation material

US: thermal insulating material

ماده‌ای (۳-۴-۱-۱) که انتظار می‌رود انتقال حرارت را کاهش داده و ویژگی عایق بودن آن از طبیعت شیمیایی و/یا ساختار فیزیکی آن مشتق می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱-۱ استاندارد ISO 9229:2007]

۳-۴-۴-۳۳

عایق

insulating material

ماده‌ای (۳-۴-۱-۱) برای ممانعت یا کاهش عبور حرارت، سرما، صدا یا برق است.

۳-۴-۴-۳۴

لایه پیوندی

bonding layer

لایه‌ای از ملات (۳-۴-۴-۲۶) یا دیگر مصالحی (۳-۴-۱-۲) که روی بتن (۳-۴-۴-۱۵) سخت شده اجرا می‌شود تا پیوند با بتن تازه‌ای که روی آن قرار می‌گیرد را بهبود بخشد.

۳-۴-۴-۳۵

درزگیر

sealant

ماده (۳-۴-۱-۱) فاقد شکلی که وقتی سخت یا خشک شد، برای درزگیری یک درز (۳-۴-۵-۳۵) ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) چسب و چسبندگی دارد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱-۲ استاندارد ISO 6927:2012]

۳-۴-۴-۳۶

روکش

coat

لایه‌ای از یک ماده (۳-۴-۴-۳۷) روکش‌دهنده که از یک مرتبه اجرا حاصل می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۴۹ استاندارد ISO 4618:2014 - تغییرات: یادآوری حذف شد.]

۳-۴-۴-۳۷

روکش‌دهنده

coating material

محصولی (۳-۴-۱-۳) به شکل مایع، خمیر یا پودر که پس از استفاده روی یک بستر (۳-۴-۱-۲۰)، یک لایه حفاظتی تزئینی و/یا دارای ویژگی‌های خاص دیگر را تشکیل می‌دهد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۵۱ استاندارد ISO 4618:2014 - تغییرات: یادآوری حذف شد.]

۳-۴-۴-۳۸

رنگ

paint

روکش‌دهنده (۳-۴-۴-۳۷) رنگی که پس از استفاده روی یک بستر (۳-۴-۱-۲۰)، یک لایه خشک نازک مات با ویژگی‌های حفاظتی تزئینی یا ویژگی‌های فنی خاص را تشکیل می‌دهد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱۸۴ استاندارد ISO 4618:2014]

۳-۴-۴-۳۹

روکش اولیه

priming coat

اولین روکش (۳-۴-۴-۳۶) از یک سامانه در حال روکش شدن است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۲۰۷ استاندارد ISO 4618:2014]

۳-۴-۴-۴۰

بتونه جذبی

sealer

مایعی که بر روی سطوح جاذب استفاده می‌شود و پس از خشک شدن ظرفیت جذب آنها را کاهش می‌دهد.

۳-۴-۴-۴۱

گل بتونه

extender

جسمی به شکل پودر یا دانه‌ای، غیرمحلول در محیط پخش که برای اصلاح یا اثرگذاری بر ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) فیزیکی خاص استفاده می‌شود.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱۰۲ استاندارد ISO 4618:2014- تغییرات: یادآوری حذف شد.]

۳-۴-۴-۴۲

بتونه

filler

روکش‌دهنده (۳-۴-۴-۳۷) با نسبت بالای گل بتونه (۳-۴-۴-۴۱)، در درجه اول به منظور حذف بی‌نظمی در بسترهای (۳-۴-۱-۱۲۰) مورد رنگ‌آمیزی و جهت بهبود سطوح است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۱۰۷ استاندارد ISO 4618:2014- تغییرات: یادآوری حذف شد.]

۳-۴-۴-۴۳

کندگیرکننده سطح

surface retarder

روکش‌دهنده‌ای (۳-۴-۴-۳) که روی وجه قالب (۳-۵-۳-۷) اجرا می‌شود تا گیرش سطح بتن (۳-۴-۴-۱۵) کند شده و بتوان سطح را به آسانی پس از قالب‌برداری (۳-۵-۱-۳۲) زدود و یک سطح پایان‌یافته (۳-۷-۳-۶۷) از مصالح دانه‌ای (۳-۴-۴-۶) نمایان یا زبری (۳-۷-۳-۷۳) تولید نمود.

۴۴-۴-۴-۳

صدابند

pugging

US: deafening fill

ماسه یا ماده (۳-۴-۱-۲) مشابه دیگری که روی سقف‌پوش‌ها (۳-۳-۲-۱۸) بین تیرچه‌ها (۳-۳-۱-۱۵) جهت کمک در عایق‌کاری صوتی استفاده می‌شود.

۴۵-۴-۴-۳

زیرکار

bed

لایه‌ای از مصالح (۳-۴-۱-۲) یا سطحی که یک واحد بنایی (۳-۴-۴-۴۹)، کاشی (۳-۳-۲-۶) یا جزء (۳-۴-۱-۴) مشابه روی آن قرار می‌گیرد.

۴۶-۴-۴-۳

لایه تمیزی

blinding

لایه بین ۵۰ میلی‌متر تا ۱۰۰ میلی‌متر، معمولاً از بتن (۳-۴-۴-۱۵) کم‌عیار است که روی خاک (۳-۴-۲-۲) قرار می‌گیرد تا زمین کف (۳-۴-۲-۱) را تسطیح و یک سطح تمیز برای کار ساخت‌وساز (۳-۵-۱-۱) ایجاد کند.

۴۷-۴-۴-۳

ملات زیرکار

bedding mortar

ملات (۳-۴-۴-۲۶) برای زیر واحدهای بنایی (۳-۴-۴-۴۹) و تکیه‌گاه‌ها است.

۴۸-۴-۴-۳

بلوکاز

hardcore

کلوخه‌های مصالح (۲-۱-۴-۳) سخت و مناسب برای پرکردن زمین کف (۱-۲-۴-۳) زیر یک دال کف (۳۳-۱-۳-۳) یا ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) مشابه است.

۴۹-۴-۴-۳

واحد بنایی

masonry unit

یک جزء (۴-۱-۴-۳) برای استفاده در بنایی (۱۳-۵-۳-۳) است.

۵۰-۴-۴-۳

آجر

brick

واحد بنایی (۴۹-۴-۴-۳) که طول (۱۰-۲-۷-۳) و عرض (۸-۲-۷-۳) و ضخامت (۴۹-۲-۷-۳) آن به ترتیب از ۳۳۸ میلی‌متر، ۲۲۵ میلی‌متر و ۱۱۳ میلی‌متر تجاوز نکند.

۵۱-۴-۴-۳

آجر مهندسی

engineering brick

US: fire brick, engineered brick

آجر (۵۰-۴-۴-۳) از جنس رس پخته شده که جسم متراکم و مقاوم نیمه شیشه‌ای داشته و نفوذپذیری و مقاومت فشاری (۳۳-۳-۷-۳) آن با حدود مشخص شده انطباق دارد.

۵۲-۴-۴-۳

خشت برش خورده

wire-cut brick

آجری (۵۰-۴-۴-۳) که با برش توده رس قالبی شده توسط سیم، قبل از پخت تولید می‌شود.

۵۳-۴-۴-۳

چوب‌اندود

wood preservative

مواد شیمیایی که برای اندود چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳) و دیگر محصولات (۳-۱-۴-۳) چوبی استفاده می‌شود تا آنها را در مقابل حمله و فساد ناشی از جاندارانی که چوب (۱-۳-۴-۳) را نابود می‌کنند، مقاوم کند.

۵۴-۴-۴-۳

کابل

cable

بافتی از سیم‌های معمولاً موازی، با طول (۳-۷-۲-۱۰) قابل ملاحظه که یک مقطع دایره‌ای شکل متراکم را تشکیل داده‌اند.

۳-۴-۴-۵۵

طناب

rope

بافتی از رشته‌های با طول (۳-۷-۲-۱۰) قابل ملاحظه که به صورت مارپیچ در یک یا چند لایه، دور یک هسته (۳-۳-۵-۷۴) به هم ریسیده شده‌اند.

۳-۵ اصطلاحات مربوط به بهره‌برداری، مستندسازی و تجهیزات^۱

۳-۵-۱ بهره‌برداری^۲

۳-۵-۱-۱

کار ساختمانی

construction work

US: construction

فعالیت‌هایی است که منجر به شکل‌گیری آثار ساخت‌وساز (۳-۱-۱-۱) می‌شوند.

یادآوری - در آمریکا برای واژه construction معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۱-۱ و ۳-۳-۵-۶ مراجعه شود).

۳-۵-۱-۲

کار نجاری

joinery work

حرفه تولید و نصب، در نجاری (۳-۳-۵-۲۰) است.

1- Terms relating to operations, documentation and equipment

2- Operations

۳-۱-۵-۳

کار مهندسی عمران

civil engineering work

کار ساخت آثار مهندسی عمران (۳-۱-۱۲) است.

۴-۱-۵-۳

ساختمان‌سازی

building

مجموعه فعالیت‌هایی است که یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) را ایجاد می‌کند.
یادآوری - برای واژه building معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۱-۱-۳ مراجعه شود).

۵-۱-۵-۳

زهکشی

dewatering

روش اجرایی برای پائین آوردن موضعی تراز (۳-۲-۷-۳) آب زیرزمینی است.

۶-۱-۵-۳

عملیات خاکی

earthwork

US: excavation work

مجموعه کارهای خاک‌برداری یا خاک‌ریزی یا ایجاد شیب در زمین کف (۳-۴-۲-۱) است.

۷-۱-۵-۳

حفاری با مته

auger boring

فن ایجاد سوراخی در زمین کف (۳-۴-۲-۱) از طریق حفاری دورانی، معمولاً جهت جای‌گذاری یک لوله (۳-۴-۳-۱۷) یا اجرای شمع‌های درجا ریخته (۳-۳-۱-۷۶) است که طی آن مواد مازاد برداشته می‌شود.

۳-۵-۱-۸

زیربندی

underpinning

تمهید ایجاد تکیه‌گاه در زیر سازه (۳-۳-۱-۲) موجود است.

۳-۵-۱-۹

هم‌بندی در محل

site assembly

بستن اجزاء (۳-۴-۱-۴) به یکدیگر در یک محوطه کاری (۳-۱-۱-۶) است.

۳-۵-۱-۱۰

لوله‌کشی

Plumbing

نصب سامانه آبرسانی (۳-۳-۴-۵) است.

یادآوری ۱- برای واژه plumbing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۴-۵ مراجعه شود).

یادآوری ۲- در آمریکا برای واژه plumbing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۴-۵ و ۳-۳-۴-۶ مراجعه شود).

۳-۵-۱-۱۱

مهندسی آب

water engineering

تخصص مهندسی که مرتبط با جریان (۳-۳-۷-۴۱)، کنترل، تصفیه و مصرف آب است.

۱۲-۱-۵-۳

فناوری بی‌ترانشه

trenchless technology

فن نصب، تعویض یا نوسازی یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) در زیر تراز زمین کف (۶۷-۲-۷-۳) که مصالح (۲-۱-۴-۳) حفاری شده از سطح را به حداقل می‌رساند یا نیاز به نقب زیرسطحی را رفع می‌نماید.

۱۳-۱-۵-۳

لوله‌گذاری

pipelaying

عملیات جاگذاری و عملیات اتصال (۳۵-۱-۵-۳) لوله‌ها (۱۷-۴-۳-۳) و آزمون نتایج هم‌بندی (۵-۵-۳-۳) است.

۱۴-۱-۵-۳

لوله‌گذاری کوبشی

pipe ramming

US: pipe driving

فن نصب یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) در غلافی پیش‌رونده که با استفاده از چکش کوبه‌ای در زمین کف (۱-۲-۴-۳) کوبیده شده و مواد مازاد داخل آن خارج شده است.

۱۵-۱-۵-۳

لوله‌گذاری شکافتی

pipe bursting

فن نصب یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) با استفاده از یک ابزار منبسط‌شونده برای شکستن لوله موجود از داخل به منظور امکان‌پذیر کردن لوله جدید در جای خود است.

۱۶-۱-۵-۳

لوله‌گذاری رانشی

pipe jacking

فن نصب یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) در میان زمین کف (۱-۲-۴-۳) است که در آن لوله یا مجرای تاسیساتی توسط جک‌های هیدرولیکی با فشار به درون زمین وارد شده و مواد مازاد از لبه جلوی آن حفر می‌شود.

۱۷-۱-۵-۳

ریز تونل

microtunnelling

فن نصب یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) از طریق لوله‌گذاری رانشی (۱۶-۱-۵-۳) با استفاده از یک ماشین کوچک کنترل از راه دور حفاری تونل (۱۸-۳-۱-۳) است که مصالح (۲-۱-۴-۳) حفاری شده یا توسط مته مکانیکی یا به صورت یک دوغاب (۲۵-۴-۴-۳) خارج می‌شود.

۱۸-۱-۵-۳

غلاف‌گذاری فشاری

thrust boring

فن نصب یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) است که در آن غلافی با فشار هیدرولیکی به درون زمین کف (۱-۲-۴-۳) رانده می‌شود و مواد مازاد با پیشروی غلاف، از آن خارج می‌شوند.

۱۹-۱-۵-۳

درزبندی

seal

عمل جاده‌ی محصولات (۳-۱-۴-۳) مناسب در درز (۳۴-۵-۳-۳) جهت جلوگیری از نفوذ آب، رطوبت و/یا هوا بین عناصر، اجزا (۴-۱-۴-۳) و همبندی‌های (۵-۵-۳-۳) ساخته شده از مصالح (۲-۱-۴-۳) مشابه یا غیرمشابه است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱-۱ استاندارد ISO 6927:2012-تغییرات: کلمه «جادادن» به عبارت «عمل جادهی» تغییر کرد.]

۲۰-۱-۵-۳

بندکشی

pointing

پر کردن یک درز (۳-۳-۵-۳۴) نسبتاً شکافته بین واحدهای بنایی (۳-۳-۴-۴۹) با ملات (۳-۳-۴-۲۶) برای ایجاد یک سطح روکار (۳-۳-۵-۲) است.

۲۱-۱-۵-۳

بندکشی ترمیمی

repointing

برداشت ملات (۳-۳-۴-۲۶) معیوب از درز (۳-۳-۵-۳۴) بین واحدهای بنایی (۳-۳-۴-۴۹) و سپس بندکشی (۳-۳-۵-۲۰) است.

۲۲-۱-۵-۳

اندازه‌گیری

measurement

عملیاتی که هدف آن تعیین مقدار یک کمیت است.

یادآوری - برای واژه measurement معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۷-۱-۶ مراجعه شود).

۲۳-۱-۵-۳

نمونه‌برداری

sampling

انتخاب اجناس یا بخش‌هایی از ماده (۳-۴-۱-۱) جهت اخذ نمونه (۳-۷-۴-۱) است.

۲۴-۱-۵-۳

کنترل کیفیت

quality control

فنون عملیاتی و فعالیت‌هایی که برای برآورده کردن الزامات کیفیت (۳-۷-۱-۱۲) استفاده می‌شود.

۲۵-۱-۵-۳

پیمانه کردن

batching

اندازه‌گیری اجزای اختصاصی یک پیمانه (۳-۷-۴-۷) است.

۲۶-۱-۵-۳

الک کردن

sieving

جداسازی مصالح (۳-۴-۱-۲) دانه‌ای با استفاده از الک‌ها بر اساس تنوع اندازه‌های (۳-۷-۲-۲) ذرات آنها در حین تولید است.

۲۷-۱-۵-۳

سرنده کردن

screening

جداسازی مصالح (۳-۴-۱-۲) دانه‌ای بر اساس تنوع اندازه‌های (۳-۷-۲-۲) ذرات آنها با استفاده از یک یا چند سرنده در حین تولید است.

۲۸-۱-۵-۳

علامت‌گذاری

signing

طرح، تولید، نصب، مدیریت و استفاده از علائم (۳-۳-۵-۷۹) (۳-۳-۵-۸۰) است.

۲۹-۱-۵-۳

نصب شیشه

glazing

عملیات نصب در شیشه‌کاری (۳-۴-۱-۲۱) است.

یادآوری - برای واژه glazing معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۱-۲۱ مراجعه شود).

۳۰-۱-۵-۳

پرداخت سطح

surface treatment

فرآیندی (۳-۲-۵-۳) که یک سطح را بدون استفاده از روکش‌دهنده (۳-۴-۴-۳۷) تغییر می‌دهد.

۳۱-۱-۵-۳

لایه‌برداری

stripping

برداشتن روکش‌دهنده (۳-۴-۴-۳۷)، روکش (۳-۴-۴-۳۶) فلزی یا دیوارپوش (۳-۳-۵-۷۸) از روی بستر (۳-۴-۱-۲۰) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه strippin معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۱-۳۲ مراجعه شود).

۳۲-۱-۵-۳

قالب‌برداری

striking

US: stripping

برداشتن قالب (۳-۳-۵-۷) بتن (۳-۴-۴-۱۵) سخت شده است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه striping معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۱-۳۱ مراجعه شود).

۳-۱-۵-۳۳

عمل آوری تسریع شده

accelerated curing

تسریع نرخ افزایش مقاومت بتن (۳-۴-۴-۱۵) یا ملات (۳-۴-۴-۲۶) با اعمال حرارت یا استفاده از افزونه‌ها (۳-۴-۴-۱) است.

۳-۱-۵-۳۴

اندود

coating

فرایندی (۳-۲-۵-۳) است که به ایجاد یک روکش (۳-۴-۴-۳۶) می‌انجامد.

۳-۱-۵-۳۵

متصل کردن

jointing

US: connecting

فرایند (۳-۲-۵-۳) تشکیل یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) است.

۳-۱-۵-۳۶

نگهداری

maintenance

ترکیبی از کلیه اقدامات فنی و مدیریتی در طول عمر خدمت (۳-۷-۳-۸۴) برای حفظ یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا آثار مهندسی عمران (۳-۱-۱-۲) یا قسمت‌های آنها در حالتی که بتوانند عملکرد مورد انتظار از آنها را ایفا کنند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱-۳ استاندارد ISO 15686:2011- تغییرات: عبارت «آثار مهندسی عمران» اضافه شد.]

۳-۵-۱-۳۷

حفاظت

conservation

نگهداری (۳-۵-۱-۳۶) جهت حفظ ظاهر یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا سازه (۳-۱-۱-۴) دیگر؛ به ویژه زمانی که ارزش تاریخی، یا حفظ یک زیست‌بوم در طبیعت مطرح است.

۳-۵-۱-۳۸

صیانت

preservation

US: historic preservation

محافظت (۳-۷-۳-۸۸) از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) تاریخی یا قدیمی یا سازه (۳-۱-۱-۴) دیگر در مقابل ویرانی یا فرسایش است.

۳-۵-۱-۳۹

مرمت

restoration

برگرداندن یک جنس به حالت یا شکل آغازین خود است.

۳-۵-۱-۴۰

دوباره‌سازی

reconstitution

مرمتی (۳-۵-۱-۳۹) که دربرگیرنده برچیدن و هم‌بندی قطعه به قطعه باشد.

۳-۵-۱-۴۱

بازسازی

reconstruction

احداث مجدد یک سازه (۳-۱-۱-۴) که آثاری از آن باقی نمانده است، بر اساس اطلاعات بایگانی و تحقیقات باستان‌شناسی است.

۴۲-۱-۵-۳

هماندسازی

replication

ساخت‌وساز (۳-۵-۳-۳) یک بدل دقیق از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) موجود است.

۴۳-۱-۵-۳

مقاومسازی

rehabilitation

US: rehab

فرایند (۳-۲-۵-۳) یا عمل برگرداندن یک کارگاه (۱۱-۴-۳-۳)، ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا اثر مهندسی عمران (۲-۱-۱-۳) به شرایط قابل قبول عملکردی است که معمولاً از طریق بهبود انجام می‌شود.

۴۴-۱-۵-۳

مقاومسازی سازه‌ای

structural rehabilitation

US: stabilization

انجام تدابیر طراحی شده برای بازیابی پایداری سازه‌ای، عملکردی یا هر دو، برای ساختمان است.

۴۵-۱-۵-۳

به‌سازی

refurbishment

GB: renovation

اصلاح و بهبود یک کارگاه (۳-۳-۴-۱۱) ، ساختمان (۳-۳-۱-۱) یا اثر مهندسی عمران (۳-۳-۱-۱) موجود به منظور بازگرداندن آن به یک شرایط قابل قبول است.

۴۶-۱-۵-۳

نوین سازی

modernization

بهبود مجموعه در راستای استانداردها و انتظارات فعلی است.

۴۷-۱-۵-۳

تعمیر

repair

بازگرداندن یک جنس به شرایط قابل قبول از طریق نو کردن، تعویض یا ترمیم بخش‌های فرسوده، آسیب‌دیده یا افت کرده است.

۴۸-۱-۵-۳

تمیزکاری

reinstatement

مرمت (۳-۳-۵-۱-۳۹) و به‌ساخت سطح جاده‌ها (۳-۳-۱-۱) و زمین (۳-۳-۱-۸) ، تعویض پرچین‌ها (۳-۳-۵-۱-۸۶) ، تمیزکردن جوی‌ها و نهرها (۳-۳-۱-۸) و تمام عملیات مشابه پس از کار تعمیر (۳-۳-۱-۴۷) یا کار ساختمانی (۳-۳-۱-۱) است.

۴۹-۱-۵-۳

جابجاسازی

translocation

US: relocation

انتقال یک ساختمان (۳-۳-۱-۱) یا سازه (۳-۳-۱-۴) دیگر از محوطه کار (۳-۳-۱-۶) موجود به محل دیگر است.

۵۰-۱-۵-۳

دگرگونی

alteration

US: renovation

تغییر یا اصلاح خصوصیات یا شرایط یک ساختمان (۳-۱-۱-۳)، کارگاه (۳-۳-۴-۱۱) یا اثر مهندسی عمران (۳-۱-۱-۳) است.

۵۱-۱-۵-۳

روکش‌زنی

capping

فرایند (۳-۲-۵-۳) روکش کردن زمین (۳-۸-۱) آلوده با مصالح (۳-۴-۱-۲) تمیز است.

۵۲-۱-۵-۳

هواسازی

aeration

ایجاد کردن هوا یا اکسیژن است.

۵۳-۱-۵-۳

فشارشویی

flushing

تخلیه سریع مقداری آب به منظور تمیز کردن است.

۵۴-۱-۵-۳

دانه‌سایی

grit blasting

US: sand blasting

روش پاک کردن یا پرداخت، با استفاده از یک ماده ساینده در جریان هوای فشرده، با آب یا بدون آب است.

یادآوری - در بسیاری از کشورها دانه سایی با ماسه به دلایل بهداشتی و ایمنی ممنوع است.

۵۵-۱-۵-۳

هماهنگی ابعادی

dimensional coordination

قبول پیمانی روی اندازه‌های (۲-۲-۷-۳) مرتبط برای هماهنگی ابعاد (۱-۲-۷-۳) اجزا (۴-۱-۴-۳) و اثر ساخت‌وساز (۱-۱-۱-۳) در اتحاد آنها برای طراحی، تولید و هم‌بندی است.

یادآوری - اهداف هماهنگی ابعادی برای امکان هم‌بندی اجزا در محوطه کار (۶-۱-۱-۳) بدون برش‌کاری یا مناسب‌سازی و امکان تعویض اجزای متفاوت است.

۵۶-۱-۵-۳

تحلیل ابعادی

dimensional analysis

مبنایی برای طرح و بهره‌برداری از مدل‌ها با مقیاس فیزیکی، مانند مدل‌های هیدرولیکی است که برای پیش‌بینی رفتار نمونه‌های آزمایشی استفاده می‌شود.

۵۷-۱-۵-۳

هماهنگی همسان

modular coordination

هماهنگی ابعادی (۵۵-۱-۵-۳) که همسانه پایه (۴۲-۲-۷-۳) یا یک چندهمسانه (۴۳-۲-۷-۳) را به کار برده است.

یادآوری - اهداف هماهنگی همسان، کاهش تنوع اندازه‌های (۲-۲-۷-۳) اجزای (۴-۱-۴-۳) تولید شده و اجازه انعطاف‌پذیری بزرگ‌تر به طراح در چیدمان اجزا است.

۵۸-۱-۵-۳

طبقه‌بندی

classification

روش ساختاربندی موارد مشخص (اشیاء یا مستندات) به طبقه و زیرطبقه بر اساس خصوصیات آنها است. [منبع: برگرفته از زیربند ۳-۱ استاندارد ISO 7200: 2004 - تغییرات: یادآوری اضافه شد].
یادآوری - برای واژه classification معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۲-۵ مراجعه شود).

۲-۵-۳ مستندسازی^۱

۱-۲-۵-۳

معلومات

information

حقایقی که در برقراری ارتباط، ردوبدل شده‌اند.

یادآوری - برای واژه information معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۲-۲-۵-۳ مراجعه شود).

۲-۲-۵-۳

اطلاعات

information

پیامی که برای اظهار یک عامل یا مفهوم از طریق یک فرآیند (۳-۲-۵-۳) ارتباطات به منظور افزایش دانش استفاده می‌شود.

یادآوری - برای واژه information معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱-۲-۵-۳ مراجعه شود).

۳-۲-۵-۳

فرایند

process

تنظیم فعالیت‌های وابسته به هم یا تعاملی که برای تولید یک نتیجه مورد نظر، ورودی‌ها را استفاده می‌کند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۱-۴-۳ استاندارد ISO 9000: 2015 - تغییرات: یادآوری‌ها حذف شدند.]

۴-۲-۵-۳

پروژه

فرایند (۳-۲-۵-۳) یکتا شامل یک مجموعه فعالیت‌های انجامی هماهنگ شده و کنترل شده برای به دست آوردن یک مقصود است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۴-۲ استاندارد ISO 9000: 2015 - تغییرات: ارجاع به خصوصیات مربوط به زمان، الزامات، هزینه‌ها و منابع و نیز یادآوری‌ها حذف شدند.]

۵-۲-۵-۳

طبقه‌بندی شده

classification

مجموعه مفاهیمی که به صورت نظام‌مند برای تمایز ویژگی‌ها مرتب شده‌اند. یادآوری - برای واژه classification معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۵-۱-۵۸ مراجعه شود).

تجهیزات^۱ ۳-۵-۳

۱-۳-۵-۳

دستگاه

plant

ماشین‌آلات مورد استفاده در کار ساختمانی (۳-۵-۱-۱) است. یادآوری - برای واژه plant معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۴-۱۱ مراجعه شود).

۲-۳-۵-۳

ابزار

tool

جنس در دست‌گرفتنی، مورد استفاده برای انجام عملیات در کارهای ساختمانی (۳-۵-۱-۱) است.

۳-۳-۵-۳

تجهیزات محوطه کارگاهی

site equipment

US: construction aids

تجهیزات لازم برای انجام کار ساختمانی (۳-۵-۱-۱)، که در کارهای نهایی دخیل نیست.

۴-۳-۵-۳

ملحقات

attachment

وسیله‌ای که به یک دستگاه اصلی نصب یا متصل می‌شود تا عمل مشخصی را انجام دهد.

۵-۳-۵-۳

زیرطاقی

centring

تکیه‌گاه موقت که طاق (۳-۳-۱-۷) روی آن شکل می‌گیرد.

۶-۳-۵-۳

داربست

scaffold

سازه (۳-۳-۱-۲) موقتی که دسترسی کارگران (۳-۳-۶-۲) را به اثر ساخت‌وساز (۳-۱-۱-۱) ایجاد می‌نماید و تکیه‌گاهی برای مواد (۳-۴-۱-۱) و تجهیزات است.

۷-۳-۵-۳

قالب

formwork

سازه (۳-۳-۱-۲) موقت یا دائمی است برای نگه‌داشتن بتن (۳-۴-۴-۱۵) تازه در شکل و اندازه (۳-۷-۲-۲) مورد نیاز تا زمانی که بتن سخت شود.

۸-۳-۵-۳

نگهدارنده

falsework

سازه (۲-۱-۳-۳) موقتی که برای نگهداشتن یک سازه دائمی که در زمان کار ساختمانی (۱-۱-۵-۳)، تعمیر یا تخریب قادر به تحمل بار خود نباشد، استفاده می‌شود.

۹-۳-۵-۳

پایه‌زنی

planking and strutting

US: shoring

تکیه‌گاه موقتی جداره یا جداره‌های یک خاک‌برداری (۲-۲-۱-۳) است.

۱۰-۳-۵-۳

سکو

staging

US: bridge, construction bridge

جایگاهی که دارای تکیه‌گاه است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه bridge معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۱-۳-۱-۱۹ مراجعه شود).

۱۱-۳-۵-۳

صحن

banker

جایگاهی که بتن (۱۵-۴-۴-۳)، ملات (۲۶-۴-۴-۳) یا اندود نازک‌کاری (۲۷-۴-۴-۳) بر روی آن با روش دستی مخلوط می‌شود یا بر روی آن سنگ (۴-۲-۴-۳) تراشیده می‌شود.

۱۲-۳-۵-۳

کمچه

spreader

US: trowel

وسيله‌ای برای پخش کردن کنترل شده مواد مایع و نیمه‌مایع، به صورت یک لایه نازک است.

۱۳-۳-۵-۳

ماله

float

US: screed

یک ابزار (۲-۳-۵-۳) دستی، معمولاً به صورت یک صفحه (۱۷-۵-۳-۳) مستطیل تخت از جنس فولاد یا چوب ساختمانی (۲-۳-۴-۳)، دارای دسته که برای پرداخت سطح بتن (۳-۴-۴-۳)، اندوذهای نازک‌کاری (۲۷-۴-۴-۳) یا اندود نماکاری (۲۸-۴-۴-۳) استفاده می‌شود.

۱۴-۳-۵-۳

مشبک ایمنی

safety net

یک توری جهت گرفتن افراد یا اشیاء در حال سقوط از ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا سازه‌های (۴-۱-۱-۳) دیگر، در حین کار ساختمانی (۱-۱-۵-۳) است.

۱۵-۳-۵-۳

شبکه حفاظتی

containment net

مجموعه آرایش توری‌هایی که برای کنترل و جلوگیری از سقوط اشیاء کوچک یا ابزارها (۲-۳-۵-۳)، محدود کردن غبار یا محافظت افراد در برابر اشیاء در حال سقوط طراحی می‌شوند.

۱۶-۳-۵-۳

تسمه نقاله

conveyor

ماشینی که به طور مداوم ماده (۳-۴-۱-۱) و یا اشیاء را بر روی یک شیب (۳-۷-۲-۶۵) ملایم و با استفاده از یک نوار، طناب (۳-۴-۴-۵۵) یا زنجیر بدون انقطاع یا قرقره منتقل می کند.

۱۷-۳-۵-۳

جرثقیل

crane

ماشینی شامل یک عضو سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) مرتفع است که می تواند بارهای معلق زیرین را بالا و پائین برد و به صورت افقی جابجا کند.

۱۸-۳-۵-۳

سرنده

screen

وسیله‌ای است برای جداکردن مصالح (۳-۴-۱-۲) بر اساس اندازه‌های (۳-۷-۲-۲) آنها یا جداکردن مواد جامد از مایعاتی که از آن عبور می کنند.

یادآوری - برای واژه screen معانی دیگری نیز وجود دارد (به زیربندهای ۳-۳-۲-۵۲ و ۳-۳-۲-۵۳ مراجعه شود).

۱۹-۳-۵-۳

ترازسنج

spirit level

وسیله‌ای است برای کنترل صفحات افقی و عمودی، که شامل یک یا چند لوله (۳-۴-۱-۱۱) در بسته شیشه‌ای (۳-۴-۱-۶) حاوی یک مایع با حبایی محبوس در آن می باشد که در یک قاب (۳-۳-۱-۷۰) قرار گرفته است.

۲۰-۳-۵-۳

الگو

template

GB: templat

نقش استفاده شده به عنوان راهنمای برش یا شروع انجام کار است.

۳-۶ ۶-۳ اصطلاحات مربوط به دست‌اندرکاران پروژه‌ها و کاربران^۱

۱-۶-۳

کاربر

user

سازمان، شخص، حیوان یا شیئی که یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا اثر ساخت‌وساز (۱-۱-۱-۳) دیگر برای آن طراحی شده است.

۲-۶-۳

کارگر

operative

US: laborer, construction worker

شخصی است که کار ساختمانی (۱-۱-۵-۳)، شامل کار دستی یا عمل ماشینی انجام می‌دهد.

۳-۶-۳

تولیدکننده

manufacturer

شخص یا سازمانی است که مواد (۱-۱-۴-۳)، محصولات (۳-۱-۴-۳)، اجزاء (۴-۱-۴-۳) و دیگر اجناس را خارج از محوطه کارگاه می‌سازد.

1- Terms relating to persons involved in projects and users

۴-۶-۳

شاخص

specifier

شخص یا سازمانی است که مشخصات یک محصول (۳-۴-۳-۱) یا مشخصات کارها را به عنوان بخشی از اسناد قرارداد تعیین می نماید.

۵-۶-۳

مشاور

consultant

شخص یا سازمانی است که خدمت یا مشورت خاصی برای جنبه‌های بخصوصی از یک پروژه (۴-۲-۵-۳) ارائه می دهد.

۶-۶-۳

طراح

designer

شخصی است که ساختمان‌ها (۳-۱-۱-۳)، کارهای محوطه (۵-۱-۱-۳)، سازه‌ها (۴-۱-۱-۳) و قسمت‌های مرتبط را طراحی می کند.

۷-۳ اصطلاحات مربوط به خصوصیات و عملکرد^۱

۱-۷-۳ اصطلاحات پایه

۱-۱-۷-۳

عملکرد

performance

توانایی برآورده کردن دستورالعمل‌های مورد نیاز تحت شرایط استفاده مورد نظر است.

1- Terms relating to characteristics and performance

۲-۱-۷-۳

الزامات کاربر

user requirement

شرح نیازهایی است که باید برآورده شود.

۳-۱-۷-۳

ویژگی

property

مشخصه ذاتی یا اکتسابی یک جنس است.

۴-۱-۷-۳

خصیصه

characteristic

مشخصه یک شیء یا مجموعه اشیاء است.

۵-۱-۷-۳

ارزش کسب شده

attribute

خصیصه (۴-۱-۷-۳) ارزیابی شده در قالب برآورده شدن یا برآورده نشدن یک عملکرد (۱-۱-۷-۳) داده شده است.

مثال: رفتن یا نرفتن

۶-۱-۷-۳

اندازه

measurement

مقدار یک کمیت که نتیجه عمل اندازه‌گیری (۳-۱-۵-۲۲) است.

یادآوری - برای واژه measurment معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۵-۲۲ مراجعه شود).

۷-۱-۷-۳

سنجه

measure

وسایل بیان یک کمیت است.

۸-۱-۷-۳

درستی

accuracy

سنجه (۷-۱-۷-۳) کمی از درجه انطباق با یک مقدار مرجع پذیرفته شده است.

۹-۱-۷-۳

دقت

precision

سنجه (۷-۱-۷-۳) کمی از درجه توافق بین اندازه‌های (۶-۱-۷-۳) منحصر به فرد ویژگی (۳-۱-۷-۳) یکسان است.

۱۰-۱-۷-۳

رواداری

tolerance

انحراف قابل قبول یک کمیت از مقدار تعیین شده است.

۱۱-۱-۷-۳

توانایی

capability

سنجه (۷-۱-۷-۳) توانایی کار و اجرا است.

۱۲-۱-۷-۳

کیفیت

quality

مجموعه‌ای از ویژگی‌ها (۳-۱-۷-۳) که به توانایی ایفای نیازهای ویژه مربوط است.

۱۳-۱-۷-۳

ضریب اطمینان

factor of safety

US: safety factor

ضریبی است که برای لحاظ کردن عدم قطعیت‌ها در طراحی اعمال می‌شود.

۱۴-۱-۷-۳

الزامات عملکردی

performance requirement

عملکردی (۱-۱-۷-۳) که نیاز یا انتظار است که برآورده شود.

۱۵-۱-۷-۳

طرح حالت حدی

limit-state design

طرح بر مبنای قابلیت اعتماد است که برای عدم قطعیت مربوط به ویژگی‌های (۳-۱-۷-۳) مقاومتی و بارهای (۱۹-۳-۷-۳) وارد محاسبه می‌شود.

۲-۷-۳ اندازه و ابعاد

۱-۲-۷-۳

بعد

dimension

حد یک راستا یا امتداد یک خط یا یک زاویه داده شده است.

۲-۲-۷-۳

اندازه

size

بزرگی یک بعد (۱-۲-۷-۳) است که در قالب یک واحد تعریف شده بیان می‌شود.

۳-۲-۷-۳

اندازه اسمی

nominal size

US: nominal dimension

تعیین اندازه (۲-۲-۷-۳) عددی مورد استفاده برای تعریف یک محصول (۳-۱-۴-۳) یا یک جزء (۴-۱-۴-۳) است که تقریباً معادل بعد (۱-۲-۷-۳) تولیدی می‌باشد.

۴-۲-۷-۳

اندازه واقعی

actual size

اندازه‌ای (۲-۲-۷-۳) است که با اندازه‌گیری به دست می‌آید.
یادآوری - اندازه واقعی می‌تواند به صورت طول واقعی، زاویه واقعی و غیره بیان شود.

۵-۲-۷-۳

اندازه کاری

work size

اندازه مشخص شده (۱۲-۲-۷-۳) یک محصول (۳-۱-۴-۳) برای تولیدکننده است که با انحراف (۶-۲-۷-۳) معینی از اندازه واقعی (۴-۲-۷-۳) پیروی می‌کند.

۶-۲-۷-۳

انحراف

deviation

تفاوت بین اندازه واقعی و اندازه مطلوب یک متغیر در لحظه داده شده است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۳-۳ استاندارد IEC 88528-11: 2004]

۷-۲-۷-۳

عمق

depth

بعد (۱-۲-۷-۳) عمودی در زیر یک تراز (۳-۷-۲-۳۹) مرجع افقی است. یادآوری - در آمریکا واژه depth برای بعد افقی یک فرورفتگی یا سطح دیگر نیز استفاده می‌شود.

۸-۲-۷-۳

عرض

width

GB: breadth

یکی از دو بعد (۱-۲-۷-۳) افقی که معمولا کوچک‌تر است. یادآوری - دیگری طول (۱۰-۲-۷-۳) است.

۹-۲-۷-۳

عرض موثر

effective width

عرضی (۸-۲-۷-۳) است که برای اهداف طراحی فرض می‌شود.

۱۰-۲-۷-۳

طول

length

یکی از دو بعد (۱-۲-۷-۳) افقی که معمولا بزرگ‌تر است. یادآوری - دیگری عرض (۸-۲-۷-۳) است.

۱۱-۲-۷-۳

عملکرد هدف

Target performance

عملکرد (۱-۱-۷-۳) مرجع استفاده شده در طراحی و روش اجرا برای نشان دادن عملکرد مطلوب و انحرافات (۶-۲-۷-۳) متعلقه که به صورت ایده‌آل صفر باشند.

یادآوری - عملکرد هدف می‌تواند به صورت اندازه هدف، خط هدف، سطح هدف، وضعیت هدف، نقطه هدف، شکل هدف و غیره بیان شود.

۱۲-۲-۷-۳

اندازه هدف

Target size

اندازه (۲-۲-۷-۳) مرجع استفاده شده در طراحی و روش اجرا برای نشان دادن اندازه مطلوب و انحرافات (۶-۲-۷-۳) متعلقه که به صورت ایده‌آل صفر باشند.

یادآوری - اندازه هدف می‌تواند به صورت زاویه هدف، طول هدف و غیره بیان شود.

۱۳-۲-۷-۳

انحراف مجاز

permitted deviation

اختلافات جبری مجاز بین حدهای اندازه (۲-۲-۷-۳) و اندازه مرجع متناظر است.

۱۴-۲-۷-۳

انحراف طولی

length deviation

اختلاف بین یک طول (۱۰-۲-۷-۳) واقعی و طول هدف متناظر است.

۱۵-۲-۷-۳

انحراف زاویه‌ای

angular deviation

اختلاف بین یک زاویه واقعی و زاویه هدف متناظر است.

۱۶-۲-۷-۳

نیمرخ انحراف یک خط

profile deviation of a line

نمودار اختلاف‌های بین وضعیت‌های واقعی مجموعه‌ای از نقاط مشخص شده روی یک خط با همان‌ها روی خط هدف متناظر است.

۱۷-۲-۷-۳

ناراستی یک خط

straightness deviation of a line

نمودار اختلاف‌های بین وضعیت‌های واقعی مجموعه‌ای از نقاط مشخص شده روی یک خط با همان‌ها روی خط مستقیم بین دو نقطه داده شده روی آن خط است.

۱۸-۲-۷-۳

انحراف شکل یک صفحه

shape deviation of a surface

نمودار اختلاف‌های بین وضعیت‌های واقعی مجموعه‌ای از نقاط مشخص شده روی یک صفحه با همان‌ها روی صفحه هدف متناظر است.

۱۹-۲-۷-۳

ناصافی یک صفحه

Flatness deviation of a surface

نمودار اختلاف‌های بین وضعیت‌های واقعی مجموعه‌ای از نقاط مشخص شده روی یک صفحه با همان‌ها روی صفحه صاف متناظر است.

۲۰-۲-۷-۳

چولگی

skewness

اختلاف‌های بین وضعیت‌های واقعی یک نقطه کناری یا یک نقطه روی یک لبه از یک صفحه و وضعیت هدف متناظرش روی صفحه میان سه نقطه کناری دیگر یا نقاط روی لبه آن صفحه است.

۲۱-۲-۷-۳

انحراف وضعیت یک نقطه

Position deviation of a point

اختلاف بین وضعیت واقعی یک نقطه و وضعیت هدف متناظر مرتبط با یک سطح مقایسه مشخص شده است.

۲۲-۲-۷-۳

انحراف وضعیت یک خط

Position deviation of a line

اختلاف در وضعیت واقعی نقاط مشخص شده روی یک خط و وضعیت نقاط هدف متناظر مرتبط با یک سطح مقایسه مشخص شده است.

۲۳-۲-۷-۳

انحراف قائم

verticality deviation

اختلاف افقی بین یک نقطه مشخص شده روی یک خط یا صفحه موردنظر قائم و نقطه هدف متناظر روی یک خط یا صفحه مرجع قائم است.

۲۴-۲-۷-۳

انحراف افقی

horizontality deviation

اختلاف قائم بین یک نقطه مشخص شده روی یک خط یا صفحه موردنظر افقی و نقطه هدف متناظر روی یک خط یا صفحه مرجع افقی است.

۲۵-۲-۷-۳

انحراف محور اتصال

joint alignment deviation

اختلاف در تراز یا وضعیت نسبی اتصال اجزای (۳-۴-۱-۴) مجاور متلاقی موردنظر است.

۲۶-۲-۷-۳

انحراف شکل

shape deviation

اختلاف بین شکل واقعی یک شیء و شکل هدف متناظر است.

۲۷-۲-۷-۳

عملکرد واقعی

actual performance

مقدار عملکرد (۱-۱-۷-۳) کسب شده که توسط اندازه‌گیری (۲۲-۱-۵-۳) به دست آمده است.

یادآوری - عملکرد واقعی می‌تواند به صورت اندازه واقعی، وضعیت واقعی نقاط، وضعیت واقعی مجموعه‌های نقاط و شکل واقعی بیان شود.

۲۸-۲-۷-۳

بادخور اتصال

joint clearance

فاصله بین وجوه اتصال (۳۷-۵-۳-۳) اجزا (۴-۱-۴-۳) که کنار هم یا یکی روی دیگری تنظیم شده است مثل عرض/های چاک اتصال (۳۰-۲-۷-۳) در نظر گرفته شده جهت دستیابی مناسب.

یادآوری - برای اتصالات (۳۴-۵-۳-۳) با صفحه و رویه‌های مقطع اتصال موازی، بادخور اتصال برابر عرض چاک اتصال است.

۲۹-۲-۷-۳

عمق چاک اتصال

joint gap depth

بعد (۱-۲-۷-۳) در امتداد اتصال (۳۴-۵-۳-۳) که موازی با صفحه اصلی اتصال (۴۰-۵-۳-۳)، اندازه شده است.

یادآوری - یک اتصال می‌تواند بسته به طراحی آن، یک یا چند اندازه برای عمق چاک اتصال داشته باشد.

۳۰-۲-۷-۳

عرض چاک اتصال

joint gap width

بعد (۱-۲-۷-۳) در امتداد اتصال (۳۴-۵-۳-۳) که عمود بر صفحه اصلی اتصال (۴۰-۵-۳-۳)، اندازه شده است.

یادآوری - یک اتصال می‌تواند بسته به طراحی آن، یک یا چند اندازه برای عرض چاک داشته باشد.

۳-۷-۲-۳۱

طول اتصال

joint length

بعد (۳-۷-۲-۱) یک اتصال (۳-۳-۵-۳۴) که عمود بر سطح مقطع خودش است.

۳-۷-۲-۳۲

حاشیه اتصال

joint margin

فاصله نظری بین وجه اتصال (۳-۳-۵-۳۷) یک جزء (۳-۳-۴-۱) و صفحه اصلی اتصال (۳-۳-۵-۴۰) انتخاب شده است.

۳-۷-۲-۳۳

مساحت ناخالص طبقه

gross floor area

AU: building area

مساحت کل طبقه (۳-۳-۲-۱۰) در یک ساختمان (۳-۱-۱-۳)، شامل مساحت افقی دیوارهای خارجی (۳-۳-۲-۴۶) است.

۳-۷-۲-۳۴

مساحت خالص طبقه

net floor area

AU: fully enclosed covered area

مساحت کل طبقه (۳-۳-۲-۱۰) در یک ساختمان (۳-۱-۱-۳)، با کسر مساحت افقی دیوارهای خارجی (۳-۳-۲-۴۶) است.

۳-۷-۲-۳۵

مساحت خالص طبقه

building loss feature

ترکیب یا قسمتی از یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) که در آن یک بخش از مساحت طبقه (۳-۳-۲-۱۰) برای یک مجموعه فعالیت‌های منحصر به فرد یا برای مبلمان (۳-۳-۵-۳)، تجهیزات یا مسیر گردش در دسترس نباشد.

یادآوری ۱- مثال‌هایی از مکان‌هایی که در آن یک بخش ممکن است به علت یک فقدان ترکیب ساختمانی در دسترس نباشد، محل‌های کار، راهروها (۳-۴-۲-۳) و غیره است.

یادآوری ۲- یک فقدان ترکیب ساختمانی می‌تواند یک بخش فیزیکی مانند یک ستون (۳-۳-۱-۱۰) یا ترتیبی از یک مسیر فرار آتش وفق مقررات که در مسیر حرکت عادی نیاز نیست، باشد.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۴ استاندارد، ISO 9836:2011- تغییرات: کلمه «عنصر» به کلمه «قسمت» تغییر کرد.]

۳۶-۲-۷-۳

ارتفاع

height

بعد (۳-۲-۷-۱) عمودی بالای یک تراز (۳-۲-۷-۳۹) مرجع افقی است.

۳۷-۲-۷-۳

دهانه

span

فاصله بین مراکز دو تکیه‌گاه متوالی است.

۳۸-۲-۷-۳

دهانه آزاد

clear span

US: free span

فاصله بین دو وجه متقابل تکیه‌گاه‌ها است.

۳-۷-۲-۳۸

تراز

level

مقدار بعد (۳-۷-۲-۱) عمودی یک نقطه در بالا یا پائین یک مرجع مشخص است.

۳-۷-۲-۴۰

سامانه مرجع

reference system

سامانه نقاط، خطوط و صفحاتی که اندازه‌ها (۳-۷-۲-۲) و وضعیت‌های یک جزء (۳-۴-۱-۴)، هم‌بندی (۳-۳-۵-۵) یا عنصر ممکن است به آن وابسته باشد.

۳-۷-۲-۴۱

همسانه

module

واحد اندازه‌ای (۳-۷-۲-۲) است که به عنوان یک گام افزایشی در هماهنگی ابعادی (۳-۵-۱-۵۵) استفاده می‌شود.

۳-۷-۲-۴۲

همسانه پایه

basic module

همسانه (۳-۷-۲-۴۱) اصلی، اندازه‌ای (۳-۷-۲-۲) که جهت کاربری عمومی برای اثر ساخت‌وساز (۳-۱-۱-۱) و اجزا (۳-۴-۱-۴) انتخاب شود.

۳-۷-۲-۴۳

چندهمسانه

multimodule

همسانه‌ای (۳-۷-۲-۴۱) که اندازه (۳-۷-۲-۲) آن یک انتخاب چندتایی از همسانه پایه (۳-۷-۲-۴۲) است.

۴۴-۲-۷-۳

نمو زیر همسانه

sub-modular increment

فواصل کوچک اندازه (۲-۲-۷-۳) که مقدار آن یک کسر انتخاب شده از همسانه پایه (۴۲-۲-۷-۳) است.

۴۵-۲-۷-۳

شبکه فضایی همسان

modular space grid

سامانه مرجع (۴۰-۲-۷-۳) مستطیلی سه بعدی هماهنگ که در آن فاصله بین صفحات متوالی، همسانه پایه (۴۲-۲-۷-۳) یا یک چندهمسانه (۴۲-۲-۷-۳) است.

یادآوری - چندهمسانه ممکن است در هر بعد (۱-۲-۷-۳) شبکه فضایی همسان، متفاوت باشد.

۴۶-۲-۷-۳

صفحه همسان

modular plane

صفحه در یک شبکه فضایی همسان (۴۵-۲-۷-۳) است.

۴۷-۲-۷-۳

صفحه همسان

modular floor plane

صفحه همسان (۴۶-۲-۷-۳) افقی که روی سرتاسر هر طبقه (۲-۱-۲-۳) یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) و منطبق با سطح بالاتر کف پاخور (۱۲-۲-۳-۳)، سطح بالاتر یک کف (۱۰-۲-۳-۳) ناصاف یا سطح بالاتر یک کف سازه‌ای است.

۴۸-۲-۷-۳

ارتفاع اتاق همسان

modular room height

بعد (۱-۲-۷-۳) قائم یک طبقه (۲-۱-۲-۳) بین صفحه همسان (۴۶-۲-۷-۳) سطح بالاتر کف پاخور (۱۲-۲-۳-۳) و صفحه همسان سقف پوش (۱۸-۲-۳-۳) تمام شده است.

۴۹-۲-۷-۳

ضخامت

thickness

بعد (۱-۲-۷-۳) مستقیمی است که عمود بر صفحه طول (۱۰-۲-۷-۳) و عرض (۸-۲-۷-۳) اندازه‌گیری می‌شود.

۵۰-۲-۷-۳

پوشش بتن

concrete cover

فاصله میان سطح بتن (۱۵-۴-۴-۳) و سطح میلگرد تسلیح (۱۷-۴-۴-۳) یا مجرای تاسیساتی (۱۳-۴-۳-۳) مفتول‌های پیش‌تنیده (۲۳-۱-۳-۳) است.

۵۱-۲-۷-۳

پوشش

cover

فاصله عمودی بین یک لوله (۱۷-۴-۳-۳) مدفون یا ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) دیگر با تراز تمام شده زمین کف (۶۸-۲-۷-۳) است.

۵۲-۲-۷-۳

نسبت لاغری

slenderness ratio

نسبت طول (۱۰-۲-۷-۳) موثر یا ارتفاع (۳۶-۲-۷-۳) موثر به حداقل شعاع دوران (۶۲-۲-۷-۳) سطح مقطع مربوطه است.

۵۳-۲-۷-۳

نسبت اندازه ذرات

particle size fraction

نسبت مصالح دانه‌ای (۶-۴-۴-۳) عبوری از الک بزرگتر و مانده بر روی الک کوچکتر در یک زوج الک است.

۵۴-۲-۷-۳

وتر پله

going

US: run

فاصله افقی بین دو دماغه پله (۳-۳-۵-۳۰) متوالی است که در خط رهنوردی (۳-۷-۲-۵۹) اندازه‌گیری می‌شود.

۵۵-۲-۷-۳

حد سرترس پله

headroom

حداقل فاصله آزاد عمودی بالای خط شیب (۳-۷-۲-۵۸) یا پاگرد (۳-۳-۵-۲۳) است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۲-۳-۶ استاندارد ۱۴۰۷۶: ۲۰۱۳ EN- تغییرات: اصطلاح از «حد سرترس» به «حد سرترس پله» عوض شد.]

۵۶-۲-۷-۳

خیز

rise

فاصله عمودی بین سطوح افقی بالاتر دو کفپله (۳-۳-۵-۲۹) متوالی یا بین یک کفپله و یک کف طبقه (۳-۳-۲-۱۰) یا یک کفپله و یک پاگرد (۳-۳-۵-۲۳) است.

۵۷-۲-۷-۳

شیب

Pitch

زاویه بین خط شیب (۳-۷-۲-۵۸) و صفحه افقی است.

۵۸-۲-۷-۳

خط شیب

Pitch line

خط تصویری اتصال دماغه (۳-۳-۵-۳۰) پله‌های (۳-۳-۵-۲۵) متوالی که معمولا روی خط رهنوردی (۳-۲-۷-۵۹) قرار گرفته است.

۵۹-۲-۷-۳

خط رهنوردی

walking line

خط فرضی دربرگیرنده مسیر میانگین کاربران یک پلکان (۳-۳-۵-۲۲) است.

۶۰-۲-۷-۳

نشان‌گر

gauge

US: gage

سنجه (۳-۱-۷-۷) ضخامت (۳-۲-۷-۴۹) ورق (۳-۴-۱-۱۲) فلزی، تسمه (۳-۴-۱-۱۴)، سیم یا محصولات (۳-۴-۱-۳) مشابه است.

۶۱-۲-۷-۳

میل

batter

زاویه میل یک سطح صفحه به حالت قائم است.

۲۶۲-۷-۳

شعاع دوران

radius of gyration

فاصله دورترین خط یا نقطه تا محور یک عضو سازه‌ای (۳-۳-۱-۳) است.

۶۳-۲-۷-۳

افت

fall

تفاوت تراز (۳-۷-۲-۳۹) بین نقطه بالاتر و پائین تر یک سطح شیب‌دار است.

۶۴-۲-۷-۳

تناسب شیب

gradient

نسبت تفاوت تراز (۳-۷-۲-۳۹) دو نقطه به فاصله افقی بین آنها است.

۶۵-۲-۷-۳

شیب

slope

زاویه میل یک سطح صفحه به حالت افقی است.

۶۶-۲-۷-۳

طول شیب

slope length

طول (۳-۷-۲-۱۰) یک صفحه در شیب (۳-۷-۲-۶۵) است.

۶۷-۲-۷-۳

تراز زمین کف

ground level

US: grade

تراز (۳-۷-۲-۳۹) در سطح زمین (۳-۸-۱) است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه grade معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۳-۱۶ مراجعه شود).

۶۸-۲-۷-۳

تراز زمین کف تمام شده

finished ground level

US: finished grade

تراز (۳۹-۲-۷-۳) سطح روسازی شده زمین (۱-۸-۳) پس از بهسازی یا عملیات خاکی (۶-۱-۵-۳) است.

۶۹-۲-۷-۳

سازند

formation

شکل تمام شده سطح زمین پس از اتمام عملیات خاکی (۶-۱-۵-۳) است.

۳-۷-۳ ویژگی‌های عملکردی

۱-۳-۷-۳

گودافتادگی

sinking

US: recess

فرورفتگی در یک سطح است.

۲-۳-۷-۳

پایداری ابعادی

dimensional stability

سنجه (۷-۱-۷-۳) گستره‌ای که یک ماده (۱-۱-۴-۳) یا محصول (۳-۱-۴-۳) در شرایط متغیر دما و رطوبت، ابعاد (۱-۲-۷-۳) و شکل خود را حفظ کند.

۳-۳-۷-۳

جهت گردش

handed

خصیصه (۳-۷-۱-۴) یک ساختمان یا جزء (۳-۴-۱-۴) نامتقارن است که گزینه‌های چپ‌دست و راست‌دست دارد.

۴-۳-۷-۳

نیمرخ

profile

نمای کلی سطح زمین کف (۳-۴-۲-۱) در آثار ساخت‌وساز (۳-۱-۱-۱) کامل شده یا یک محصول (۳-۴-۱-۳) تمام شده به صورت یک مقطع جانبی است.

۵-۳-۷-۳

چسبیدگی

adhesion

حالتی است که دو سطح با استفاده از پیوندهای سطحی به یکدیگر چسبانده می‌شوند.

۳۶-۷-۳

چسبندگی

cohesion

حالتی است که ذرات یک مصالح منفرد توسط نیروهای اولیه یا ثانویه به یکدیگر می‌چسبند.

۷-۳-۷-۳

پیوند

bonding

عمل یک چسب (۳-۴-۴-۱۳) است.

۸-۳-۷-۳

پیوستگی بتن

concrete bond

چسبیدگی (۵-۳-۷-۳) بین بتن (۱۵-۴-۴-۳) و میلگرد تسلیح (۱۷-۴-۴-۳) جهت انتقال نیرو (۲۲-۳-۷-۳) در سطح تماس بین آنها است.

۹-۳-۷-۳

ورآمدن

delamination

جداشدگی لایه‌های مجاور مصالح (۲-۱-۴-۳) است.

۱۰-۳-۷-۳

پوسته شدن

peeling

جداشدگی سطوحی از یک یا چند روکش (۳۶-۴-۴-۳) از روی یک پوشش زیرین یا یک زیرلایه (۲۰-۱-۴-۳) است.

۱۱-۳-۷-۳

خرد شدن

spalling

جداشدگی تکه‌ای از یک سطح است.

۱۲-۳-۷-۳

آب‌بند

watertightness

کیفیت (۱۲-۱-۷-۳) یک ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) در جلوگیری از عبور آب است.

۱۳-۳-۷-۳

رطوبت نسبی بهینه

optimum moisture content

GB: proctor optimum

رطوبت نسبی خاک (۲-۲-۴-۳) یا مصالح دانه‌ای (۲-۱-۴-۳) است که در آن با اعمال تراکم مشخص بیشترین چگالی (۵۰-۳-۷-۳) خشک حاصل می‌شود.

۱۴-۳-۷-۳

تخلخل

porosity

خصیصه (۴-۱-۷-۳) دارا بودن خلل و فرج یا دیگر حفره‌ها است که معمولاً به صورت نسبت حفره‌ها به حجم کل مصالح (۲-۱-۴-۳) سنجیده می‌شود.

۱۵-۳-۷-۳

نفوذپذیری

permeability

خصیصه‌ای (۴-۱-۷-۳) که نرخ عبور سیالات را از بین یک مصالح (۲-۱-۴-۳) تحت تاثیر اختلاف فشار تعیین می‌کند.

۱۶-۳-۷-۳

جمع‌شدگی

shrinkage

کاهش در بعد (۱-۲-۷-۳) یا حجم است که معمولاً به کاهش رطوبت نسبی بستگی دارد.

۱۷-۳-۷-۳

مقدار مکش

suction value

توانایی یک مصالح (۲-۱-۴-۳) در جذب رطوبت از یک ماده یا منبع مایع در تماس با مصالح است.

۱۸-۳-۷-۳

کنش

action

نیروی (۲۲-۳-۷-۳) اعمال شده روی یک سازه (۲-۱-۳-۳) یا عامل تغییر شکل (۲۳-۳-۷-۳) وارده یا تحت تاثیر آن، روی یک سازه است.

۱۹-۳-۷-۳

بار

load

نیروی (۲۲-۳-۷-۳) که بر یک سازه (۲-۱-۳-۳) یا عضو سازه‌ای عمل می‌کند.

۲۰-۳-۷-۳

بار مرده

selfweight

US: dead load

وزن اعضای سازه‌ای (۳-۱-۳-۳) و اجزاء (۴-۱-۴-۳) غیرسازه‌ای دائمی یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) است که ناشی از مصالح (۲-۱-۴-۳) تشکیل دهنده آن اعضا و اجزاء می‌باشد.

۲۱-۳-۷-۳

بار زنده

imposed load

US: live load

بار (۱۹-۳-۷-۳) غیر از بار مرده (۲۰-۳-۷-۳) است که متناوباً در اثر استفاده از ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا اثر باران، برف، باد یا زلزله به ساختمان اعمال می‌شود.

۲۲-۳-۷-۳

نیرو

force

اثر قابل اندازه‌گیری است که تمایل به ایجاد حرکت در یک جسم دارد مانند اثر جاذبه بر جرم یا اثر واکنشی که با چنین حرکتی مقابله می‌کند.

۲۳-۳-۷-۳

تغییر شکل

deformation

تغییر در شکل یا بعد (۱-۲-۷-۳) یا هر دو است.

۲۴-۳-۷-۳

کرنش

strain

نسب تغییر شکل (۲۳-۳-۷-۳) به بعد (۱-۲-۷-۳) اصلی است.

۲۵-۳-۷-۳

تنش

stress

نیروی (۲۲-۳-۷-۳) وارد بر یک سطح است. یادآوری - معمولاً به صورت نیرو بر واحد سطح بیان می‌شود.

۲۶-۳-۷-۳

بار تصادفی

accidental load

باری (۱۹-۳-۷-۳) است که به دلیل احتمال کم وقوع آن، دقیقاً پیش‌بینی نشده است، اما تمهیداتی برای آن در طرح لحاظ شده است.

۲۷-۳-۷-۳

بار ضربه

impact load

بار (۱۹-۳-۷-۳) وارده به صورت ناگهانی است.

۲۸-۳-۷-۳

بار باد

wind action

US: wind load

کنشی (۱۸-۳-۷-۳) است که در اثر فشار باد ناشی می‌شود.

۲۹-۳-۷-۳

بار زلزله

seismic action

US: seismic load

کنشی (۱۸-۳-۷-۳) است که در اثر حرکات زمین کف (۱-۲-۴-۳) ناشی از وقوع زلزله ایجاد می‌شود.

۳۰-۳-۷-۳

کشسانی

elasticity

خصیصه (۴-۱-۷-۳) یک مصالح (۲-۱-۴-۳)، محصول (۳-۱-۴-۳) یا ساخت‌وساز (۶-۵-۳-۳) است که بازگشت به اندازه و شکل اولیه، پس از برداشته شدن نیروی (۲۲-۳-۷-۳) عامل تغییرشکل را برای مصالح مقدور می‌سازد.

۳۱-۳-۷-۳

خمیرسانی

plasticity

خصیصه (۴-۱-۷-۳) یک مصالح (۲-۱-۴-۳) است که در آن، تغییر شکل (۲۳-۳-۷-۳) ناشی از تنش (۲۵-۳-۷-۳) پس از برداشتن تنش باقی می ماند.

۳۲-۳-۷-۳

فشار

compression

حالتی در قسمتی از یک عضو است که در آن حالت، نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) وارده آن عضو را کوتاه می کنند.

۳۳-۳-۷-۳

مقاومت فشاری

compressive strength

توانایی مقاومت در برابر نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) فشاری (۳۲-۳-۷-۳) است.

۳۴-۳-۷-۳

مقاومت برشی

shear strength

توانایی مقاومت در برابر نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) برشی (۳۵-۳-۷-۳) است.

۳۵-۳-۷-۳

برش

shear

حالتی در قسمتی از یک عضو در اثر اعمال نیروهای (۲۲-۳-۷-۳) مساوی و با جهت مخالف است که در آن حالت، نیروهای وارده تمایل به ایجاد تغییر مکان یا لغزش نسبی صفحات مجاور در آن عضو را دارند.

۳-۷-۳-۳۶

مقاومت خمشی

bending strength

GB: flexural strength

توانایی یک عضو قرار گرفته بین دو تکیه‌گاه، برای مقاومت در برابر نیروهای (۳-۷-۳۲۲) وارده عمود بر محور اصلی است.

۳-۷-۳-۳۷

مقاومت کششی

tensile strength

توانایی مقاومت در برابر نیروهایی (۳-۷-۳۲۲) است که در موازات محور اصلی و در خلاف جهت یکدیگر وارد می‌شوند.

۳-۷-۳-۳۸

تنش پیوستگی

bond stress

تنش (۳-۷-۳۲۵) برشی (۳-۷-۳۳۵) در فصل مشترک دو سطح است.

۳-۷-۳-۳۹

نقطه تسلیم

yield point

محلی در رابطه بار (۳-۷-۳۱۹) - تغییرشکل (۳-۷-۳۲۳) است که افزایش نیرو (۳-۷-۳۲۲) در آن، رفتار مصالح (۳-۷-۳۱۴) را از حالت الاستیک خارج می‌کند.

۳-۷-۳-۴۰

خزش

creep

افزایش در کرنش (۳-۷-۳۲۴) با گذشت زمان، تحت بار (۳-۷-۳۱۹) ماندگار است.

۴۱-۳-۷-۳

جریان

flow

کمیتی از سیال است که از مقطع عرضی مشخص در واحد زمان عبور می‌کند.

۴۲-۳-۷-۳

جریان معکوس

backflow

جریان (۴۱-۳-۷-۳) در جهت خلاف آنچه انتظار می‌رود است.

۴۳-۳-۷-۳

بلندا

head

انرژی یک مایع است که به صورت بعد (۱-۲-۷-۳) خطی قائم بیان می‌شود. یادآوری - برای واژه head معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۳-۳-۴۷ مراجعه شود).

۴۴-۳-۷-۳

فشار منفی

negative pressure

فشار کمتر از فشار اتمسفر است.

۴۵-۳-۷-۳

فشار مثبت

positive pressure

فشار بیشتر از فشار اتمسفر است.

مثال: فشار در یک لوله

۴۶-۳-۷-۳

فشار اسمی دستگاه

nominal set pressure

فشار از پیش تنظیم شده بر روی یک محصول و نشانه‌گذاری شده توسط سازنده (۳-۶-۳) است.

۴۷-۳-۷-۳

فشار کنترل

rating pressure

فشاری که در آن ظرفیت خروجی (۵۷-۳-۷-۳) در پیچه (۵۴-۴-۳-۳)، متناظر با جریان (۴۱-۳-۷-۳) کارکرد معمول است.

۴۸-۳-۷-۳

فشار بسته شدن

closing pressure

فشاری است که در آن، در پیچه (۵۴-۴-۳-۳) پس از رسیدن به فشار کنترل (۴۷-۳-۷-۳) بسته می‌شود.

۴۹-۳-۷-۳

فشار باز شدن ابتدایی

initial opening pressure

فشاری که در آن در پیچه (۵۴-۴-۳-۳) برای اولین بار و پس از یک دوره ذخیره‌سازی باز می‌شود.

۵۰-۳-۷-۳

چگالی

density

جرم در واحد حجم است.

یادآوری ۱- معمولا با کیلوگرم بر متر مکعب بیان می‌شود.

یادآوری ۲- میزان رطوبت مصالح (۲-۱-۴-۳) قادر به جذب آب در حجم و جرم آنها موثر بوده و لذا در زمان تعیین چگالی لازم است رطوبت نسبی آنها معلوم باشد.

۵۱-۳-۷-۳

چگالی ظاهری

apparent density

چگالی (۵۰-۳-۷-۳) یک مصالح (۲-۱-۴-۳) با در نظر گرفتن فضاهای خالی درون آن است.

۵۲-۳-۷-۳

کنش غیرهوازی

anaerobic action

فرایند (۳-۲-۵-۳) زیستی در غیاب اکسیژن است.

۵۳-۳-۷-۳

کنش هوازی

aerobic action

فرایند (۳-۲-۵-۳) زیستی در حضور اکسیژن است.

۵۴-۳-۷-۳

جریان بدون بارش

dry weather flow

DWF

جریان (۴۱-۳-۷-۳) پس آب (۱۹-۸-۳) در امور تصفیه، که از بارش باران یا ذوب برف متاثر نشده باشد.

۵۵-۳-۷-۳

تناسب شیب آبی

hydraulic gradient

نیمرخ سطح آب جاری در یک آبرو (۱۶-۴-۳-۳) است یا در مجرای (۱۴-۴-۳-۳) بسته، خطی است که نقاط متناظر با آبی که در هر نقطه در لوله های (۱۷-۴-۳-۳) باز بالا خواهند آمد را به هم وصل می کند.

۵۶-۳-۷-۳

اوج جریان

peak flow

حداکثر مقدار سیالی که از یک مقطع عرضی در واحد زمان می گذرد.

۵۷-۳-۷-۳

خروجی

discharge

جریان (۴۱-۳-۷-۳) خروجی از یک روزنه است.

۵۸-۳-۷-۳

شدت روشنایی

illuminance

نسبت شار نوری (۶۰-۳-۷-۳) تابشی روی یک عنصر از یک سطح بر سطح عنصر است.

۵۹-۳-۷-۳

روشنایی

luminance

سنجه‌ای (۷-۱-۷-۳) که یک سطح منعکس کننده، منتقل کننده یا منبع ساطع کننده محرک مولد احساس روشنایی در راستای معلوم، در قالب شدت نور (۶۱-۳-۷-۳) بر واحد سطح ایجاد می‌کند.

۶۰-۳-۷-۳

شار نوری

luminous flux

کمیت به دست آمده از توان (۱۱-۸-۳) تابشی ساطع شده از طریق تعیین تابش با توجه به حساسیت طیفی چشم انسان است.

۶۱-۳-۷-۳

شدت درخشش

luminous intensity

حاصل تقسیم شار نوری (۶۰-۳-۷-۳) خروجی از یک منبع و منتشر شده در بخشی از یک زاویه مخروطی شامل جهت مورد نظر، بر آن بخش از زاویه مخروطی است.

۶۲-۳-۷-۳

قلیائی بودن

alkalinity

ظرفیت یک ماده آبدار جهت واکنش با یون‌های هیدروژن است.

۶۳-۳-۷-۳

اسیدی بودن

acidity

ظرفیت یک ماده آبدار جهت واکنش با یون هیدروکسید است.

۶۴-۳-۷-۳

غلظت

concentration

سنجه (۷-۱-۷-۳) مقدار یک جسم در واحد مایع یا مخلوط گازی یا محلول، به صورت بخشی از مقدار کلی است.

۶۵-۳-۷-۳

شوره

efflorescence

ته نشین بلورین نمک‌های محلول بر روی یک سطح است که در اثر جابجایی یا تبخیر آب می‌باشد.

۶۶-۳-۷-۳

بافت

texture

خصیصه (۴-۱-۷-۳) قابل مشاهده و قابل لمس یک سطح است.

۶۷-۳-۷-۳

کامل

finish

بافت (۶۶-۳-۷-۳) و شرط یک سطح پس از فرآورش یا ترمیم است.

۶۸-۳-۷-۳

بافت آتشی

flame textured

سطح زبری که توسط خرد شدن (۱۱-۳-۷-۳) آن با سوختن در دمای بالا به دست می‌آید.

۶۹-۳-۷-۳

ساب‌خورده

honed

حالت نیمه صیقلی یا سطح مات است.

۷۰-۳-۷-۳

هوازدگی

weathering

تغییر در رنگ یا ترکیب (۶۶-۳-۷-۳) یا آرایش سطح در اثر عمل عناصر است.

۷۱-۳-۷-۳

باران‌گذر

weathered

داشتن سطح شیبداری که امکان دفع آب باران را داشته باشد.

یادآوری - برای واژه weathered معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۷۲-۳-۷-۳ مراجعه شود).

۷۲-۳-۷-۳

هوازده

weathered

تاثیر هوازده‌گی (۷۰-۳-۷-۳) روی سطح است.

یادآوری - برای واژه weathered معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۷۱-۳-۷-۳ مراجعه شود).

۷۳-۳-۷-۳

خار

key

زبری، که با تامین درجه‌ای از گیر فیزیکی به پیوستگی دو سطح کمک می‌کند.

یادآوری - برای واژه key معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۵۰-۳-۷-۳ مراجعه شود).

۷۴-۳-۷-۳

نقص

imperfection

شرایطی که ظاهر را تخریب کرده یا کیفیت (۱۲-۱-۷-۳) را پائین می‌آورد.

۷۵-۳-۷-۳

عیب

blemish

شرایطی که ظاهر را تخریب کرده اما لزوماً کیفیت (۱۲-۱-۷-۳) را پائین نمی‌آورد.

۷۶-۳-۷-۳

خطا

defect

اشتباه (۷۸-۳-۷-۳) یا انحراف (۶-۲-۷-۳) از شرایط موردنظر یک ماده (۱-۱-۴-۳)، هم‌بندی (۵-۵-۳-۳) یا جزء (۴-۱-۴-۳) است.

۷۷-۳-۷-۳

مردود

reject

ماده (۱-۱-۴-۳) یا محصولی (۳-۱-۴-۳) که به جهت برآورده نکردن خصوصیات حاکم، پذیرفته نشود.

۷۸-۳-۷-۳

اشتباه

fault

ناتوانی در عملکرد مناسب است.

۸۰-۳-۷-۳

سازگارپذیری

adaptability

قابلیت تغییر یا اصلاح جهت تناسب با منظور خاص است.

۸۰-۳-۷-۳

دسترس پذیر

accessibility

توانایی یک فضا (۱-۱-۲-۳) جهت ورود آسان است.

۸۱-۳-۷-۳

اعتمادپذیری

reliability

توانایی یک جزء (۴-۱-۴-۳) یا ساخت و ساز (۶-۵-۳-۳) در ارائه عملکرد لازم تحت شرایط اعلام شده و برای دوره زمان مشخص است.

۸۲-۳-۷-۳

ایمنی سازه‌ای

structural safety

ظرفیت یک سازه (۳-۱-۳-۳) برای مقاومت در برابر تمام کنش‌ها (۳-۷-۳-۱۸) و در پدیده‌های تصادفی و همچنین استقامت طی کار ساختمانی (۳-۵-۱-۱) و استفاده مورد انتظار است.

۸۳-۳-۷-۳

پایایی

durability

توانایی ارائه عملکرد (۳-۷-۱-۱) تحت تاثیر عوامل پیش‌بینی شده در ارائه خدمت است.

۸۴-۳-۷-۳

عمر خدمت

service life

دوره زمانی پس از نصب که در طی آن، یک مجموعه یا قسمت‌های اجزای آن الزامات عملکردی (۳-۷-۱-۱۴) را برآورده کرده یا فراتر از آن باشند.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۲۵ استاندارد ISO 15686-1:2011]

۸۵-۳-۷-۳

چرخه عمر

Life cycle

(همه) مراحل متوالی و پیوسته در طول حیات مفعول تحت سنجش است.

[منبع: برگرفته از زیربند ۳-۳۵ استاندارد EN 15643-1:2010- تغییرات: کلمه «همه» اضافه شد.]

۸۶-۳-۷-۳

قابلیت خدمت‌رسانی

Serviceability

توانایی برآورده ساختن الزامات عملکردی (۳-۷-۱-۱۴) مربوطه یا فراتر از آن است.

۸۷-۳-۷-۳

سطح امنیتی

security level

سنجه (۷-۱-۷-۳) سطحی از حفاظت فیزیکی (۳-۷-۳-۸۸) در برابر ورود غیر مجاز است.

۸۸-۳-۷-۳

حفاظت فیزیکی

protection

جلوگیری از آسیب عوامل محیطی یا تصادفی که می‌توانند عملکرد را تحت تاثیر قرار دهند.

۸۹-۳-۷-۳

تضمین کیفیت

quality assurance

اقدامات برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند که اطمینان می‌دهند یک جنس، الزامات کیفیت (۳-۷-۱-۱۲) داده شده را برآورده می‌نماید.

۹۰-۳-۷-۳

نگهدارپذیر

maintainability

توانایی یک جزء (۳-۴-۱-۴) یا ساختمان (۳-۳-۵-۶) برای ماندن در حالتی که بتواند کارکردهای لازم را ایفا کند یا پس از بروز اشتباه (۳-۷-۳-۷۸) به چنین حالتی بازگردانده شود.

۹۱-۳-۷-۳

سکونت‌پذیر

habitability

مناسب بودن یک ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا فضا (۳-۲-۱-۱) برای سکونت انسان است.

۴-۷-۳ ویژگی‌های آزمون

۱-۴-۷-۳

نمونه

sample

یک یا چند جنس که به عنوان معرف یک جمعیت آماری اخذ می‌شوند یا بخشی از ماده (۱-۱-۴-۳) که بدون آریبی از یک توده مصالح جهت ارزیابی برداشته می‌شود.

۲-۴-۷-۳

نمونه آزمایشگاهی

laboratory sample

نمونه (۱-۴-۷-۳) مورد نظر جهت ارزیابی آزمایشگاه است.

۳-۴-۷-۳

مورد آزمون

test portion

قسمتی از یک نمونه (۱-۴-۷-۳) که در یک آزمون منفرد استفاده می‌شود.

۴-۴-۷-۳

آزمونه

test specimen

نمونه‌ای (۱-۴-۷-۳) که در تعیین یک ویژگی (۳-۱-۷-۳) منفرد استفاده می‌شود.

۵-۴-۷-۳

آزمون پذیرش

acceptance testing

آزمونی برای بررسی انطباق یک دسته (۸-۴-۷-۳) یا بهر (۷-۴-۷-۳) با الزامات تعیین شده است.

۶-۴-۷-۳

آزمون تصدیق

approval testing

آزمایشی برای نشان دادن قابلیت استفاده و عملکرد یک وسیله است.

۷-۴-۷-۳

دسته

batch

مقدار ماده (۳-۴-۱-۱) یا واحدهای ساخته شده یا تولید شده به یک روش، در یک زمان و تحت شرایط یکسان است و لذا این قابلیت را دارند که یکسان یا برابر فرض شوند.

۸-۴-۷-۳

بهر

lot

زیر بخشی کاملاً شناسا از دسته (۳-۴-۷-۳) برای اهداف بازرسی است.

اصطلاحات مربوط به برنامه‌ریزی محیطی و فیزیکی^۱ ۸-۳

۱-۸-۳

زمین

land

مساحت سطح زمین بجز اقیانوس‌ها که معمولاً توسط مرزهای طبیعی یا سیاسی یا مرزهای تملیکی متمایز می‌شوند.

۲-۸-۳

برنامه‌ریزی فیزیکی

physical planning

تهیه طرح پیشنهادی برای استفاده از زمین (۳-۸-۱) در یک منطقه جغرافیایی و بر اساس کنترل توسعه است.

۳-۸-۳

محیط

environment

شرایط فیزیکی طبیعی، مصنوعی، درونی یا بیرونی که می‌تواند عملکرد (۳-۷-۱-۱) استفاده از کل یا قسمتی از ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا اثر مهندسی عمران را تحت تاثیر قرار دهد.

1- Terms relating to environment and physical planning

۴-۸-۳

به‌سازی محیطی

environmental improvement

مقاوم‌سازی (۳-۵-۱-۴۳) یک منطقه است.

۵-۸-۳

تردد

traffic

حرکت وسایل نقلیه، افراد یا حیوانات در یک مسیر است.

۶-۸-۳

خیابان پیاده

pedestrian street

محدوده‌ای که تردد (۳-۵-۸) وسایل نقلیه طی دوره‌های زمانی خاص در آن ممنوع است.

مثال: محدوده‌ای که کارکردهایی نظیر یک محدوده پیاده‌رو (۳-۸-۷) طی ساعات کاری دارد اما ممکن است توسط تردد وسایل نقلیه در زمان‌های دیگر استفاده شود.

۷-۸-۳

محدوده پیاده‌رو

pedestrian area

محدوده‌ای که برای عابرین پیاده در نظر گرفته شده و فقط گاهی برای تمیزکردن یا حمل‌ونقل یا در شرایط اضطراری برای تردد (۳-۵-۸) وسایل نقلیه باز می‌شوند.

۸-۸-۳

نهر

watercourse

US: swale

مسیر معمولاً شکل گرفته از فرورفتگی طبیعی که در طول آن آب در اثر جاذبه زمین جریان دارد.

یادآوری - در آمریکا برای واژه swale معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۱-۲-۲۵ مراجعه شود).

۹-۸-۳

سوخت

fuel

کالایی که می‌تواند جهت تولید حرارت از طریق احتراق یا واکنش هسته‌ای استفاده شود.

۱۰-۸-۳

انرژی

energy

ظرفیت انجام کار در شکل حرارت، نور، صدا یا برق یا حرکت هوا، آب و سایر حرکت‌ها است.

۱۱-۸-۳

توان

power

نرخ انتقال انرژی (۱۰-۸-۳) است.

۱۲-۸-۳

پسماند

residue

مصالح (۲-۱-۴-۳) باقیمانده از مصرف یا یک فرایند (۳-۲-۵-۳) است.

۱۳-۸-۳

زباله

waste

GB: refuse

پسماند (۱۲-۸-۳) دور انداخته شده برای بازیافت یا امحاء است.

۱۴-۸-۳

زباله خشک

solid waste

زباله‌ای (۱۳-۸-۳) که رطوبت آن کمتر از حدی است که آزادانه جاری شود.

۱۵-۸-۳

زباله صنعتی

industrial waste

زباله (۱۳-۸-۳) ناشی از فعالیت یا فرایند (۳-۲-۵-۳) صنعتی است.

۱۶-۸-۳

زباله تجاری

commercial waste

GB: trade waste

زباله (۱۳-۸-۳) تولید شده از دادوستد یا عملیات یک مجموعه تجاری، اداری، صنعتی یا مجموعه دولتی است.

۱۷-۸-۳

زباله خانگی

household waste

US: garbage

GB: domestic waste

زباله (۱۳-۸-۳)، بجز زباله خطرناک (۱۸-۸-۳)؛ ناشی از استفاده معمول از منازل مسکونی (۲-۴-۱-۳) است.

۱۸-۸-۳

زباله خطرناک

hazardous waste

زباله‌ای (۱۳-۸-۳) که می‌تواند برای افراد مضر یا خطرناک باشد یا تاثیر منفی بر زنجیره زیستی داشته باشد.

۱۹-۸-۳

پس آب

wastewater

US: sewage

آب بعد از مصرف در یک منزل یا در یک فرایند (۳-۲-۵-۳) یا تولید شده توسط یک فرایند، سایر آب‌ها در سامانه‌های ترکیبی و آبی که به یک شبکه فاضلاب (۴۰-۴-۳-۳) وارد شده است.

یادآوری - در آمریکا برای واژه sewage معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۸-۲۲ مراجعه شود).

۳-۸-۲۰

پس آب خانگی

domestic wastewater

US: domestic sewage

پس آب (۳-۸-۱۹) ناشی از ادوات (۳-۳-۴-۷) در آشپزخانه‌ها، رختشوی‌خانه‌ها (۳-۱-۲-۳)، حمام، توالت (۳-۳-۲-۳) و امکانات مشابه است.

۳-۸-۲۱

پس آب تجاری

trade effluent

trade wastewater

US: commercial sewage

پس آب (۳-۸-۱۹) ناشی از فعالیت‌های صنعتی یا تجاری است.

۳-۸-۲۲

فاضلاب

foulwater

US: sewage

پس آبی (۳-۸-۱۹) که در لوله‌های (۳-۳-۴-۱۷) زیرزمینی منتقل می‌شود.

یادآوری - در آمریکا برای واژه sewage معنای دیگری نیز وجود دارد (به زیربند ۳-۸-۱۹ مراجعه شود).

۳-۸-۲۳

آب سطحی

surface water

آب مانده، جاری بر سطح یا واریزی از سطح ساختمان‌ها (۳-۱-۱-۳) و دیگر سازه‌ها (۳-۱-۴-۳) یا زمین کف (۳-۲-۴-۱) است.

۲۴-۸-۳

روان آب

run-off

US: stormwater

آب سطحی (۲۳-۸-۳) ناشی از نزولات آسمانی است.

۲۵-۸-۳

پس آب طوفان

storm sewage

سیلاب (۲۶-۸-۳) مخلوط شده با پس آب (۱۹-۸-۳) انتقالی توسط گندابرو (۳-۳-۴-۴۱) در اثر سرریز شدن سیلاب است.

۲۶-۸-۳

سیلاب

stormwater

US: floodwater

آب سطحی (۲۳-۸-۳) ناشی از بارش شدید است.

۲۷-۸-۳

گل و لای

Sludge

رسوبات جامد ته‌نشین شده از انواع مختلف آب ناشی از فرایندهای (۳-۲-۵-۳) طبیعی یا مصنوعی است.

[منبع: برگرفته از بند ۶۷ استاندارد ISO 6107-1:2004]

۲۸-۸-۳

یخ بر شدن

frost heave

تورم خاک (۲-۲-۴-۳) در اثر یخ‌زدگی آب درون آن است.

۲۹-۸-۳

نشست

settlement

حرکت به سمت پائین خاک (۲-۲-۴-۳) در اثر فشار (۳-۳-۷-۳) یا تراکم یا بار ساختمان (۳-۱-۱-۳) یا سازه (۲-۱-۳-۳) دیگر متکی بر خاک است.

۳۰-۸-۳

آب‌انباشتگی

ponding

جمع شدن آب در اثر گودافتادگی یک سطح تخت یا کم شیب است.

پیوست الف

(آگاهی دهنده)

فهرست الفبایی مترادف‌های آمریکایی

Term	Number	Preferred international term
access	3.2.4.2	means of access
addition	3.2.1.5	extension
air shaft, light shaft	3.2.3.11	light well
apartment	3.1.4.3	flat
areaway	3.2.3.13	basement access
attic	3.2.2.1	loft
auditorium	3.2.3.7	hall
balloon frame construction	3.1.4.18	balloon-frame building
baluster	3.3.2.72	die
barricade	3.1.3.41	road safety barrier
barricade, guardrail	3.1.3.38	vehicle restraint system
bathroom accessory, toilet accessory	3.3.5.56	tile accessory
batten	3.3.5.60	cover fillet
bay window	3.3.3.12	oriel window
bearing wall	3.3.1.62	spine wall
berm	3.1.2.4	bund
bicycle path	3.1.3.44	cycleway
brad	3.3.5.91	pin
bridge	3.5.3.10	staging
bridging	3.3.1.65	herring-bone bracing
building shell	3.3.1.6	carcass
built-up roof	3.3.2.34	inverted roof
buttress	3.3.1.58	abutment
cabinet shop	3.1.4.12	joinery shop
cabinetry	3.3.5.20	joinery
cableway	3.1.3.5	aerial ropeway
cap	3.3.2.75	coping
casing	3.3.3.19	frame
cathedral ceiling, exposed roof	3.3.2.35	open roof
catwalk	3.2.4.8	walkway
catwalk	3.2.4.10	gangway
civil engineering project	3.1.1.2	civil engineering works
clamp, iron dog	3.3.5.89	dog
clapboard	3.3.2.45	weatherboarding
commercial sewage	3.8.21	trade effluent, trade wastewater
connecting	3.5.1.35	jointing
connection	3.3.5.34	joint

Term	Number	Preferred international term
construction	3.5.1.1	construction work
construction	3.1.1.1	construction works
construction aids	3.5.3.3	site equipment
construction bridge, bridge	3.5.3.10	staging
construction worker, laborer	3.6.2	operative
corridor	3.2.4.5	hall
crawlspace	3.2.4.9	crawlway
crest	3.3.5.82	arris
curb	3.1.3.45	kerb
curtain wall building	3.1.4.14	framed building
dead load	3.7.3.20	selfweight
deafening fill	3.4.4.44	pugging
diaphragm wall, shearwall	3.3.1.61	shear wall
domed roof	3.3.2.27	shell roof
domestic sewage	3.8.20	domestic wastewater
door hardware	3.3.5.47	door furniture
drawbridge	3.1.3.28	vertical lift bridge
dressed lumber	3.4.3.19	planed timber
dropped ceiling	3.3.2.20	suspended ceiling
dropped ceiling, suspended ceiling	3.3.2.19	false ceiling
dry-mix concrete	3.4.4.23	semi-dry concrete
dumbwaiter	3.3.4.33	service lift
dumpster	3.3.4.53	mobile waste container
duplex	3.1.4.4	maisonette
duplex apartment, duplex	3.1.4.4	maisonette
dwarf wall	3.3.2.52	screen
earth	3.4.2.2	soil
eave	3.3.2.38	eaves
egress	3.2.4.2	means of access
elevator	3.3.4.29	lift
elevator cab	3.3.4.30	lift car
elevator shaft	3.2.4.14	lift well
emergency lane	3.1.3.39	hard shoulder
emergency lane, stopping lane	3.1.3.36	lay-by
emergency ramp	3.1.3.43	arrester bed
engineered brick, firebrick	3.4.4.51	engineering brick
entrance hall	3.2.4.5	hall
entry foyer	3.2.4.13	lobby
excavation work	3.5.1.6	earthwork
exposed floor	3.3.2.11	open floor
exposed roof	3.3.2.35	open roof
external corridor	3.2.4.7	access balcony
face	3.4.4.29	facing layer
fascia board	3.3.2.37	barge board
fastener	3.3.5.84	fastening

Term	Number	Preferred international term
faucet	3.3.4.61	tap
fill	3.1.2.9	made ground
filter bed	3.3.4.45	graded filter
finished grade	3.7.2.68	finished ground level
fire brick	3.4.4.51	engineering brick
first floor	3.2.2.5	ground floor
first storey	3.2.2.5	ground floor
fixings	3.3.5.45	building hardware
floating foundation, slab foundation	3.3.1.83	raft foundation
floodwater	3.8.26	stormwater
footmold	3.3.5.72	skirting
foundation	3.3.1.4	substructure
foyer	3.2.4.6	entrance hall
free span	3.7.2.38	clear span
free-access floor, raised floor	3.3.2.16	suspended floor
freeway	3.1.3.34	highway
freeway, interstate highway	3.1.3.37	motorway
front garden, front yard	3.2.2.16	forecourt
front yard	3.2.2.16	forecourt
gage	3.7.2.60	gauge
garbage	3.8.17	household waste
girder	3.3.1.37	main beam
grab bar	3.3.2.77	grab rail
grade	3.1.3.16	road formation
grade	3.7.2.67	ground level
groove at dripnose	3.3.5.10	throat
guard	3.3.2.68	guarding
guardrail	3.1.3.38	vehicle restraint system
guardrail system, guard	3.3.2.68	guarding
hall	3.2.4.3	corridor
hallway	3.2.4.5	hall
harbour	3.1.3.64	basin
hardware	3.3.5.45	building hardware
header	3.3.3.47	head
header	3.3.3.32	lintel
heart centre	3.4.3.4	pith
hip roof	3.3.2.30	hipped roof
historic preservation	3.5.1.38	preservation
hot water boiler	3.3.4.49	calorifier
hot water tank, hot water boiler	3.3.4.49	calorifier
I-beam	3.3.1.91	I-section
impact barrier	3.1.3.42	crash cushion
inside stringer	3.3.5.31	outer string
installed appliance	3.3.4.2	fitment
interstate highway	3.1.3.37	motorway

Term	Number	Preferred international term
iron dog, clamp	3.3.5.89	dog
keyway, tongue and groove joint	3.3.5.99	keyed joint
kiln-dried lumber	3.4.3.32	kiln dry timber
laborer	3.6.2	operative
lagbolt, lagscrew	3.3.5.95	coach screw
lagscrew	3.3.5.95	coach screw
lally column, tubular column	3.3.1.88	structural hollow section
latch-set	3.3.5.53	latch lock
leaching field, filter bed	3.3.4.45	graded filter
leave	3.3.2.55	leaf
lift, cableway	3.1.3.5	aerial ropeway
light shaft	3.2.3.11	light well
lite	3.3.3.6	light
live load	3.7.3.21	imposed load
lobby, vestibule, foyer	3.2.4.6	entrance hall
lock	3.3.5.49	fastener
lock gate	3.1.2.28	penstock
loft	3.2.2.2	attic
louver	3.3.3.27	louvre
lumber	3.4.3.18	sawn timber
mall	3.2.2.14	arcade
median	3.1.3.48	central reserve
membrane	3.3.5.8	damp proof course
metal plate connector	3.3.5.96	gangnail connector plate
mezzanine	3.2.2.15	gallery
millwork shop, cabinet shop	3.1.4.12	joinery shop
molding	3.3.5.71	architrave
mound	3.1.2.11	dumpling
muntin	3.3.3.23	transom
noise barrier	3.1.3.14	noise bund
nominal dimension	3.7.2.3	nominal size
overpass	3.1.3.51	flyover
parching	3.3.2.78	targeting
parking area, parking lot	3.1.3.57	vehicle park
parking garage	3.1.3.58	multi-storey car park
parking lot	3.1.3.57	vehicle park
parking space	3.1.3.59	parking bay
parking spot, parking space	3.1.3.59	parking bay
parking stall, parking space	3.1.3.59	parking bay
Parkway	3.1.3.34	highway
parkway, interstate highway	3.1.3.37	motorway
passage	3.2.4.3	corridor
passage	3.2.4.5	hall
passenger elevator	3.3.4.32	passenger lift
patio	3.2.3.8	terrace

Term	Number	Preferred international term
pavement stone	3.3.5.100	sett
picket, baluster	3.3.2.72	die
pier	3.1.3.65	berth
pilaster	3.3.1.53	attached pier
pile foundation	3.3.1.85	piled foundation
pillar	3.3.1.50	pier
pipe	3.4.1.11	tube
pipe driving	3.5.1.14	pipe ramming
pitch pocket	3.4.3.14	resin pocket
planed lumber	3.4.3.19	planed timber
plastering base	3.3.5.44	plastering background
platform frame construction	3.1.4.17	platform-frame building
plumbing	3.3.4.6	sanitation installation
plumbing fixture	3.3.4.8	sanitary appliance
porch, veranda	3.2.3.9	verandah
port	3.1.3.66	dock
post	3.3.2.71	baluster
post and beam construction	3.1.4.16	timber-framed building
powder room	3.2.3.3	toilet
railroad	3.1.3.3	railway
raised floor	3.3.2.16	suspended floor
recess	3.7.3.1	sinking
recessed balcony	3.2.2.11	internal balcony
rehab	3.5.1.43	rehabilitation
relocation	3.5.1.49	translocation
renovation	3.5.1.50	alteration
rest area	3.1.3.56	service area
restroom	3.2.3.3	toilet
retail shop, store	3.1.4.9	shop
retaining earthworks	3.1.2.10	bund wall
road safety rail	3.1.3.40	road safety fence
roadway	3.1.3.35	carriageway
rotary	3.1.3.71	roundabout
run	3.7.2.54	going
sand blasting	3.5.1.54	grit blasting
safety factor	3.7.1.13	factor of safety
sawn lumber, lumber	3.4.3.18	sawn timber
screed	3.5.3.13	float
second floor	3.2.2.6	first floor
second storey	3.2.2.6	first floor
seismic load	3.7.3.29	seismic action
service elevator	3.3.4.31	goods lift
service lane, emergency lane	3.1.3.39	hard shoulder
service lines	3.3.4.1	service
service space	3.2.4.11	service duct

Term	Number	Preferred international term
sewage	3.8.19	wastewater
sewage	3.8.22	foulwater
sewage system	3.3.4.40	sewerage system
shearwall, diaphragm wall	3.3.1.61	shear wall
shed roof	3.3.2.25	monopitch roof
shop	3.1.4.11	workshop
shoring	3.5.3.9	planking and strutting
shoulder	3.1.3.47	verge
sidewalk	3.1.3.55	footway
siding	3.3.2.43	cladding
sight line	3.1.3.60	building line
sitework	3.1.1.5	external works
sky	3.3.3.17	laylight
skylight	3.3.3.13	rooflight
skylight	3.3.3.14	roof window
slab foundation	3.3.1.83	raft foundation
sound barrier, noise barrier	3.1.3.14	noise bund
space frame	3.3.1.30	space structure
speed bump, traffic restraint	3.1.3.52	traffic calming
stabilization	3.5.1.44	structural rehabilitation
staggered stud wall	3.3.2.49	double stud wall
staging area	3.2.3.2	working space
staging space, staging area	3.2.3.2	working space
stopping lane, emergency lane	3.1.3.36	lay-by
storage space	3.1.4.7	warehouse
store	3.1.4.9	shop
stormwater	3.8.24	run-off
story	3.2.1.2	storey
streetcar	3.1.3.4	tramway
stripping	3.5.1.32	striking
stringer	3.3.5.28	string
subsill	3.3.3.44	sill
subway	3.1.3.6	underground railway
sunshade	3.3.3.26	sunbreaker
surfaced lumber	3.4.3.19	planed timber
suspended ceiling	3.3.2.19	false ceiling
swale	3.8.8	watercourse
test pit	3.2.3.10	inspection pit
thermal insulating material	3.4.4.32	thermal insulation material
third floor	3.2.2.7	second floor
three-dimensional truss	3.3.1.73	space frame
tie	3.1.3.10	sleeper
tie rod	3.3.1.22	tie
tie-down	3.3.1.74	ground anchorage
toilet	3.2.3.4	WC

Term	Number	Preferred international term
toilet	3.3.4.9	WC suite
toilet accessory	3.3.5.56	tile accessory
tongue and groove joint	3.3.5.99	keyed joint
top plate	3.3.1.56	wall plate
traffic restraint	3.1.3.52	traffic calming
trowel	3.5.3.12	spreader
truss plate, metal plate connector	3.3.5.96	gangnail connector plate
tubular column	3.3.1.88	structural hollow section
underlayment	3.3.2.13	underlay
unfinished/finished millwork, cabinetry	3.3.5.20	joinery
utility lines, service lines	3.3.4.1	service
vapor barrier	3.3.2.5	vapour control layer
veranda	3.2.2.12	porch
veranda	3.2.3.9	verandah
vertical wall segment, leave	3.3.2.55	leaf
vestibule, lobby, foyer	3.2.4.6	entrance hall
wainscoat	3.3.5.73	dado
walkway	3.2.4.4	passage
walkway, sidewalk	3.1.3.55	footway
wall stringer	3.3.5.32	wall string
wallpaper	3.3.5.78	wall-covering
warehouse	3.1.4.7	store
water line	3.3.4.4	water service
wind load	3.7.3.28	wind action
window casing	3.3.3.21	window frame
window hardware	3.3.5.48	window furniture
window well	3.2.3.12	basement area
wood panel	3.4.3.26	wood-based panel
wood sheathing, wood panel	3.4.3.26	wood-based panel

کتابنامه

- [1] ISO 1087-1, Terminology work — Vocabulary — Part 1: Theory and application
- [2] ISO 2074:2007, Plywood — Vocabulary
- [3] ISO 4618:2014, Paints and varnishes — Terms and definitions
- [4] ISO 6107-1:2004, Water quality — Vocabulary — Part 1
- [5] ISO 7000, Graphical symbols for use on equipment — Registered symbols
- [6] ISO 9000:2015, Quality management systems — Fundamentals and vocabulary
- [7] ISO 9229:2007, Thermal insulation — Vocabulary
- [8] ISO 9836:2011, Performance standards in buildings — Definition and calculation of area and space indicators
- [9] ISO 10209, Technical product documentation — Vocabulary — Terms relating to technical drawings, product definition and related documentation
- [10] ISO 10318:2008, Geosynthetics — Terms and definitions
- [11] ISO 10406-2, Fibre-reinforced polymer (FRP) reinforcement of concrete — Test methods — Part 2: FRP sheets
- [12] ISO 13666:2012, Ophthalmic optics — Spectacle lenses — Vocabulary
- [13] ISO 14040, Environmental management — Life cycle assessment — Principles and framework
- [14] ISO 15519-1, Specifications for diagrams for process industry — Part 1: General rules
- [15] ISO 15531-1, Industrial automation systems and integration — Industrial manufacturing management data — Part 1: General overview
- [16] ISO 15686-1:2011, Buildings and constructed assets — Service life planning — Part 1: General principles and framework
- [17] ISO 17064:2016, Wood-based panels — Fibreboard, particleboard and oriented strand board (OSB) — Vocabulary
- [18] ISO 17492, Clothing for protection against heat and flame — Determination of heat transmission on exposure to both flame and radiant heat
- [19] ISO 24294:2013, Timber — Round and sawn timber — Vocabulary
- [20] ISO 29464, Cleaning equipment for air and other gases — Terminology
- [21] ISO/IEC Guide 99, International vocabulary of metrology — Basic and general concepts and associated terms (VIM)
- [22] ISO/TS 15874-7, Plastics piping systems for hot and cold water installations — Polypropylene (PP) — Part 7: Guidance for the assessment of conformity
- [23] EN 12699:2000, Execution of special geotechnical work — Displacement piles

[24] EN 206-1:2001, Concrete — Part 1: Specification, performance, production and conformity

[25] EN 14076:2013, Timber stairs — Terminology